BAATRADER

WYCKOFF POWER CHARTING

مترجم : @irajeew



ترجمه به‌روزترین دوره‌های بازارهای مالی @BaaTrader
پاس کردن چالش‌های پراپ فرم‌ها با ربات پراپ‌تریدر @BaaTrader_Prop
ما را در تلگرام دنبال کنید @ToBeaTraderBot
BaaTrader.com
Instagram: BaaTrader

فهرست

مقاله شماره 1 : فهمیدن برخی از اصطلاحات پایه‌ای وایکوف : صفحه 4
مقاله شماره 2 : قوانین واقعی بازی ریچارد دی. وایکوف : صفحه 8
مقاله شماره 3 : توقف عملکرد یک روند نزولی : صفحه 12
مقاله شماره 4 : فاز تجمیع: جذب سهام مثل یک اسفنج : صفحه 19
مقاله شماره 5 : بازی با نمودارهای کنونی، به سبک وایکوف : صفحه 25
مقاله شماره 6 : فرانسیس بیکن ماهیت روندها رو آشکار می‌کنه : صفحه 28
مقاله شماره 7 : پریدن از روی نهر : صفحه 35
مقاله شماره 8 : نمودار قدرتمند وایکوف، بیاید مرور کنیم : صفحه 41
مقاله شماره 9 : با روند دوست شوید : صفحه 48
مقاله شماره 10 : زمزه گر چارت شدن صفحه 54
مقاله شماره 11 : افزایش قدرت با تریدینگ رنج بازتجمیع : صفحه 59
مقاله شماره 12 : بررسی بازتجمیع : صفحه 65
مقاله شماره 13 : وقتی موریانه‌ها به روندهای شما وارد میشن : صفحه 72
مقاله شماره 14 : در دو راهی قرار گرفتن : صفحه 82
مقاله شماره 15 : دنبال کردن توپِ جهنده : صفحه 89
مقاله شماره 16 : فقط نمودارها : صفحه 95
مقاله شماره 17 : زمینه پادشاه هست : صفحه 102
مقاله شماره 18 : فقط یک فاز دیگر : صفحه 106

مقاله شماره 1

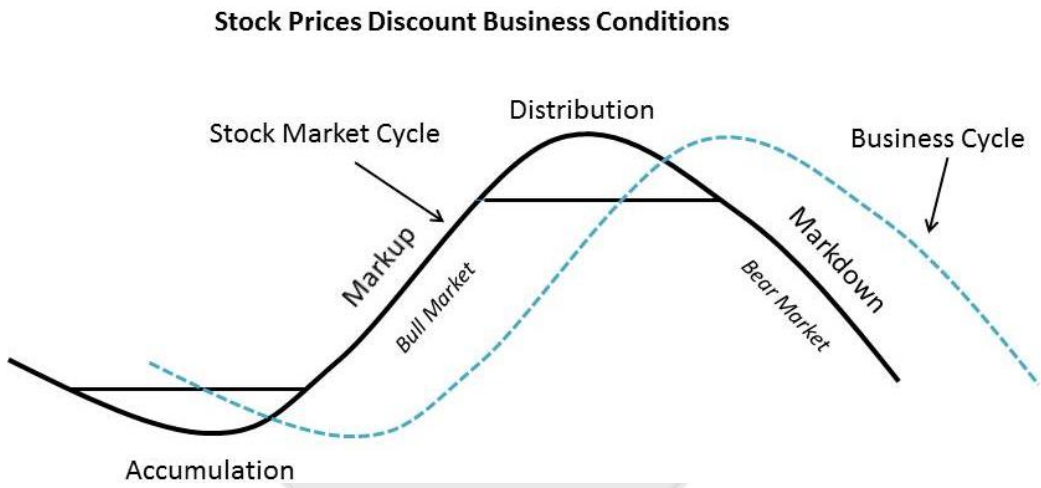
فهمیدن برخی از اصطلاحات پایه‌ای وایکوف



بازار سهام یک معماست. گاهی اوقات منطقی و عقلانی به نظر میاد، مثلاً زمانی که قیمت سهام با رشد درآمدها و شرایط عمومی کسب و کار افزایش پیدا میکنه و برعکس، زمانی که قیمت سهام با کاهش رشد درآمدها و فروش کاهش پیدا میکنه. اما در مواقعی دیگه، بازار سهام منطقی نیست و اخبار و شرایط کسب و کار با روند قیمت‌ها همخونی ندارن.

چرخه اقتصادی یک پدیده بی‌پایان از جزر و مدِ که معمولاً هر چهار تا شش سال بین رکود و رونق متناوبِ. این چرخ‌وار بودن فعالیت‌های اقتصادی به نظر میرسه با بازارهای صعودی و نزولی و روند قیمت سهام همبستگی داره. بازارهای صعودی شرایط رونق اقتصادی رو دنبال می‌کنن و بازارهای نزولی با انقباضات اقتصادی همبستگی دارن. وقتی چرخه اقتصادی در کنار بازار سهام ترسیم بشه، میبینیم که تا حدی هم دیگه رو دنبال می‌کنن. ولی با بازرسی دقیق‌تر، چرخه بازار سهام به طور معمول شش تا نه ماه یا بیشتر از چرخه اقتصادی پیشی می‌گیره. این به این معنیِ که در شروع یک بازار صعودی جدید در سهام، اقتصاد هنوز در حال انقباضِ. قیمت سهام دیگه سقوط نمیکنه و حتی برخی از سهام شروع به افزایش می‌کنن در حالی که درآمدها، فروش و شرایط کلی کسب و کار همچنان بدتر میشن. روحیه کلی جامعه سرمایه‌گذاری

ناامید و تیره هستش. ماه‌ها پیش از پایین اومدن قیمت سهام، اخبار مربوط به اقتصاد رو به بدتر شدن میره. در پایین‌ترین نقطه یک بازار نزولی، بدبینی همه‌جا رو فرا گرفته. یک ضرب‌المثل قدیمی میگه: وال استریت تنها جاییِ که یک حراجی نصفِ قیمت برگزار می‌کنه و هیچ‌کس در حراجی حضور پیدا نمیکنه.



بعد به طور ناگهانی، پایین‌ترین قیمت‌ها برای بهترین سهام و برخی شاخص‌ها شکل می‌گیره و در اینجا پارادوکسی برای سرمایه‌گذاران به وجود میاد. شش تا نه ماه طول میکشه تا پایین‌ترین نقطه نهایی در اقتصاد به دست بیاد. اقتصاددانان به شش ماه یا بیشترِ دیگه نیاز دارن تا نقاط داده‌های اقتصادی کافی رو ببینن و اعلام کنن که رکود به پایان رسیده و "شرایط کسب و کار در مرحله بهبودِ". اگر یک تریدر منتظر این اعلامیه بمونه، سهام بیشتر از یک سال افزایش پیدا کرده و بهترین سهام عملکردی به طور قابل توجهی به قیمت‌های بالاتری میرسن.

در پایان یک بازار صعودی طولانی در سهام، این پدیده به صورت معکوس عمل می‌کنه. قیمت سهام و شاخص‌ها شروع به کاهش می‌کنن. اونا دیگه به اخبار خوب اقتصادی و افزایش درآمدها برای

رسیدن به قیمت‌های بالاتر واکنش نشون نمیدن. در این میان، تحلیلگران در ستایش شرایط شرکت‌ها آواز میخونن و اقتصاددانان چشم‌انداز بی‌پایانی از رونق اقتصادی میبینن. لری لیوینگستون در کتاب "خاطرات یک اپراتور سهام" گفت: من اونقدر عجله داشتم که کلید جدید رو امتحان کنم که متوجه نشدم قفل دیگه ای هم روی در وجود داره... یک قفل زمان!

ویژگی پیشروی بازار سهام نسبت به شرایط اقتصادی اغلب به عنوان "سازوکار تخفیفی" یا discounting mechanism شناخته میشه. قیمت سهام یک شرکت می‌تونه برای یک سال یا بیشتر روندی رو دنبال کنه قبل از اونکه نشونه‌های بهبودی در شرایط کسب و کار اون شرکت ظاهر بشه. اما وال استریت به نظر می‌رسه بی‌پایان مجذوب شاخص‌های عقب افتاده از فعالیت‌های اقتصادی مثل درآمدهای شرکتی، رشد فروش و غیره هستش. آیا احتمال نداره که هر کسی که با استفاده از این داده‌های عقب‌مونده تصمیم‌گیری بکنه، وقتی که بازار، قفل رو عوض کنه و صعود به نزول یا نزول به صعود تبدیل بشه، شگفت‌زده بشه؟

ریچارد دی. وایکوف فهمیده بود که روندهای قیمت سهام قبل از شرایط اقتصادی آینده شکل می‌گیرن و اونا رو تخفیف میدن. اون همچنین زندگیش رو برای فهمیدن دلیل افزایش و کاهش قیمت سهام اختصاص داد (که ممکنِ شما رو شگفت‌زده کنه و موضوع مقاله ی بعدی ماست). اون روشی ابداع کرد که کاملاً بر اساس حرکت قیمت سهام هستش. اون این تکنیک رو "خواندن نوار" یا tape reading نامید. کاری که او

برای خواندن "داستان نوار" یا tale of the tape انجام می‌داد، رسم فعالیت روزانه قیمت‌ها بر روی یک نمودار کندلی بود که حجم معاملات روزانه در زیر قیمت‌ها نمایش داده می‌شد. اون فهمیده بود که قیمت سهام مهم‌ترین شاخص پیشروِ. تحلیلگر وایکوفی تلاش می‌کنه با استفاده از حرکت قیمت خود سهام، جهت آینده اون رو به درستی پیش‌بینی کنه.

چهار مرحله اصلی چرخه کلاسیک بازار سهام عبارتند از: مرحله تجمیع یا The Accumulation Phase، مرحله افزایش قیمت یا The Markup Phase، مرحله توزیع یا The Distribution Phase و مرحله کاهش قیمت یا The Markdown Phase. قیمت سهام در هر یک از این مراحل به شیوه‌ای خاص و منحصر به فرد رفتار میکنه. تحلیلگر وایکوفی مهارت پیدا می‌کنه تا بین این مراحل تمایز قائل بشه و بدین ترتیب تعیین کنه که چه زمانی و چگونه به فعالیت‌های سفته‌بازی بپردازه. در مقاله های بعدی، ما به طور دقیق مثال‌هایی از هر یک از این مراحل رو بررسی می کنیم. درک ویژگی‌های این مراحل همون چیزیه که خوندن نمودار قدرتمند رو تشکیل میده.

بار بعدی نیروی محرکه پشت حرکت قیمت سهام و "قوانین واقعی بازی" رو آشکار میکنیم.

BAATRADER

مقاله شماره 2

قوانین واقعی بازی ریچارد دی. وایکوف


RICHARD D. WYCKOFF

قیمت‌های سهام به طور مداوم تحت تأثیر نیروهای بزرگ و کوچک قرار دارن. این نیروها قیمت‌ها رو به طور بی‌پایان به بالا و پایین می‌برن. اگر بتونیم این نیروها رو درک کرده و تأثیر اونا رو شناسایی کنیم، می‌تونیم یاد بگیریم که حرکت‌های قیمت سهام رو پیش‌بینی کنیم.

ریچارد دی. وایکوف مصمم بود تا دلایل واقعی پشت حرکت‌های قیمت سهام رو بشناسه. در جستجوی خودش، اون گروهی از سرمایه‌گذاران و تریدرها رو کشف کرد که اطلاعات بهتری داشتن و مهارت‌های بالاتری داشتن. این سوپر تریدرها به اندازه‌ای بزرگ بودن که قادر به تأثیرگذاری بر روند و جهت قیمت‌ها بودن. این تمایلات توسط نوار (Tape) فاش شد، به این ترتیب آقای وایکوف می‌تونست رسدپای اونا رو روی نوار (یعنی در نمودارهای خود) ببینه. عملیات بازار سهام این تریدرها ویژگی‌های مشترکی داشت که در هر چرخه تکرار می‌شد. اونا تمایل داشتن در ابتدای روند در بهترین سهام قرار داشته باشن و مدت طولانی‌تری بر روی روند بمونن. به دلیل مقیاس عظیم عملیات اونا، اونا بسیار زود در مرحله تجمیع سهام برای یک شرکت پیداشون میشد و به طور پنهانی اقدام به خرید سهام می‌کردن. با تلاش بسیار برای باقی موندن در خفا در عملیات خرید خود، مقادیر زیادی از سهام رو با قیمت‌های پایین به دست می‌آوردن. هدف همیشه تجمیع سهام بدون

افزایش قیمت به نفع خود بود. چنین عملیات‌هایی ممکنِ ماه‌ها طول بکشه. مقادیر زیادی از سرمایه به طور ماهرانه و به آرامی در کف‌ها به کار گرفته می‌شد. وایکوفی‌ها به این جذب عرضه شناور سهام یا absorption of the floating supply of stock میگن.

وایکوف به این نتیجه رسید که چنین عملیات‌هایی، که به مقیاس بزرگ انجام می‌شدن، منجر به افزایش حرکت سهام‌های انتخاب‌شده پس از مرحله تجمیع میشه. این سهام‌های هدفمند، نسبت به سهام‌های دیگه، به میزان بیشتری، سریع‌تر و طولانی‌تر حرکت می‌کنن. اینا همون سهام‌هایی بودن که ارزش نگهداری داشتن.

پرهیز از شناسایی شدن برای انجام چنین عملیات‌های بزرگی ضروری بود. تریدرهای بزرگ همیشه با بقیه تریدرهای بزرگ برای تأمین عرضه سهام‌های مطلوب رقابت می‌کنن. پنهان‌کاری در اجرای یک کمپین حیاتیست. فعالیت‌های ترکیبی این تریدرهای بزرگ رقیب، نقطه تمرکز تحلیل آقای وایکوف شد. اون یاد گرفت که چگونه عملیات اونا رو در نمودارها ببینه. ممکن بود اقدام‌های اونا پنهان باشه، اما ردپای اونا در همه جای نمودارها دیده می‌شد. اونا نمی‌تونستن از تحلیلگران وایکوفی پنهان بمونن که این شواهد رو در نحوه رفتار کندل‌ها و ویژگی‌های حجم معاملات میدیدن. این تریدرهای بزرگ ناشناخته، به طور مجموع، به عنوان "اپراتور ترکیبی" یا Composite Operator (CO) شناخته شدن.

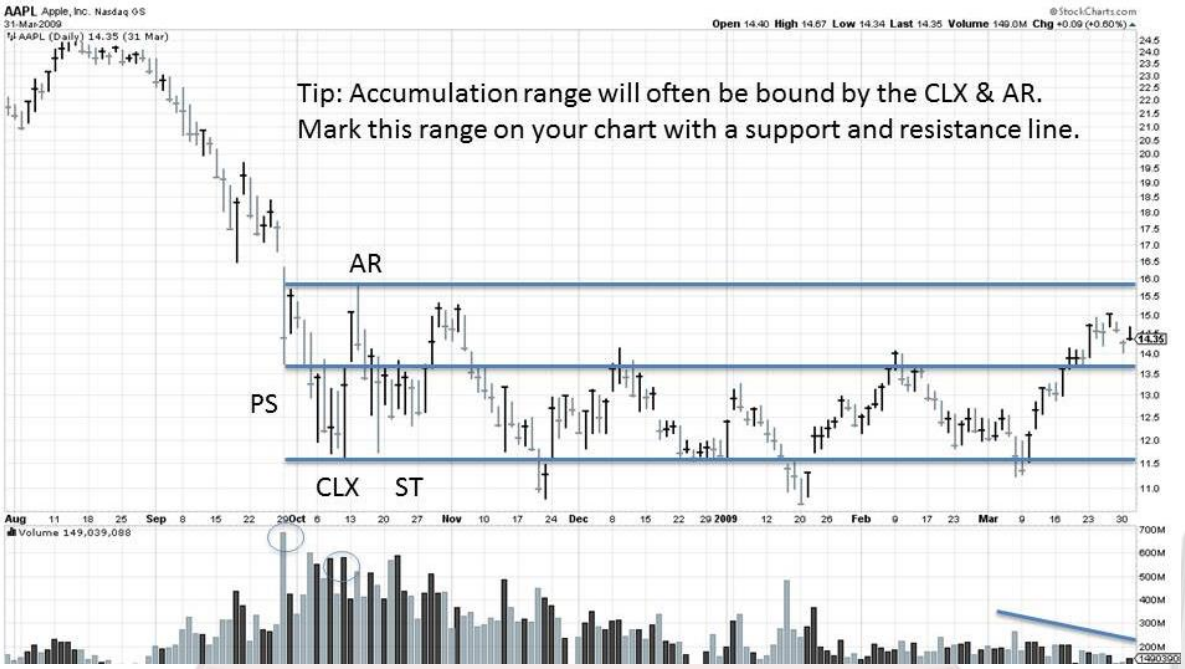
اوپراتور های ترکیبی مهارت‌ها و توانایی‌هایی رو در کمپین‌های خودشون نشون میدن که در بیشتر تریدر ها قابل دیدن نیست. آقای

وایکوف مصمم بود تا در فکر و عمل مثل اونا بشه و موفق به این کار شد. اون بعدش تصمیم گرفت که به عموم درباره فعالیت‌های این اپراتور ها و نحوه شناسایی اونا آموزش بده. به این ترتیب، روش وایکوف به وجود اومد.

"قوانین واقعی بازی" فعالیت‌های اوپراتور ترکیبی بودن. آقای وایکوف می‌خواست آگاهی عمومی سرمایه‌گذاران رو از این عملیات‌ها افزایش بده. بدون این دانش، تمایل عمومی اینِ که در زمان اشتباه وارد بازارها بشن، کارهای نادرست انجام بدن و پس‌اندازهای خودشون رو از دست بدن. غرایز طبیعی افراد غیرحرفه‌ای برای تجارت و سرمایه‌گذاری مناسب نیستن. آقای وایکوف به دانش‌آموزان آموخت که چطور با اپراتور ترکیبی همراه بشن و بنابراین یاد بگیرن که مانند اوپراتور ترکیبی فکر کنن.

اپراتور ترکیبی، داستان فعالیت‌های جمعی چندین عملیات حرفه‌ای هست که همزمان انجام میشن. به طور کلی، این فعالیت‌ها در نمودارهای کندلی نمایان میشن. ما داستان اقدامات و انگیزه‌های اونا رو به گونه‌ای نقل می‌کنیم که انگار یک اپراتور بزرگ واحد هستن. این کار رو از طریق مطالعه و تفسیر دقیق نمودارها انجام میدیم. با تکرار روایت داستان اپراتور ترکیبی در نمودارها، دانش‌آموزان وایکوف شروع به تفکر و عمل هماهنگ با این فعالیت‌های حرفه‌ای می‌کنن.

BAATRADER



در مقاله قبلی، چرخه تجمیع، افزایش قیمت، توزیع و کاهش قیمت رو به یاد بیارید. هر مرحله دارای ردپای خاص اپراتور ترکیبیِ که در نمودارها نمایان میشه. تجمیع با توقف روند نزولی قبلی (مرحله کاهش قیمت) شروع میشه. ما به طور مفصل به بررسی هر یک از این مراحل میپردازیم. وایکوف یک فرآیند تسلطِ و تکرار کلید تسلطِ. بنابراین، بیایید با توقف روند نزولی قبلی با نگاهی به نمودار AAPL در سال‌های 2009-2008 شروع کنیم. توقف روند شامل موارد زیر هستش: حمایت مقدماتی یا Preliminary Support (PS)، اوج فروش یا Selling Climax (CLX)، رالی خودکار یا Automatic Rally (AR) و آزمون ثانویه یا Secondary Test (ST). این نقاط رو در نمودار AAPL مطالعه کنید. به ماهیت کندل‌ها و حجم معاملات توجه کنید. توقف روند قبلی آغاز فعالیت‌های اپراتور ترکیبی برای تجمیع سهامِ. هنوز فعالیت‌های زیادی در نمودارها باید تشکیل بشه تا نشون بده که سهام برای خرید توسط وایکوفی آماده هستش. سعی کنید نمونه‌های بیشتری از این توقف

روند پیدا کنید. یک راهنما اینِ که به شاخص‌ها و برخی سهام در سال‌های 2008-2009 نگاه کنید.

مقاله شماره 3

توقف عملکرد یک روند نزولی



روند نزولی زمانی اتفاق میوفته که عرضه (سهام) بیشتر از تقاضا باشه. شناوری یک سهام تعداد کل سهامی هست که توسط سرمایه گذاران و تریدر ها در بازار نگهداری میشن. با استثنای بازخریدهای شرکتی و عرضه‌های ثانویه، شناوری یک سهام نسبتاً ثابتِ و توسط افراد، مؤسسات، صندوق‌های تامینی و غیره نگهداری میشن. چرا سهام دارای روندهای طولانی صعودی و نزولی هستن؟ وایکوف معتقد بود که این تغییر در کیفیت مالکیت عرضه شناور سهامِ. اگر کیفیت مالکیت بالا باشه، سهام افزایش پیدا میکنه. اگه کیفیت پایین باشه، سهام آسیب‌پذیر میشه. چه کسی کنترل عرضه شناور سهام رو در دست داره؟ آیا در دست‌های قویِ یا ضعیف؟ این سوال بی‌پایان در سفته‌بازی سهامِ.

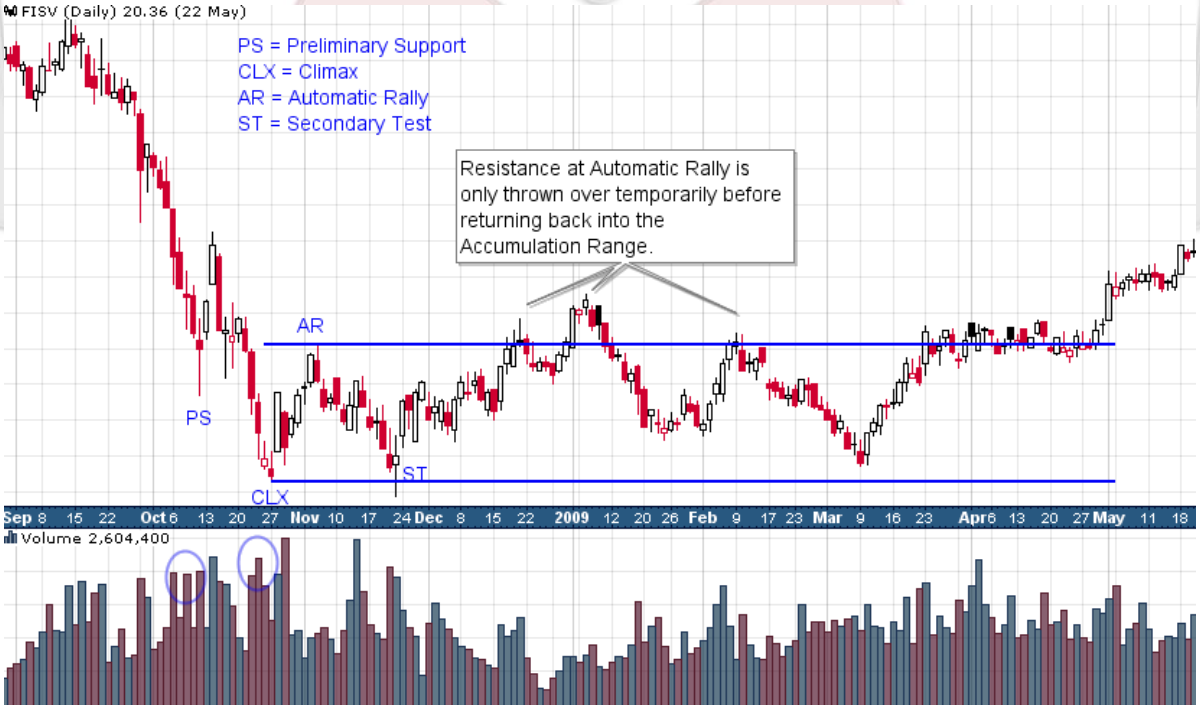
قیمت‌های نزولی نشون‌دهنده کیفیت پایین مالکیتِ. آقای وایکوف می‌گفت که سهام در دست‌های ضعیف قرار داره. تحت مالکیت با کیفیت پایین، قیمت سهام می‌تونه برای مدت طولانی کاهش پیدا کنه. چه تغییر شرایطی می‌تونه یک روند نزولی رو متوقف کنه؟ در نهایت

پس از ماه‌ها کاهش، قیمت‌های سهام به حالت وحشتناکی در میان. با افزایش نوسانات، کاهش قیمت‌ها سریعتر میشه. دامنه روزانه قیمت‌ها می‌تونه به سه یا چند برابر دامنه معمولی برسه و حجم معاملات بسیار بالا میره.

تسریع کاهش قیمت‌ها برای سرمایه‌گذاران بسیار نگران‌کننده هست. بسیاری از اونا در حال فروش سهام خودشون هستن. این نوسانات در قیمت سهام ممکنِ با اخبار منفی درباره سهام یا اقتصاد به‌طور کلی همراه باشه. این عوامل متعدد باعث ایجاد دلایل مختلف برای فروش میشن. کل بازار ممکنِ تحت تأثیر این سرایت فروش قرار بگیره. فروش در یک سهام منجر به فروش در سایر سهام‌ها میشه، به ویژه در حساب‌های مارجین شده.

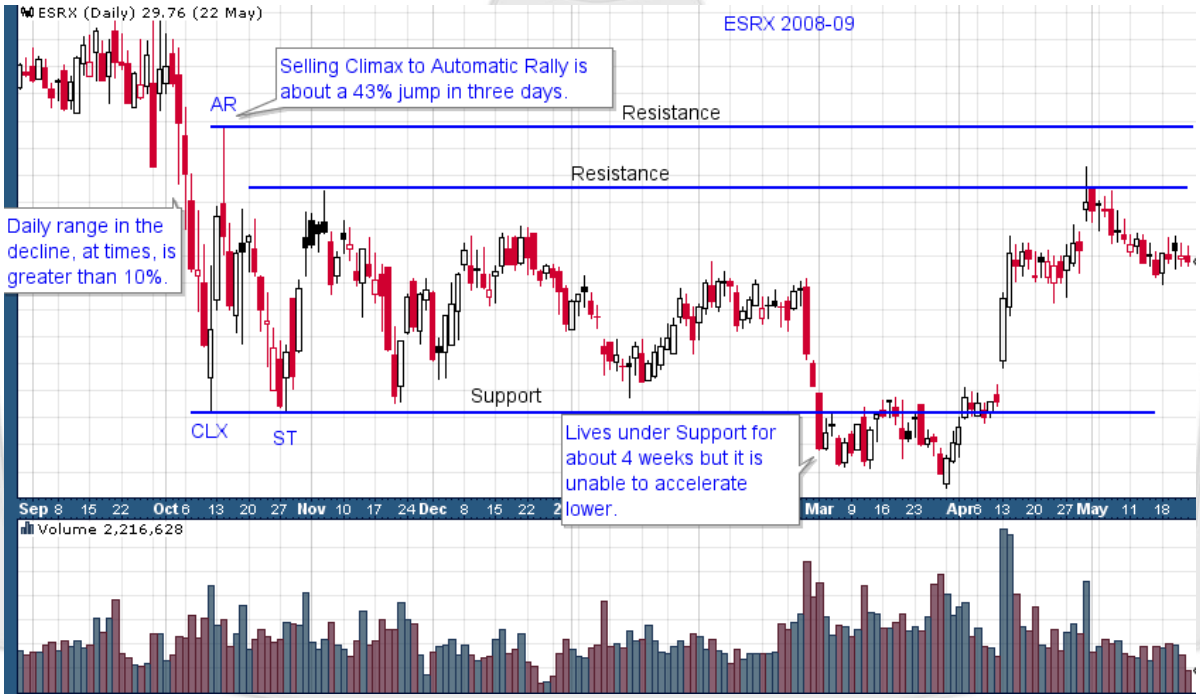
فروش بی‌وقفه می‌تونه روزها و هفته‌ها ادامه پیدا کنه. یکی از توصیف‌های به یاد ماندنی اینِ که مثل "تبی هستش که قطع نمیشه". سپس روز اوج فرا می‌رسه. روز اوج می‌تونه دامنه معاملاتی بسیار وسیعی داشته باشه که در مقایسه با روزها و هفته‌های قبل از اون بسیار بزرگِ. یکی از ویژگی‌های این روز بسیار گسترده اینِ که در بخش زیادی از اون، قیمت‌ها به طور وحشیانه‌ای در اطراف پایین‌ترین نقطه روز با حجم معاملات بسیار بالا نوسان می‌کنن و سپس بالاتر از نقطه میانی دامنه روز بسته میشن. این یک روز مهمِ! ما این روز رو در نمودارهای خود به عنوان روز اوج (CLX) نام گذاری میکنیم. به احتمال زیاد، خرید با کیفیت بالا در اون روز انجام شده. اون چیزی که قیمت‌ها در روزها و هفته‌های بعد انجام میدن برای تأیید تحلیل ما مهمِ.

تحلیل نمودار ما تلاش میکنه تا تعیین کنه آیا این خرید با کیفیت بالا همون اپراتور ترکیبیِ که به سهام برگشته تا سهام رو با قیمت‌های مناسب جذب کنه یا نه. این جذب ممکنِ هفته‌ها یا حتی ماه‌ها طول بکشه و این نشونه بسیار خوبیِ. ما این سهام رو از نزدیک نگاه می کنیم تا لحظه‌ای که تریدر وایکوفی بتونه همراه با اپراتور ترکیبی وارد عمل بشه و با اونا همراه بشه، همون‌طور که اونا شروع به افزایش قیمت سهام به سطح‌های بسیار بالاتر می‌کنن.



حجم بالا نشونه‌ای از ورود اپراتور ترکیبی و خرید سهامِ. این تقاضای با کیفیت بالا با فروش هراسان مواجه میشه. تحلیل وایکوف به دنبال چهار نقطه نموداری هست: حمایت مقدماتی (PS)، اوج فروش (CLX)، رالی خودکار (AR) و آزمون ثانویه (ST). زمانی که این چهار نقطه شناسایی بشن، نتیجه‌گیری میشه که روند کاهشی متوقف شده. هنوز

در تریدینگ رنج برای نامیدن این وضعیت به عنوان تجمیع زودِ. این توالی اغلب به عنوان عمل توقف یا Stopping Action شناخته میشه.

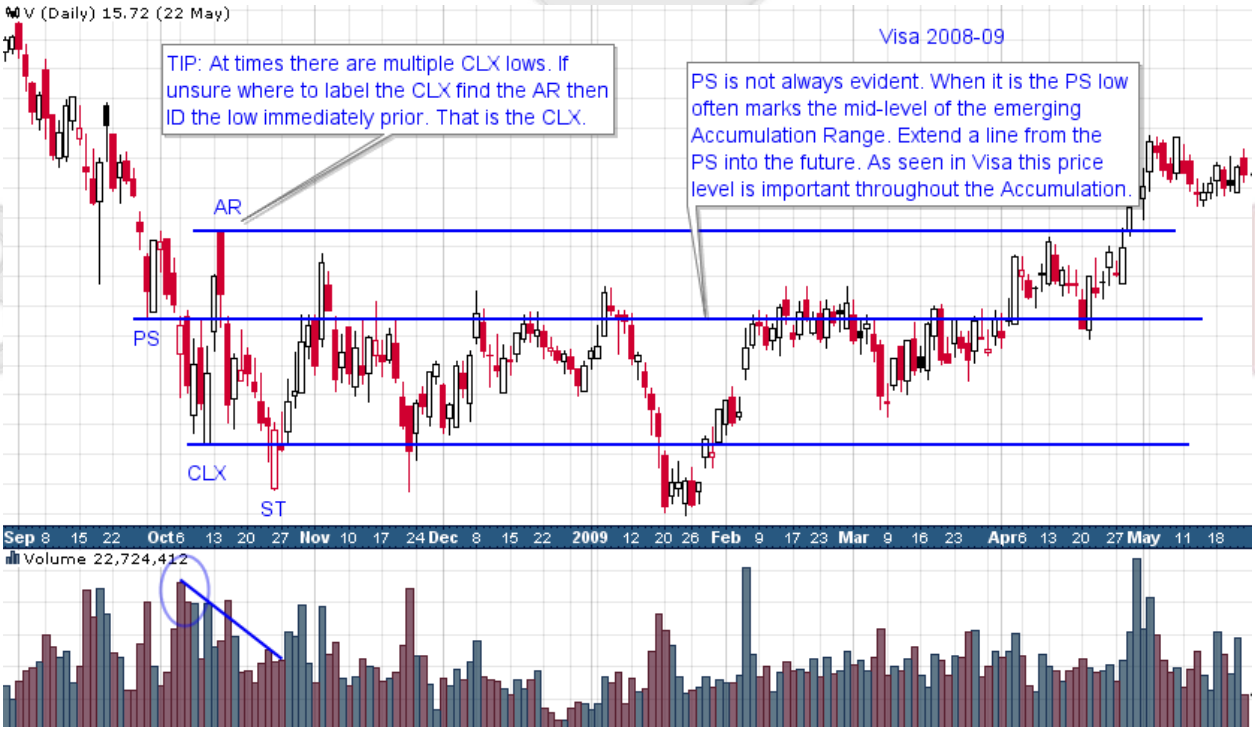


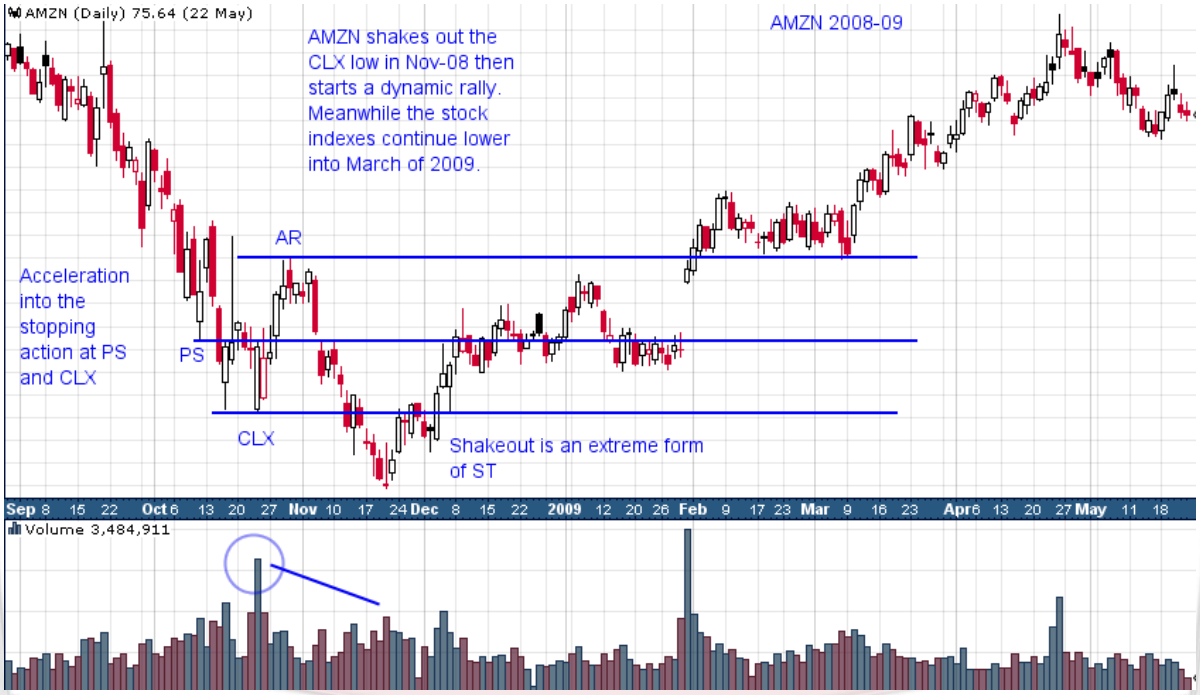
بلافاصله پس از شناسایی نقاط PS، CLX، AR و ST خطوط حمایت و مقاومت رو در فضای خالی نمودار خود ترسیم کنید. قیمت‌ها تمایل دارن که در این محدوده‌های حمایت و مقاومت باقی بمونن. این یکی از مفیدترین تکنیک‌ها در تحلیل تکنیکالِ و خاص تحلیل وایکوف هستش. توجه داشته باشید که نوسانات شدید در طول یک روند نزولی حضور دارن. این نوسانات برای اکثر سرمایه‌گذاران نگران‌کننده هست و اغلب منجر به فروش هراسان میشه. همچنین AR نشونه‌ای از خستگی عرضه هستش که کوتاهِ (پرش درصدی AR چشم‌گیر ولی موقتیِ). انتظار داشته باشید که پس از AR کاهش به سمت CLX داشته باشیم. هنوز عرضه زیادی در بازار وجود داره. تلاش برای معامله در روند نزولی

و CLX برای وایکوفی‌های تازه‌کار توصیه نمیشه به دلیل نوسانات شدید (حتی وایکوفی‌های باتجربه هم تمایل دارن از اونا اجتناب کنن).



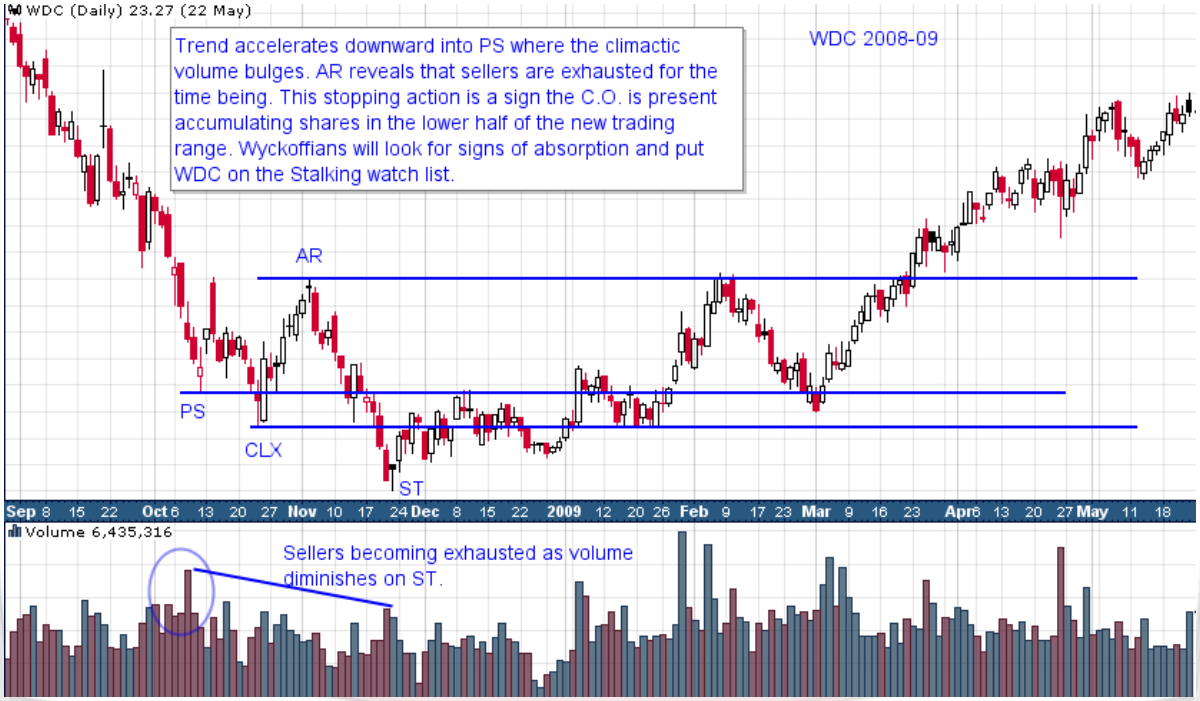
توجه داشته باشید که چگونه خط حمایت رسم شده در سطح CLX در مرحله تجمیع بعداً وارد عمل میشه. همچنین خط مقاومت در سطح AR هفت ماه بعد کاملاً به کار میوفته.





حمایت مقدماتی (PS) یک توقف کوتاه در کاهش قیمتِ که با یک جهش ملایم همراه میشه (دو مثال قبلی رو ببینید). PS یک پدیده گاه به گاهِ. PS نشونه‌ای از تقاضای خوبِ که شروع به خرید سهام میکنه. PS می‌تونه از CLX از طریق رفتار بعدی قیمت متمایز بشه. یک AR نشون‌دهنده اینِ که دره ی قبلی یک CLX بوده. ما به مزایای PS در مقاله های آینده میپردازیم.

BAATRADER



در تریدینگ رنج، تقاضا و عرضه در تعادل هستن. با استفاده از روش وایکوف، ما یاد می‌گیریم که چگونه تعیین کنیم آیا چیزی بیشتر از اون چیزی که در تریدینگ رنج در حال وقوعِ، یعنی تجمیع توسط اپراتور ترکیبی، وجود داره یا نه. در این مقاله، اولین مرحله از تجمیع رو بررسی کردیم. تجمیع یک پیشرفتِ که زمان می‌بره و معمولاً ماه‌ها طول می‌کشه. در اینجا یک تمرین برای شماست. به این سهام‌ها در همان بازه زمانی 2009-2008 نگاه کنید: UNH، HD، MAR، KO، TXN، LBTYK، SIAL، CTSH، BRCM.

BAATRADER

مقاله شماره 4

فاز تجمیع: جذب سهام مثل یک اسفنج



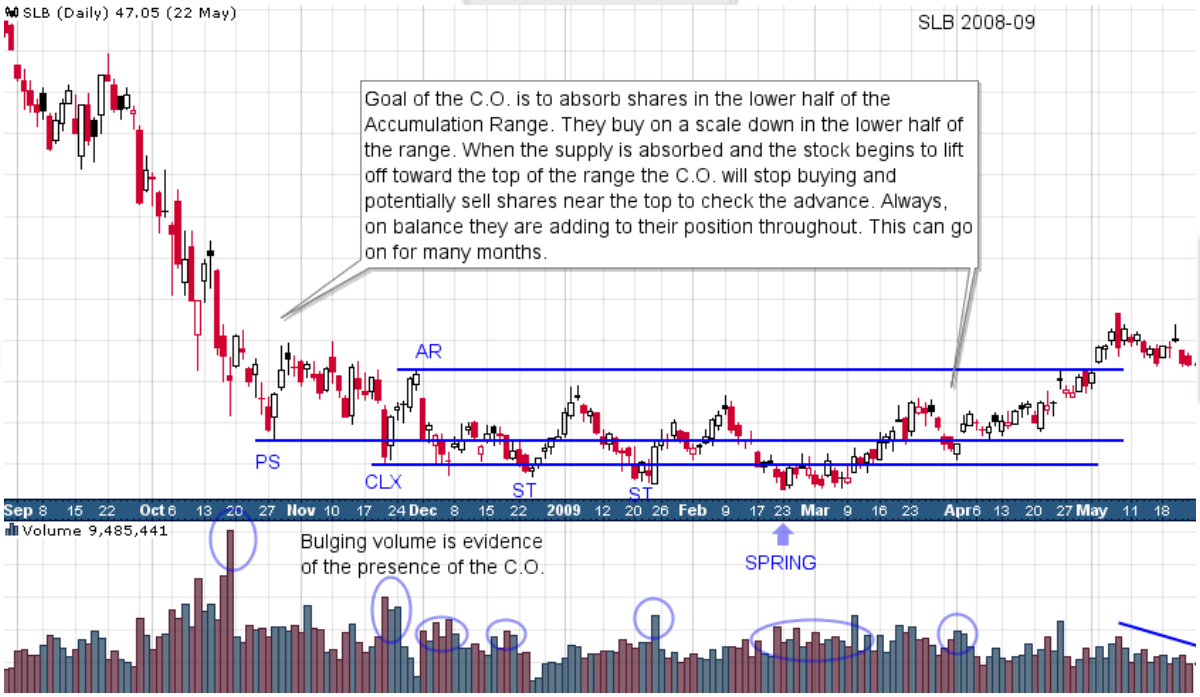
شرایطی که باید قبل از یک افزایش طولانی و پایدار در قیمت سهام فراهم باشه، چیه؟ این سوال مهمیِ چون افزایش قیمت سهام به‌طور چشمگیرتر و سریع‌تر نسبت به اکثر سهام‌های دیگه تصادفی نیست. وقتی منافع بزرگ و آگاه (اپراتور ترکیبی) تشخیص بدن که سهام یک شرکت باید بخشی اساسی از پرتفوی اونا باشه، یک کمپین برنامه‌ریزی میشه. هدف اینِ که تعداد زیادی از سهام رو با قیمت مناسب خریداری کنن با این انتظار که شرکت رشد چشمگیری داره و قیمت سهام رو به سطح بسیار بالاتری میرسونه. مرحله اولیه کمپین جذب تعداد هدف‌گذاری شده‌ای از سهامِ. برنامه‌ریزی لازمه چون ممکنِ ماه‌ها طول بکشه تا مقدار مورد نظر جمع‌آوری بشه. هدف اینِ که این سهام‌ها به طور مخفیانه خریداری بشن بدون اینکه توجهی به فعالیت‌های اونا جلب بشه. اپراتور ترکیبی نمی‌تونه اقدامات خودش رو برای همیشه پنهان کنه؛ در نهایت توسط سایر اپراتورهای ترکیبی کشف میشه. این خرید های بزرگ اولیه در طول اوج فروش یا به زودی پس از اون فعال میشه و بیشترین مزیت رو در خرید سهام به صورت مخفیانه داره. یک اوج فروش با مقادیر زیادی سهام برای فروش همراهِ. با پیشرفت مرحله تجمیع، خرید تعداد زیادی سهام دشوارتر میشه و نیاز به مهارت‌های معاملاتی بیشتری داره.

در طول کل مرحله تجمیع، عرضه اضافی از سهام برای فروش وجود داره. با برنامه‌ریزی و اجرای دقیق، اپراتور ترکیبی قصد داره این سهام‌ها رو با پایین‌ترین قیمت متوسط ممکن جذب کنه. با پیشرفت این مرحله، تعداد بیشتری از اپراتور های ترکیبی برای تعداد کمتری از سهام‌های موجود در فروش رقابت میکنن. پارادوکس اینِ که در زمانی که قیمت‌ها پایین و بی‌روح باقی می‌مونن عموم مردم بیشتر بدبین میشن. اینجا یک کلید برای استراتژی اپراتور ترکیبی وجود داره؛ قیمت‌ها رو پایین نگه دار. با توسعه مرحله تجمیع، انجام این کار سخت‌تر میشه. آقای وایکوف با روش‌های اپراتور ترکیبی به‌خوبی آشنا بود و می‌دونست که ردپای اونا در نمودارها نمی‌تونه پنهان بمونه.

جذب سهام ویژگی کلیدی (که برای وایکوفی‌ها اهمیت داره) در مرحله تجمیعِ. اپراتور ترکیبی سهام‌ها رو مثل یک اسفنج با قیمت مناسب جذب می‌کنه با هدف نگهداری اونا برای مدت بسیار طولانی. تنها سناریویی که باعث میشه اپراتور ترکیبی این سهام‌های جذب‌شده رو بفروشه، قیمت‌های بسیار بالاترِ. اگه جامعه اپراتور ترکیبی بیشتر عرضه موجود از سهام رو جذب و خریداری کنه، چه اتفاقی برای قیمت سهام میوفته؟ زمانی که سهام در "دست‌های قوی" قرار می‌گیره، عرضه موجود پایینِ و حتی یک افزایش جزئی در تقاضا باعث پرش قیمت سهام میشه و روند صعودی اصلی آغاز میشه. این زمانیِ که وایکوفی مشغول خرید سهام میشه تا با منافع بزرگ و آگاه همراه بشه.

هفته گذشته، شرکت تحقیقاتی هِج فاند پریکین با گزارشی خبرساز شد که نشون میده ۹۲٪ از دارایی‌های هِج فاندها توسط ۱۱٪ از ۵,۱۲۲ هِج

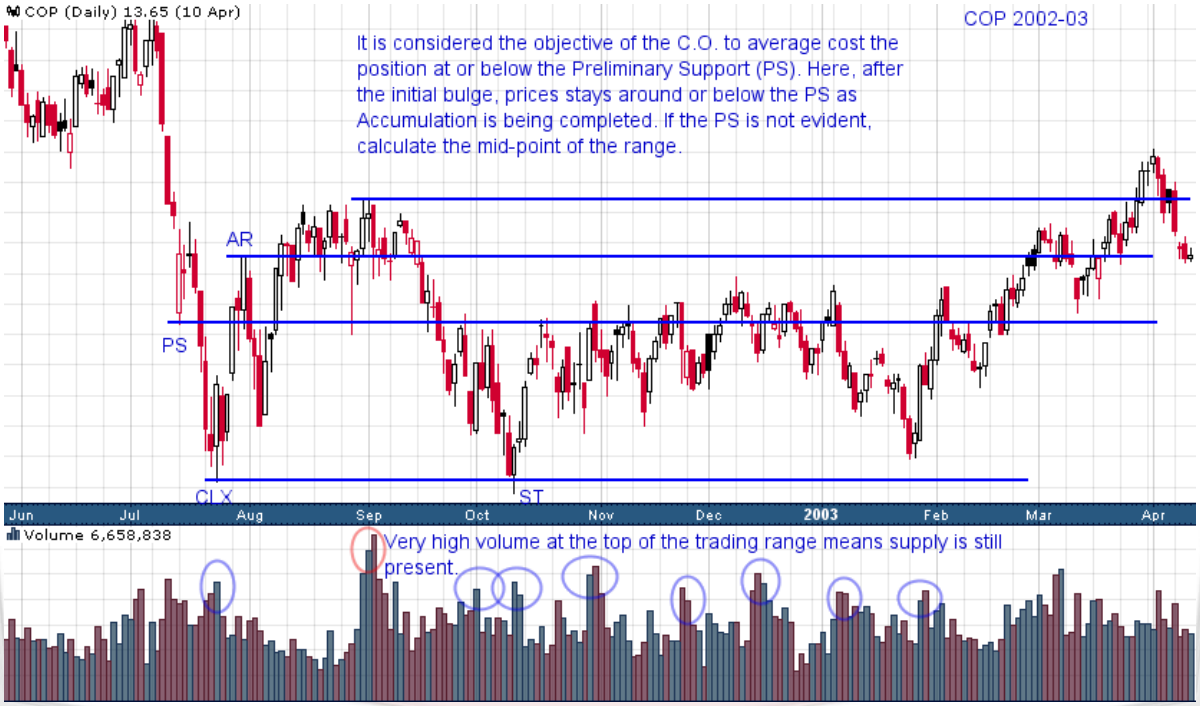
فاند فعال کنترل میشه. در مجموع، ۵۷۰ مدیر هِج فاند، ۲.۷۸ تریلیون دلار از دارایی‌ها رو در اختیار دارن. آیا میشه به این که این هِج فاندها از بهترین‌های بهترین هستن و با مهارت بالا سرمایه‌گذاری می‌کنن، شک کرد؟ اونا با هم دیگه برای ایده‌های برجسته رقابت می‌کنن و به طور جمعی مبنای سرمایه‌ای عظیم رو به سهام و سایر دارایی ها اختصاص میدن. همچنین، این نوع اپراتورهای ترکیبی با سایر سرمایه‌گذاران نهادی بسیار ماهر (مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، برنامه‌های بازنشستگی، و ETFها) رقابت می‌کنن. به یاد داشته باشید که همه سرمایه‌گذاران نهادی اپراتورهای ترکیبی نیستن و همه اوپراتور های ترکیبی هم سرمایه‌گذاران نهادی نیستن. سرمایه‌ها تمایل دارن در جایی متمرکز بشن که بیشترین کارایی رو داشته باشن. بنابراین، همون‌طور که پریکین گزارش داده، مدیران ماهرتر (اپراتور ترکیبی) اکثریت سرمایه رو کنترل می‌کنن.



سهام در زمان ضعف خریداری میشه، وقتی که قیمت سهام از بالای محدوده تجمیع به پایین اون کاهش پیدا میکنه. حمایت در پایین محدوده نتیجه فعالیت‌های خرید بزرگی از سوی اوپراتور ترکیبیِ و این موضوع رو میشه در اوج فعالیت‌های حجمی دید.

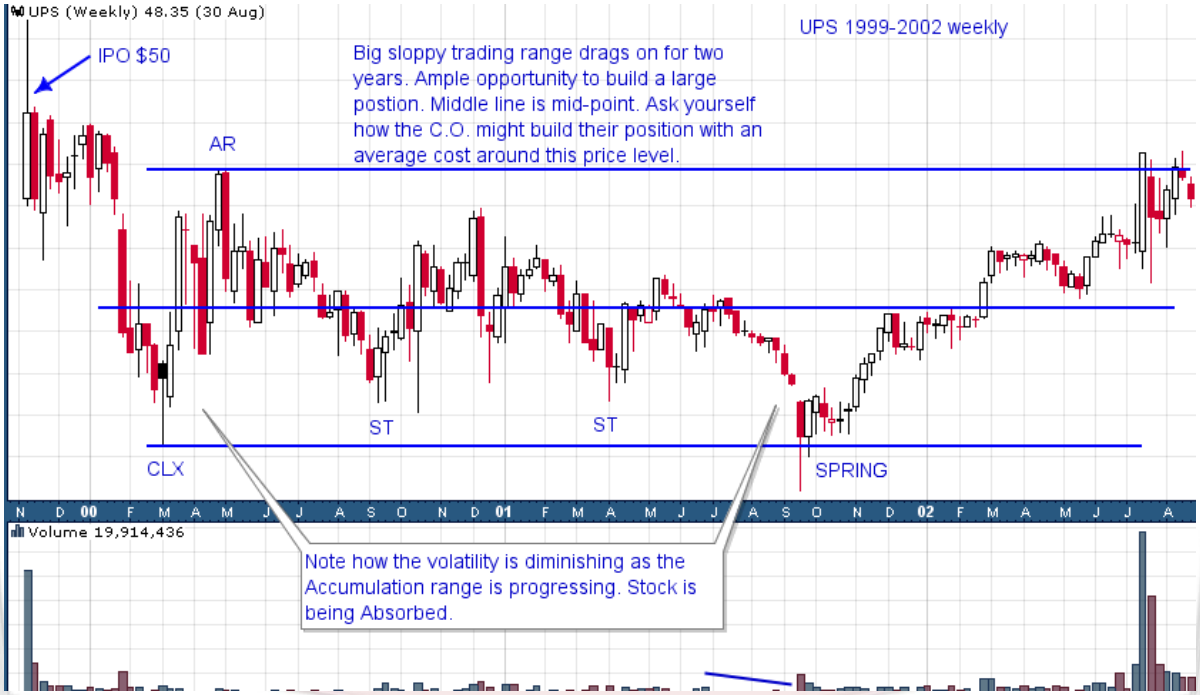


یک تریدینگ رنج یک قفل میان عرضه و تقاضا هستش. در این مثال، DOW دارای برآمدگی‌هایی در حجم نزدیک به بالای محدوده هست. عرضه واضحِ و باید قبل از شروع هر روند صعودی معنادار جذب بشه. حجم با پیشرفت سهام در محدوده تجمیع کاهش پیدا میکنه. بسیاری از سهام‌ها دارای تریدینگ رنج هایی هستن که به‌طور فعال توسط دست‌های قوی جذب نمیشن. این سهام‌ها ویژگی‌های تجمیع رو نشون نمیدن و برای مدت طولانی به روند بدون جهت ادامه میدن.



برای سرمایه‌گذار و تریدر، این یک دوره زمانی به شدت طاقت‌فرساست. نوسانات بالا و قیمت‌ها پایینِ که منجر به تسلیم سرمایه‌گذاران خرد میشه، چون اونا از خرید سهام صرف‌نظر کرده و اقدام به فروش اونا می‌کنن. در عین حال، اپراتور ترکیبی به‌طور سیستماتیک از این محیط برای خرید سهام استفاده می‌کنه. در طول این روند رفت و برگشتی، وایکوفی صبورانه منتظره تا زمانی که سهام آماده بشه تا دوباره فعال بشه و روند صعودی آغاز بشه (موضوع مقاله های بعدی).

BAATRADER



دو سال فعالیت در تریدینگ رنج زمانی به شدت طولانی هست. توجه کنید که عمل نهایی این تجمیع به ایجاد یک کف جدید کوچیک ختم میشه. این به عنوان اسپرینگ یا Spring شناخته میشه. توجه کنید که تغییر کاراکتر یا change of character قیمت هنگام برگشت از این عمل اسپرینگ (که در آینده بیشتر در مورد آن صحبت میکنیم) و حرکت اون به سمت بالای محدوده چطورِ. این صعود رو با صعودهای قبلی در مرحله انباشت مقایسه کنید.

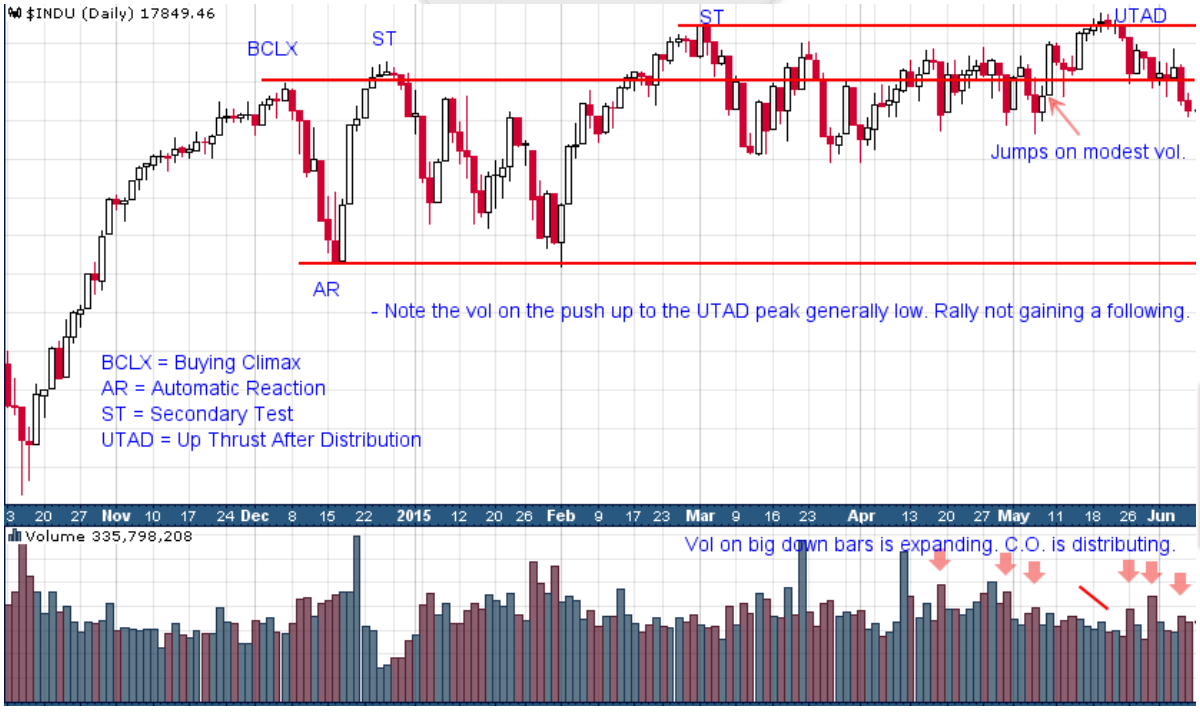
تکلیف: شریک آموزشی و مربی وایکوفی من، هَنگ پودِن افسانه‌ایِ. با خواندن مقاله او با عنوان "نمودارهای وایکوف: الگوهای بصری برای تصمیم‌گیری‌های زمان‌بندی بازار" (سعی میکنم ترجمه اون رو هم بزارم)، به‌طور غیرمستقیم اون رو به عنوان مربی خود در نظر بگیرید. این مقاله و منابع دیگه رو می‌تونید در وب‌سایت hankpruden.com

پیدا کنید. همچنین، کتاب هَنگ "سه مهارت برتر در معاملات" یا The Three Skills of Top Trading رو بررسی کنید.

مقاله شماره 5

بازی با نمودارهای کنونی، به سبک وایکوف

تجمیع، افزایش قیمت، توزیع و کاهش قیمت چهار مرحله اساسی چرخه وایکوف هستن. مقاله های قبلی بر روی مراحل اولیه تجمیع متمرکز بودن. هنوز کارهای بیشتری باقی‌مونده، اما بیاید یک وقفه داشته باشیم و شرایط فعلی بازار رو که بسیار جالبِ، بررسی کنیم. این رو به عنوان مقدمه‌ای بر اصول توزیع در نظر بگیرید با وعده اینکه در آینده نزدیک این موضوع رو به تفصیل بررسی میکنیم.



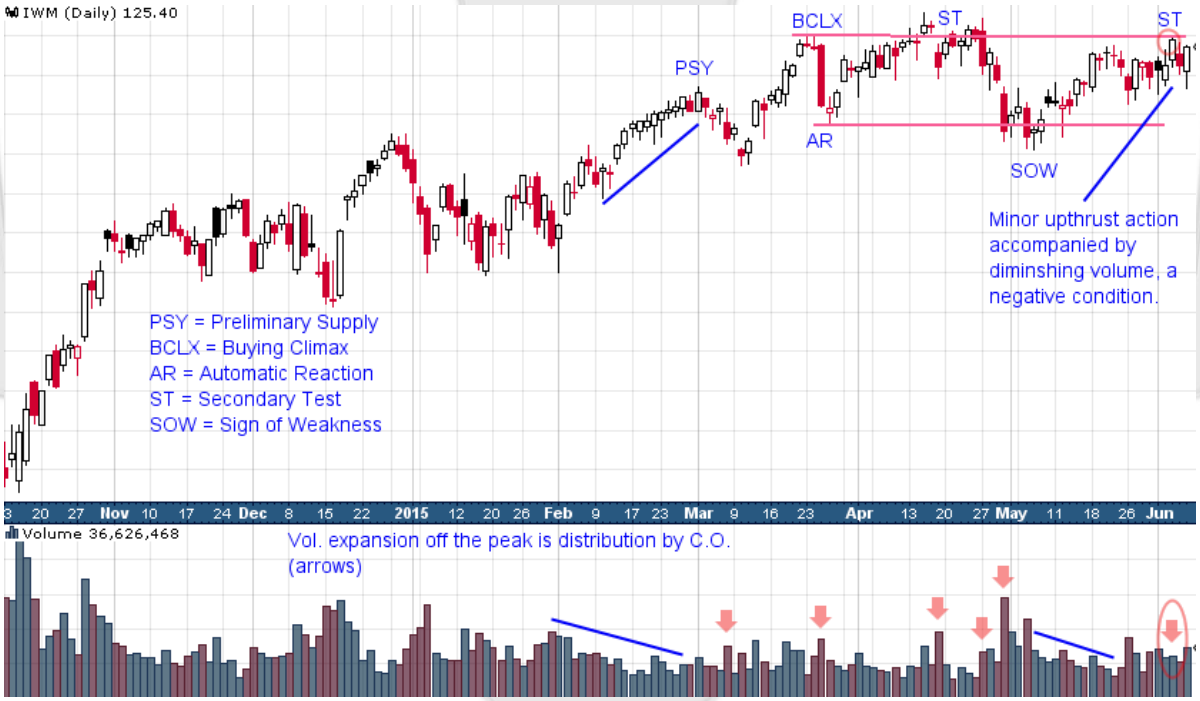
شاخص INDU$ یک تریدینگ رنج رو با یک اوج خرید یا Buying Climax و یک واکنش خودکار یا Automatic Reaction تعیین کرده.

این دو نقطه تریدینگ رنج رو برای آینده قابل پیش‌بینی و چارچوب‌بندی میکنن. اکنون در ماه ژوئن هستیم و بیشتر از چیزی که در دسامبر اتفاق افتاد، تا به امروز همچنان صادقِ. همچنین توجه کنید که در روز پنجشنبه هفته گذشته، INDU$ دوباره به زیر اوج BCLX دسامبر سقوط کرد. ما خطوط افقی رو از اوج BCLX و پایین AR رسم می‌کنیم تا محدوده‌های بیرونی محدوده احتمالی توزیع رو تعیین کنیم. توجه کنید که چطور قیمت میتونه بالاتر از اوج BCLX صعود کنه، اما نمیتونه بالاتر باقی بمونه یا فاصله بگیره.

روند صعودی پس از توزیع یا The Up Thrust after Distribution (UTAD) یک توسعه جالبِ. به عنوان آخرین حرکت در ناحیه توزیع، قیمت گاهی اوقات یک اوج بالاتر رو به مقدار کمی ثبت می‌کنه، همونطور که در اینجا اتفاق افتاده. سپس به محدوده برمی‌گرده. در UTAD کلاسیک، اون چیزی که بعدش میاد یک کاهش سریع و تند به پایین تریدینگ رنج هستش. این کاهش‌ها معمولاً ناپایدار هستن. نمودار نشون میده که حجم در کاهش قیمت‌ها از هر یک از اوج‌های اخیر (فلش‌های قرمز) در حال افزایش هست. این نشونه‌ای از فروش فعالِ.

وایکوفی‌ها در قالب سناریوها و تاکتیک‌ها فکر میکنن. اون چیزی که خریداران در اینجا نیاز دارن یک برگشت در بالاتر از ۱۷۶۰۰ و ازسرگیری روند صعودی با حمله به یک اوج جدیده. ۱۷۰۶۸ واکنش خودکارِ (AR) و هدف بعدی هستش. اگه قیمت به این سطح برسه و از اون عبور کنه (حتی به طور مختصر)، چنین کاهشی رو به عنوان نشونه ضعف یا

Sign of Weakness (SOW) نام گذاری میکنیم. رالی بعدی اطلاعات زیادی در مورد اینکه آیا کل ساختار یک توزیع بزرگ با پتانسیل بیشتر برای کاهشِ یا یک مرحله تجدید جمع‌آوری پله‌ای یا Stepping Stone Reaccumulation (SSR) که به شدت مهمِ، نشون میده. به یاد داشته باشید که ویژگی کلاسیک UTAD اینِ که سریع و با نوسان پایین میاد.



iShares Russell 2000 (IWM) چشم‌اندازی متفاوت از INDU$ داره. اوج خرید (BCLX) و واکنش خودکار (AR) در اواخر مارس تشکیل شد. توجه داشته باشید که چقدر خوب این نقاط، عملکرد قیمتی بعدی رو در بر میگیرن. کاهش پس از تست ثانویه (ST) با افزایش حجم همراهِ و نشونه‌ای از فروش فعالِ که به نشونه ضعف (SOW) منجر میشه رالی ماه مه، IWM رو به یک اوج جدید نمی‌رسونه و ما اون رو به عنوان یک ST برچسب می‌زنیم. بعداً ممکنِ این برچسب به نقطه آخر عرضه یا Last Point of Supply (LPSY) تغییر کنه. تفاوت اصلی بین این دو

اینِ که کاهش ST به سطوح پایین قبلی محدوده توزیع برمیگرده و LPSY آخرین نقطه رالی قبل از یک روند نزولی بزرگترِ. نوسانات چهار کندل آخر نسبتاً بالاست و هیچ پیشرفتی به سمت بالا وجود نداره. ما این رو چرخش نزدیک اوج ها یا churning near the highs می‌نامیم. خریداران به دنبال رفتن قیمت‌ها به high های جدید هستن. در غیر این صورت، تست پایین تریدینگ رنج یا کاهش بیشتر یک احتمال واقعیِ.

منتظر بمونید تا در ادامه یادگیری همه چیزهای مربوط به وایکوف، به‌طور دوره‌ای وضعیت بازار سهام رو بروزرسانی میکنیم.

مقاله شماره 6

فرانسیس بیکن ماهیت روندها رو آشکار می‌کنه



فرانسیس بیکن گفت: "همون‌طور که در طبیعت، چیزها به‌طور خشونت‌آمیز به جای خود حرکت می‌کنند و به‌طور آرام در جای خود قرار می‌گیرند...". به نظر می‌رسه که آقای بیکن بازار سهام رو به‌خوبی درک کرده. سهام تمایل دارن به‌طور آرام، ملایم و بی‌تحرک در تریدینگ رنج خود حرکت کنن و بعد به‌طور خشونت‌آمیز وارد روند بشن. نقطه‌عطفی بین عرضه و تقاضا به‌دست میاد و بی‌تحرکی به فعالیت تبدیل میشه. در ملایمت یک بازار آرام و کسل‌کننده، بذرهای

تغییر کاشته میشن. نبوغ در سفته‌بازی در اینِ که بدونیم چه زمانی آرامش به پایان میرسه. زمان‌بندی همه‌چیزه.

آقای وایکوف آموزش می‌داد که در فرآیند تجمیع یا Accumulation بذرهای تغییر کاشته میشن. تجمیع یک علتِ که اثر متعاقبی تولید می‌کنه. در مقاله های قبلی فعالیت جذب یا Absorption توسط منافع بزرگ رو نشون دادیم. لحظه‌ای فرا می‌رسه که دیگه سهامی برای جذب باقی نمی‌مونه. اپراتور ترکیبی یا Composite Operator با سهام پر شده و عموم بی‌تجربه دیگه سهامی برای فروش ندارن. در همون لحظه نقطه‌عطفی وجود داره که هیچ دلیلی برای باقی‌موندن قیمت‌ها در حالت بی‌حرکتی و کسالت‌آور وجود نداره. تمامی سهام در دست‌های قوی هستن. فقط قیمت‌های بسیار بالاتر می‌تونه منافع بزرگ دارای دست‌های قوی رو وادار کنه که سهام رو به بازار عرضه کنن. در واقع، کمبودی در سهام برای خرید وجود داره. هنگامی که این کمبود سهام با افزایش کمی در تقاضا مواجه میشه، قیمت‌ها می‌تونن به‌طور خشونت‌آمیزی حرکت کنن و یک روند بزرگ راه‌اندازی میشه.

نبوغ روش وایکوف در شناسایی تجمیع یا Accumulation نهفته شده که به شکل کسالت‌آور قیمت‌های بی‌حرکت و بدون روند ظاهر میشه. بعد مثل یک راهب منتظر لحظه‌ای می‌مونه که شرایط به طور ناگهانی تغییر کنه و اقدام می‌کنه تا منافع خودش رو با اپراتور ترکیبی (C.O.) هماهنگ کنه. وایکوفی ها آموزش دیدن تا ظرافت‌های جذب رو در نوسانات بالا و پایین یک تریدینگ رنج ظاهراً بی‌ضرر، ببینن. تفاوت‌ها

بین حرکت‌های یکنواخت و مکرر یک بازار بدون روند معمولی و ردپاهای فعالیت هوشمندانه در تجمیع رو میبینن.

اسپرینگ یا Spring، low قیمت‌ها رو با نفوذ به منطقه حمایت و ایجاد یک lowest low نقطه ی جدید رو تست می‌کنه. این یک «تله نزولی یا خرسی» هستش. این امر فروشندگان رو تشویق می‌کنه تا سهام بیشتری رو بفروشن و عموم مردم رو وادار می‌کنه تا هر سهام باقی‌مونده رو بفروشن و تسلیم بشن. اپراتور ترکیبی خریدها رو در سطح پایین قبلی متوقف می‌کنه تا ببینه آیا عرضه جدیدی از سهام زمانی که قیمت‌ها به پایین‌ترین نقطه جدید می‌رسد، ظاهر میشه یا نه. برای اپراتور، اسپرینگ در واقع یک سؤاله؛ چقدر عرضه زیر سطوح پایین وجود داره؟ اگر عرضه وجود داشته باشد، قیمت سهام می‌تونه بسیار پایین‌تر بره قبل از اینکه اپراتور یک پیشنهاد قوی در بازار قرار بده. این وضعیت به عنوان یک شوک یا Shakeout شناخته میشه. شوک معمولاً با افزایش حجم معاملات همراهِ. حجم زیاد نشون‌دهنده عرضه جدیدی از سهامِ که بازار رو فرا می‌گیره. قیمت‌های پایین‌تر معمولاً به دنبال این افزایش عرضه (حجم) میان. شوک یا Spring 1# یک اسپرینگ ناکامِ.

امضای حجم یا volume signature تعیین کننده نهایی نوع اسپرینگ در حال توسعه هست و این همچنین استراتژی ورود رو تعیین می‌کنه.

در مثال زیر، CMG پایین‌تر از نقطه فروش بحرانی یا Selling Climax نفوذ می‌کنه و به نظر می‌رسه در طول روز دچار افت بشه ولی بعدش در پایان روز به بالا بسته میشه. به حجم توجه کنید؛ این حجم به طور متوسط در مقایسه با گذشته‌ی اخیرش هست. اگر فروش فعالی زیر

نقطه پایین SCLX وجود نداشته باشه، اپراتور از این عمل نتیجه‌گیری می‌کنه که عرضه تمام شده. اپراتور بلافاصله و به صورت مرحله‌ای سهام بیشتری به دارایی‌های خودش اضافه میکنه. وایکوفی ها یک اسپرینگ با حجم پایین رو بلافاصله خریداری کرده و استاپ ها رو زیر پایین‌ترین قیمت قرار میدن. این معمولاً به عنوان Spring 3# شناخته میشه.



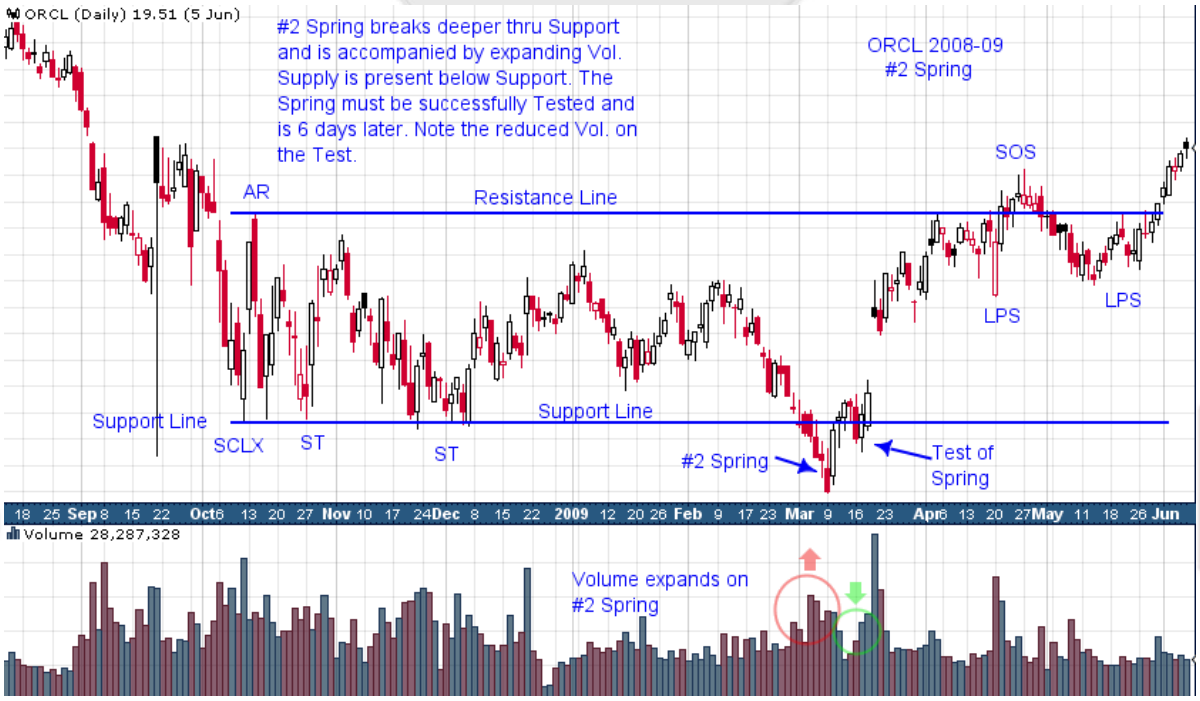
اسپرینگ زودتر از معمول در دامنه‌ی تجمیع تشکیل میشه. ما به طور قاطع اون رو به عنوان یک اسپرینگ برچسب می‌زنیم، به دلیل فعالیت قیمتی که دنبال میشه. نشونه قدرت (SOS) به طور کامل تا مقاومت پیش میره (و یک قله جدید جزئی ایجاد می‌کنه) با گسترش قیمت و حجم در حال افزایش، بنابراین تقاضای فعال رو نشون میده. به طور معمول، عمل اسپرینگ در مراحل بعدی تشکیل تجمیع توسعه پیدا میکنه.



پایین‌ترین نقطه‌ی شاخص صنعتی داو جونز در سپتامبر 1982 آغاز یک بازار صعودی تاریخیِ و همچنین یک شکل‌گیری کلاسیک رو به نمایش میزاره. تست ثانویه ۱ (ST1) پتانسیل تبدیل شدن به یک اسپرینگ رو داره، چون قیمت با عرضه‌ی زیاد در نزدیکی خط حمایتی مواجه میشه. روند صعودی که دنبال می‌شه، به خط مقاومتی نمی‌رسه و بنابراین نشونه قدرت (SOS) رو ایجاد نمی‌کنه و به سمت پایین‌ها برمی‌گرده. حجم بالا در پایین معمولاً شامل یک بار دیگه آزمونِ، چون به اپراتور نشون میده که عرضه هنوز وجود داره. تست ثانویه ۲ (ST2) تلاش دیگه ای برای جمع‌آوری سهام در خط حمایتیِ و می‌تونه یک اسپرینگ باشه. حجم در عمل اسپرینگ زیر حمایت و نوسان جدید پایین دوباره زیادِ. روند صعودی حتی کمتر از روند صعودی قبلی بوده و نزدیک به پایین دامنه‌ی تجمیع باقی می‌مونه. سپس به سمت low های قبلی برمی‌گرده. دو نکته مهم در اینجا متفاوتِ. دو کندل نزولی هفتگی با

حجم پایین و اسپرینگ با حجم پایینِ(با دایره سبز هایلایت شده). این در مقایسه با دو تست ثانویه قبلیِ. روند صعودی که دنبال میشه، پویاست. در عرض سه هفته، DJIA از دامنه‌ی تجمیع بیرون می‌پره و یک بازار صعودی جدید آغاز میشه.

اسپرینگ‌های با حجم بالا نیاز به تست در روزها یا هفته‌های بعدی دارن. این به دلیل وجود عرضه‌ی کافی در زیر خط حمایتیِ. اگر حرکتی با حجم پایین به سمت خط حمایتی (تست) باشه، این نشون‌دهنده‌ی اینِ که عرضه‌ی قبلی جذب شده. اسپرینگ‌های با حجم پایین نیاز به تست ندارن، چون این نشون میده که عرضه دیگه وجود نداره. ما در مقاله های بعدی به تاکتیک‌های معاملاتی مناسب برای این شرایط و سایر شرایط ورودی میپردازیم.





پس سه نوع اسپرینگ وجود دارد:

1.اسپرینگ شماره 3: نفوذ کم عمق به زیر low قبلی با حجم متوسطِ و می‌تونه بلافاصله خریداری بشه.

2.اسپرینگ شماره 2: به زیر low قبلی با حجم گسترش یافته میره و سپس به‌طور موقت بالا میاد و بعد به سمت low ها برمیگرده (این به‌عنوان تست شناخته میشه). تست با حجم کاهش یافته انجام می‌شه و می‌تونه با قرار دادن استاپ در زیر low اسپرینگ خریداری بشه.

3.اسپرینگ شماره 1: در واقع یک شوک هست که به‌طور کامل به شکست یا بریکداون می‌خوره و نباید خریداری بشه.

در مقاله ی بعدی، به بحث درباره تست نهایی میپردازیم و بیشتر درباره مفهوم آخرین نقطه حمایت (LPS) صحبت میکنیم.

BAATRADER

تکلیف: مطالعه دوره 2008-09 برای سهام SIAL ، FAST، PCAR، SLBو .BRKB نوع اسپرینگ رو شناسایی کنید. امتیاز اضافی برای تلاش در مورد علامت‌گذاری کل مرحله انباشت داده میشه.

مقاله شماره 7

پریدن از روی نهر



قیمت‌ها وقتی یک روند آغاز میشه، به شکل متفاوتی عمل می‌کنن. هر کندل قیمتی داستانی رو در هنگام حرکت جانبی یک محدوده تجمیع بیان می‌کنه و هر کندل داستان متفاوتی رو وقتی روند آغاز میشه، میگه. یک روند بزرگ و طولانی در داخل inconspicuousness یک محدوده تجمیع به وجود میاد. وایکوفی تیزبین می‌تونه این تغییر در رفتار رو وقتی روند آغاز میشه، تشخیص بده.

در یک محدوده تجمیع، نیروهای عرضه قیمت سهام رو تحت فشار نگه می‌دارن. عرضه یک پدیده خطی نیست. فروش همیشه در یک قیمت ثابت، مثلاً ۵۰ دلار، اتفاق نمیوفته. اپراتورهای بزرگ بازار درک می‌کنن که عرضه‌های بزرگ سهام ظاهر میشن و پیشرفت قیمت سهام رو متوقف می‌کنن و باعث بازگشت به سطح حمایت میشن. هر تلاش برای افزایش قیمت می‌تونه با عرضه در سطوح قیمتی مختلف در داخل منطقه انباشت مواجه بشه.

رابرت ایوانز در اوایل دهه ۱۹۵۰ رهبری مؤسسه وایکوف (که به مؤسسه بازار سهام تبدیل شد) رو بر عهده گرفت. اون یک استاد وایکوفی بود و معلم بزرگی هم به شمار می‌رفت. اون از تشبیهات به یاد ماندنی و داستان‌سرایی برای انتقال مفاهیم مهم استفاده می‌کرد. داستان نهر ماهیت عرضه فراگیر در تریدینگ رنج رو بیان می‌کنه. اون داستان دیده بانی رو تعریف می‌کنه که در جنگل در امتداد نهر پیاده‌روی می‌کنه. برای ادامه به مقصدش، دیده بان باید مکانی رو پیدا کنه تا به طرف دیگه ی نهر بره. اما نهر (عرضه سهام) خیلی پهن و جریان آن خیلی سریع هست که نمیشه به اون طرف پرید.

بنابراین، اون در امتداد نهر سرگردان میشد و گاهی از ساحل‌ها دور میشد و بعدش برمی‌گشت تا مکانی برای عبور پیدا کنه. سرانجام، نهر به اندازه‌ای باریک میشه که دیده بان تصمیم می‌گیره اگر با یک شروع خوب بدود، می‌تونه از روش بپره. در این مکان باریک، او از ساحل نهر دور میشه، با قدرت زیاد شروع به دویدن می‌کنه و به طرف دیگه می‌پره. شتاب دویدن اون رو از ساحل مقابل دور می‌کنه. سپس تصمیم می‌گیره که استراحت بکنه، برمی‌گرده به نهر، کفش‌هاش رو در میاره و پاهاش رو داخل آب میزاره. بعد از استراحت، خودش رو از نهر دور میکنه و ادامه میده. نهر دیگه به عنوان یک مانع (مقاومت) در مسیر سفر به مقصدش (قیمت‌های بالاتر) محسوب نمیشه.

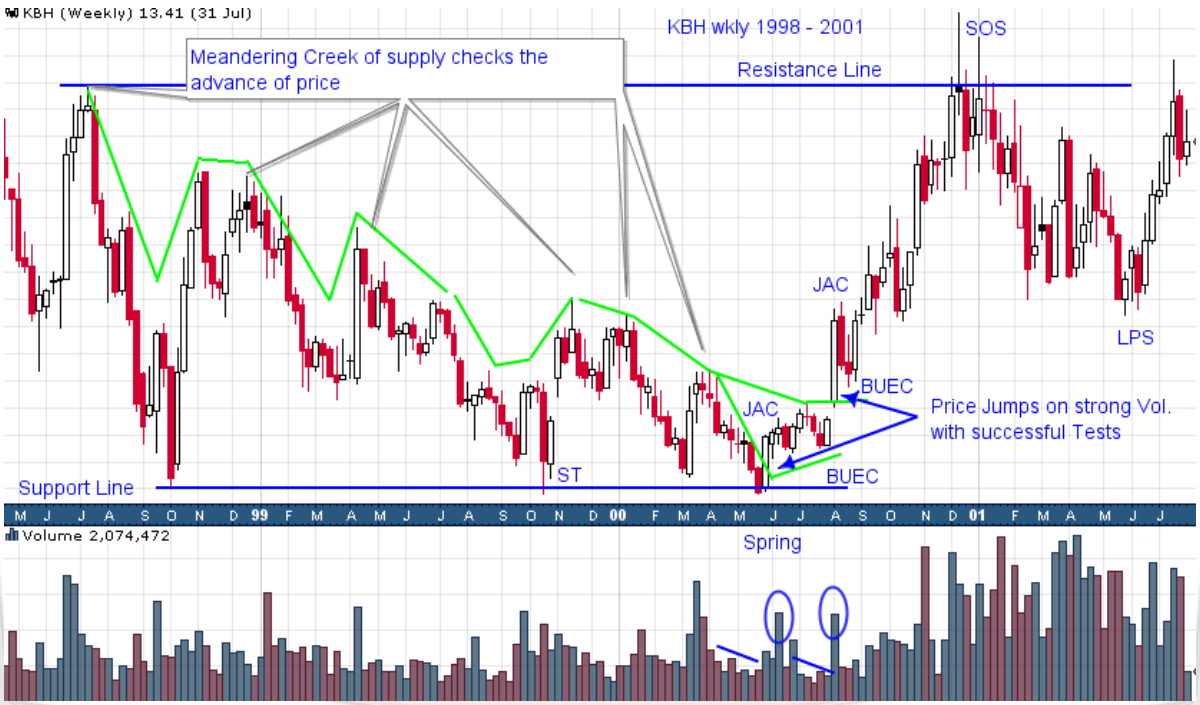
البته داستان نهر درباره عرضه بیش از حد سهام برای فروشِ که مانع از شروع روند صعودی قیمت‌ها میشه. یک رویداد دراماتیک نیازِ تا قیمت‌ها رو به طرف دیگه ی نهر بکشونه. نهر در میان جنگل پیچ و

تاب می‌خوره، در اینجا و اونجا می‌پیچه و گاهی عریض و گاهی باریک میشه. عرضه سهام به همین شکل عمل می‌کنه. یک خط موج‌دار میتونه روی قله‌های قیمتی کشید که قیمت‌ها رو با فشار فروش به پایین می‌کشه. این خط شبیه نهر به نظر میرسه. در نقطه‌ای سهام برمی‌گرده (یک چشمه یا نقطه آخر حمایت)، نیرویی جمع می‌کنه و بعد با جذب عرضه باقی‌مونده به طرف دیگه می‌پره.

این جهش یا پرش (همون‌طور که آقای ایوانز اون رو نامگذاری کرده) دارای ویژگی‌های خاصی مانند گسترده‌تر شدن کندل های قیمت و افزایش حجم معاملاتِ (انرژی مورد نیاز برای غلبه بر عرضه باقی‌مونده).

برای یک تحلیلگر وایکوفی، این ویژگی‌های قیمت و حجم متفاوت از اون چیزی که قبلاً بوده، نشون‌دهنده ظهور یک روند هستش. اپراتور ترکیبی در حال آغاز یک کمپین بلندمدت در این سهامِ و تحلیلگر وایکوفی میتونه این تغییر رفتار قیمت و حجم رو ببینه. الان زمان عملِ.

اغلب، یک نهر به دو بخش تقسیم میشه: یک نهر پایینی و یک نهر بالایی. محدوده‌های تجمیع اغلب دارای دو منطقه عرضه (دو نهر) هستن که باید رد بشن. خط مقاومت معمولاً ناحیه قیمتیِ که در اون یک موج دیگه از فروش پدیدار شده و جلوی پیشرفت قیمت رو می‌گیره. هنگامی که این منطقه مقاومت روش غلبه بشه، سهام از کل منطقه تجمع عبور کرده و به یک روند صعودی وارد میشه.

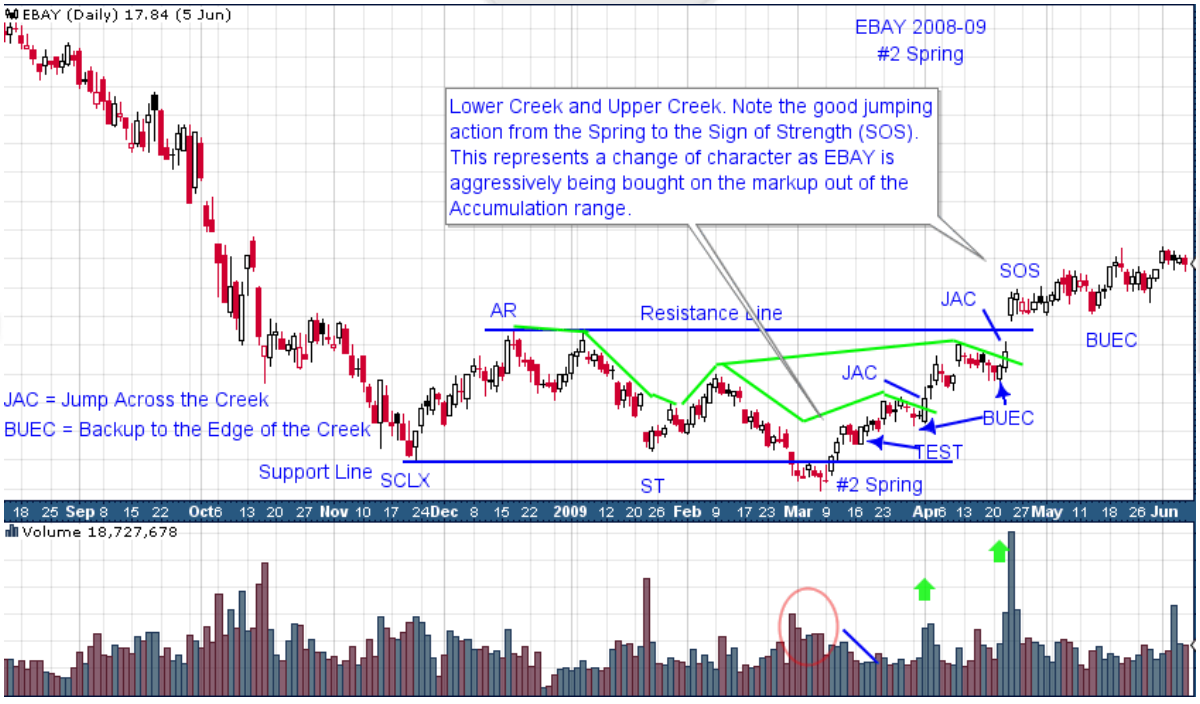


عرضه مثل یک نهر پر پیچ و خمِ که جریان داره و در طول تجمیع بر قیمت‌ها فشار وارد می‌کنه. فروشندگان سهام حاضرن عرضه رو با قیمت‌های پایین‌تر قرار بدن. این می‌تونه نمودار رو نزولی نشون بده. به طور متناقض، هنگامی که اپراتور در حال جمع‌آوری سهامِ، اکثریت عمومی نسبت به سهام بدبین‌تر میشن. پرش یا **Jump Across the Creek (JAC)** و بازگشت **Backup to the Edge of the Creed** رویدادهایی هستن که روی نمودار صدای هشدار رو به صدا در میارن. اونا نشون‌دهنده آماده بودن سهام برای شروع حرکت به سمت بالا از طریق خط مقاومت و ادامه راه هستن.

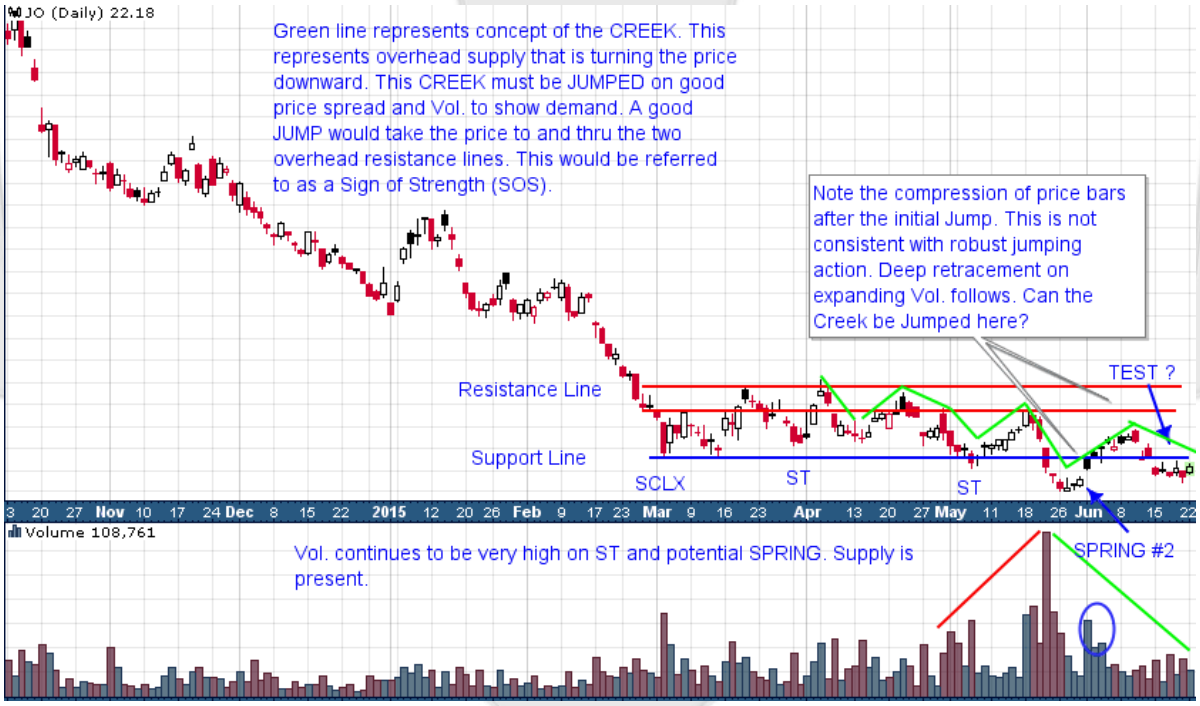
BAA TRADER



پس از یک JAC (پرش از نهر)، BUEC (بازگشت به لبه نهر) صورت میگیره. یک اصلاح کم عمق در طول BUEC نشونه ی خوبیِ و نشون‌دهنده تغییر ماهیت قیمت‌ها به هنگام افزایش اونا به سمت بالاست. یک JAC معادل با SOS (نشونه قوت) و BUEC معادل با LPS (آخرین نقطه حمایت)هست. اونا میتونن به طور متقابل استفاده بشن.



افزایش قیمت از Spring 2# به عنوان JAC (پرش از نهر) نام‌گذاری نمیشه، چون حجم در حال گسترش نیست. JAC وقتی اتفاق میوفته که در اون یک افزایش قابل توجه در حجم، قیمت رو به سرعت بالا ببره. در مرحله بعد، نهر بالایی بر روی یک افزایش حجم عبور می‌کنه. این یک نشونه قدرت (SOS) هست.



با تشکر از آقای جاش برای ارسال تحلیل قراردادهای آتی قهوه. ما از iPath Coffee Subindex ETN (نماد JO) به عنوان نماینده استفاده می‌کنیم، بنابراین امضای حجم و قیمت ممکنِ تا حدودی با قراردادهای آتی متفاوت باشه. این یک مثال خوب برای موضوع فعلی JAC هاست. نهر (Creek) از عرضه‌ی اضافی قهوه رو در اینجا می‌پوشونه. JO یک اسپرینگ داشت و حجم به سرعت افزایش یافت. اما تقریباً بلافاصله، نوارهای قیمتی فشرده شدن و حجم به طور کلی خشک شد در حالی که قیمت بهبود پیدا میکرد. الان، قیمت دوباره به زیر حمایت برگشته

و بیش از نیمی از راه رو به سمت اسپرینگ اصلاح کرده، با حجم عمومی بالا. هنوز تأثیر عرضه بر حرکت قیمت وجود داره. تکلیف شما اینِ که بنویسید برای برچسب‌گذاری حرکت قیمت و حجم بعدی به عنوان JAC و BUEC به چه چیزی نیاز دارید. این یک تمرین در زمان واقعی و صرفاً برای مقاصد آموزشی هست و توصیه‌ای برای خرید یا فروش نیست.

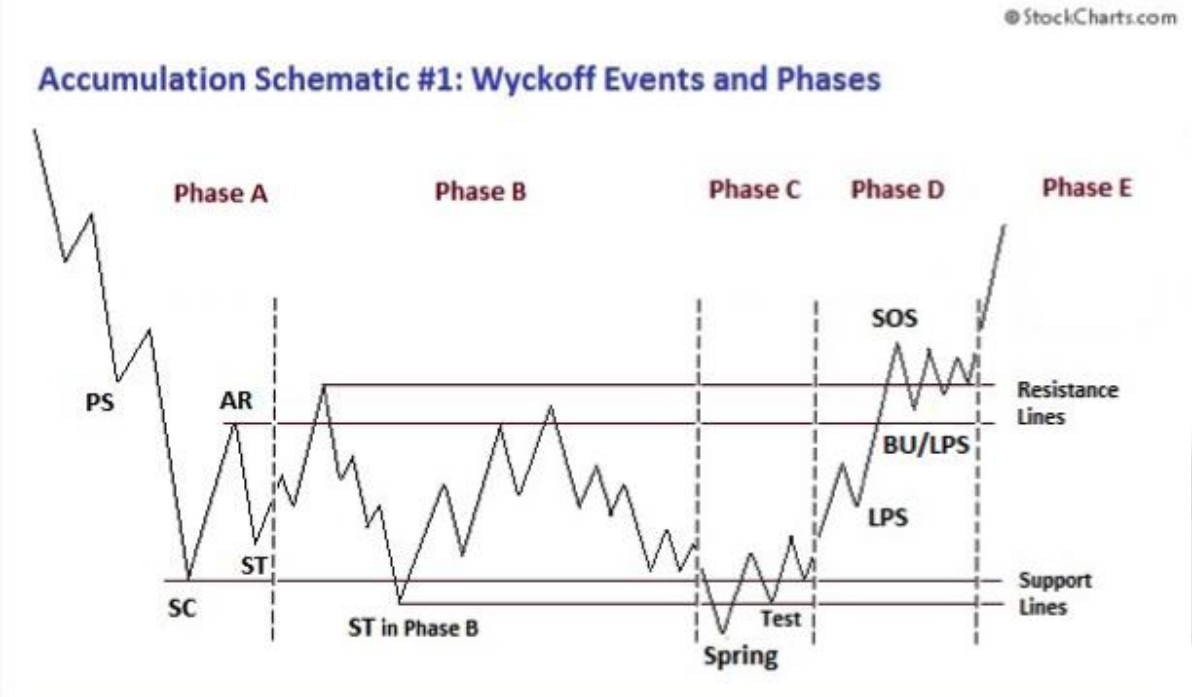
مقاله شماره 8

نمودار قدرتمند وایکوف، بیاید مرور کنیم.



مقاله های قبلی به فرایند تجمیع اختصاص داشتن. اون چیزی که ما رو از بقیه ی ابزارهای شناسایی الگوهای نموداری متمایز می‌کنه، تمرکز ما بر ردیابی ردپای اپراتور ترکیبی هستش. یک روند بلندمدت نیاز به تجمیع هوشمندانه و بسیار بزرگ از سهام داره که باید قبل از شروع اون به‌طور آروم و هدفمند انجام بشه. بنابراین، تجمیع یک فرایند منطقی، تدریجی و قابل شناساییِ. نمودار با حجم، ابزار انتخابی برای ردیابی فعالیت‌های اپراتور ترکیبی هستن. تجمیع فاز آماده‌سازی برای افزایش قیمتِ و توزیع پیش‌شرط کاهش قیمتِ. تجمیع، افزایش قیمت، توزیع و کاهش قیمت یک چرخه مداوم در بازارهای مالی هست. در هر چرخه، داستان‌ها و نام‌ها تغییر می‌کنن در حالی که اصول سفته‌بازی بدون تغییر باقی می‌مونن. فعالیت‌های اپراتور ترکیبی رو دنبال کنید تا

تعیین کنید کجا و چه زمانی پس زمینه های موفقیت‌آمیز پیداشون میشه.



مدل اول تجمیع، مدل‌های شماتیک وایکوف ویژگی‌های کلیدی محدوده تجمیع رو مدل سازی می‌کنن. همیشه تفاوت‌هایی بین محدوده ایدئال و محدوده واقعی معاملات وجود داره. شناسایی این شرایط اساسی از ویژگی‌های تسلط بر روش وایکوف هست. وایکوفی ها به‌طور بی‌پایان شماتیک‌های نظری رو با مطالعات واقعی مقایسه و بررسی می‌کنن تا خودشون رو برای شرایط و تاکتیک‌های واقعی توسعه بدن. ما میتونیم از رابرت جی. اوانز برای تطبیق این نشونه‌گذاری‌ها و اصول نموداری با آموزش‌های اصلی ریچارد وایکوف و در نتیجه بهبود قابل توجه روش‌شناسی یا متدولوژی تشکر کنیم. منبع: هنک پرودن، سه مهارت تجارت برتر، Wiley Publ. 2007 با تطابق‌ها و تغییرات. گرافیک توسط رومن بوگمازوف.

فاز A مقاله شماره 3 : توقف عملکرد یک روند نزولی : عرضه بازار رو فرا گرفته و منجر به یک روند نزولی بزرگ شده. به سمت آخر روند نزولی، فروش به حالت وحشتناکی تبدیل میشه با گستردگی قیمت و حجم زیاد. حمایت اولیه (PS) نشونه‌ای ابتدایی از تقاضای نوظهورِ اوج فروش (SCLX) به دنبال گستردگی شدید قیمت‌ها و افزایش زیاد تشکیل میشه. شدت فروش پایدار نیست و به دنبال اون یک تلاش بزرگ و کوتاه مدت برای صعود رو داریم. رالی خودکار (AR) نشون میده که SCLX کامل شده. فاز A با تست SCLX کامل میشه و به عنوان STبرچسب زده میشه.

فاز B مقاله شماره 4 : فاز تجمیع؛ جذب سهام مانند یک اسفنج : ویژگی این فاز یک تریدینگ رنج با نوسانات شدید در ابتداست که با جلو رفتنش کاهش پیدا میکنه. نوسان باعث میشه که دارندگان ضعیف سهام رو که مرحله قبلی نزولی رو تحمل کردن ولی نهایتاً تسلیم شدن، سهام خودشون رو بفروشن. موضوع اصلی فاز B جذبِ. وایکوفی‌ها سعی میکنن تعیین کنن که آیا جذب کیفی در این فاز اتفاق میوفته یا نه. تا زمانی که عرضه وجود داشته باشه، فاز B ادامه داره. از خطوط حمایت و مقاومت برای تعریف حدود خارجی تریدینگ رنج فاز B استفاده کنید. مقایسه مدت و میزان صعودها و واکنش‌ها در فاز B اغلب سرنخ‌های اولیه‌ای به میزان جذب صعودی ارائه میده.

فاز C مقاله شماره 6 : فرانسیس بیکن ماهیت روندها رو آشکار می‌کنه : جذب تقریباً کامل شده. اپراتورهای هوشمند و بزرگ یا Composite Operator سهام رو تست می‌کنن تا تعیین کنن که آیا آماده‌ی شروع

فاز افزایش قیمت هست یا نه. تست برای تعیین اینِ که آیا عرضه تمام شده و این با برداشتن پیشنهادات در حمایت و اجازه دادن به سهام برای شکستن کف‌ها انجام میشه. یک شکست در اینجا یک تله نزولیِ که آخرین فروشندگان خرد و فروشندگان کوتاه‌مدت رو در یک حرکت نزولی نادرست گرفتار میکنه. این عمل، که به آن اسپرینگ گفته میشه، در سه نوع تشکیل میشه. گاهی اوقات، پایین‌ترین نقطه قبل از شروع افزایش قیمت، یک higher low هستش. تحلیل وایکوف این رو یک نقطه آخر حمایت (LPS) نام‌گذاری میکنه و به اندازه اسپرینگ مهمِ (اگرچه ممکنِ بیشتر گریزان باشه). تست کردن محدوده پایین تجمیع، به عنوان آخرین عمل قبل از شروع مهم روند صعودی بزرگ، هدف بلندپروازانه‌ی فاز C هست.

فاز D مقاله شماره 7 : پریدن از روی نهر : تست های موفقیت‌آمیز محدوده پایین‌تر در فاز C شرایطی رو ایجاد می‌کنه که در اون تقاضا، عرضه باقی‌مونده رو فرا بگیره. قیمت سهام با گسترش محدوده قیمت و حجم افزایشی حرکت می‌کنه. فاز D آخرین مرحله افزایش قیمت از محدوده تجمیعِ. فازهای C و D از نظر تاکتیکی مهم هستن چون شما می‌خواید خریدهای اولیه خودتون رو در یک مقیاس افزایشی در این فازها انجام بدید. اصطلاحات پریدن از روی نهر (JAC) و نشونه قدرت (SOS)به حرکت پرشی قیمت اشاره دارن. واکنش‌ها در محدوده و حجم باریک‌تر تشکیل میشن و به عنوان نقطه آخر حمایت (LPS) یا بازگشت به لبه نهر (BUEC) نام‌گذاری میشن. در فازD ، تقاضا تو کنترلِ و سایر سرمایه‌گذاران حرفه‌ای شروع به شناسایی ظهور روند در این سهام جذاب

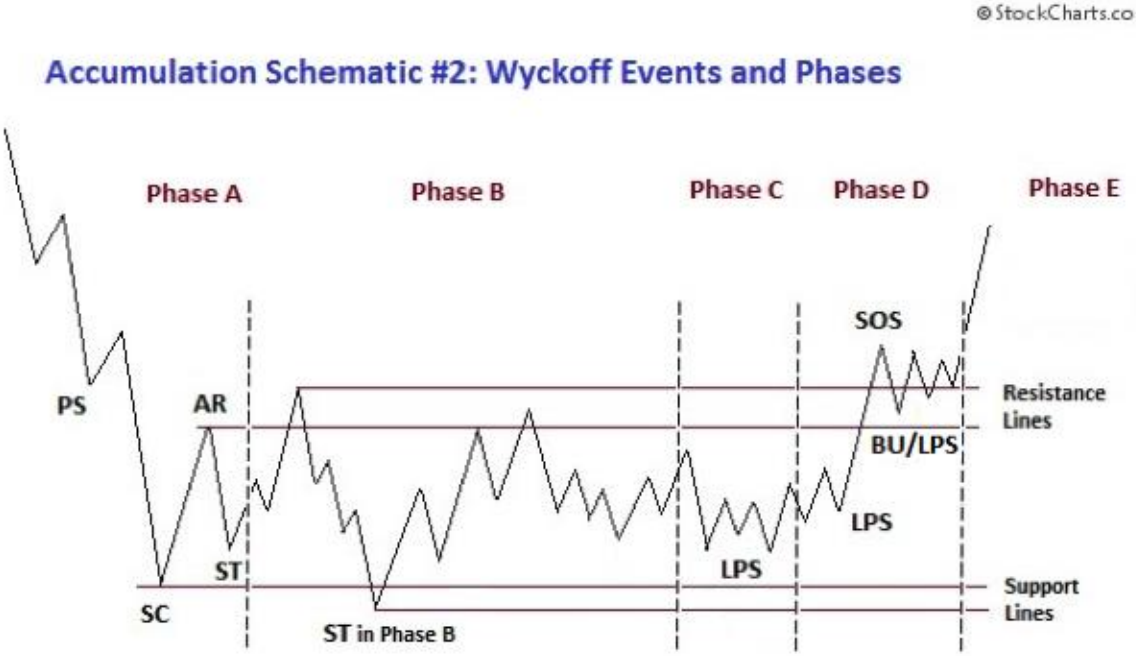
میکنن. تقاضای اونا قیمت سهام رو به سمت بالا میبره چون مشخصِ که عرضه بسیار کمی وجود داره و هر برنامه خرید جدید قیمت رو بالاتر می‌بره.

فاز E : مقاله های بعدی : سهام از تجمیع خارج شده و یک روند صعودی اولیه یا افزایش قیمت رو شروع می‌کنه. خروج از تریدینگ رنج یک تبلیغ عمده برای جامعه نهادیِ که نشون میده این سهام در حال حرکت هستش. ابزارهای مربوط به افزایش قیمت شامل کانال‌های روند، خطوط تقاضا، خطوط بیش‌خرید و تشکیل بازتجمیع هستن. مطالعه افزایش قیمت موضوعی غنی و پربار در روش وایکوفِ.

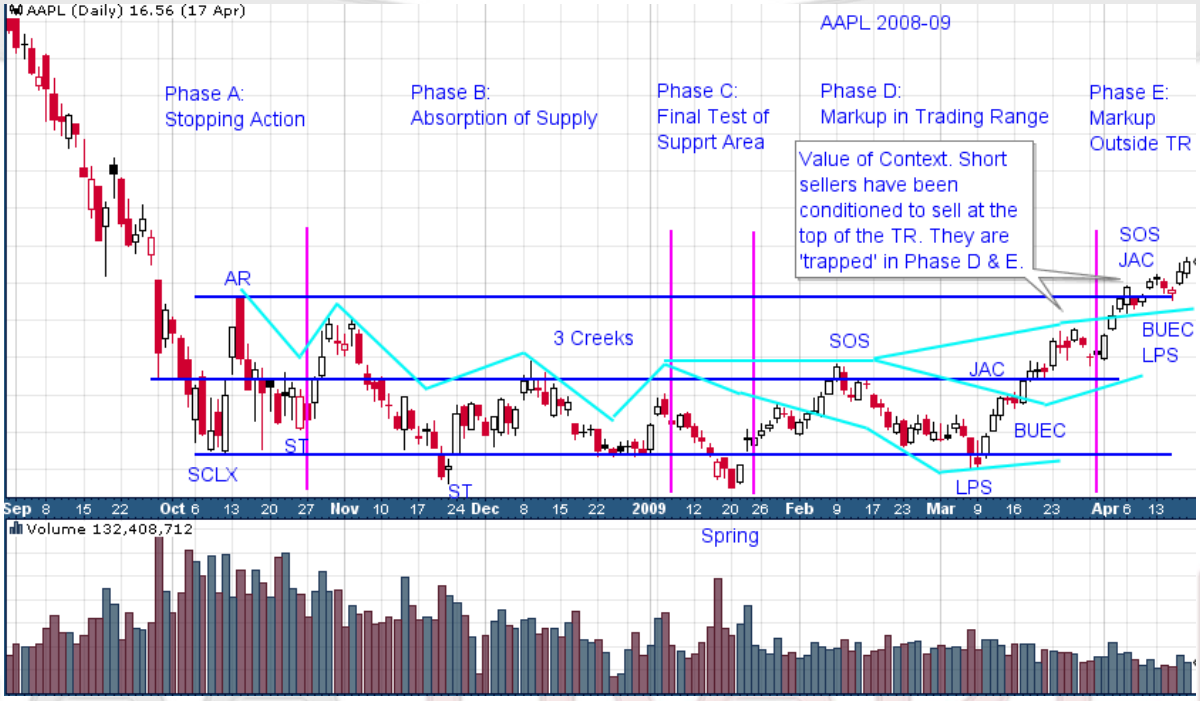
محدوده تجمیع دنباله‌ای از رویدادهاست که زمینه رو ایجاد می‌کنه. این رویدادها داستانی در زمان واقعی از سفته‌بازی رو روایت می‌کنن. تحلیل فاز به ما در روایت این داستان کمک می‌کنه و ما رو با تاکتیک‌ها و زمان‌بندی درست همراه می‌سازه. مقاله های قبلی به‌طور تقریباً پیوسته به فازهای تجمیع پرداختن. ما با این فرمت ادامه میدیم، بعضی وقت ها هم توقف میکنیم. بعدش دوباره به این موضوعات برمیگردیم و به جزئیات و نکات دقیق‌تر میپردازیم. روش وایکوف یک تمرین مهارتی هست و هرچه تمرین‌ها و مطالعات موردی بیشتری انجام دهیم، بهتر میشیم.

زمینه یا context ویژگی بسیار مهمی از روش وایکوفِ. ابزارهای شناسایی الگوهای نمودار در تحلیل تکنیکال کلاسیک هیچ ارزش زمینه‌ای واقعی ارائه نمیدن. به عنوان مثال، تریدر ها اغلب در پایان مرحله تجمیع دچار مشکل میشن چون به‌طور مداوم در ناحیه خط

مقاومت میفروشن. در مراحل D و E دوباره در همان ناحیه یک نزول کوتاه مدت داریم، بدون درک زمینه رفتار قیمت در فازهایC ، D و E به سرعت میتونن اونا رو در تله‌های بزرگ پیدا کنیم، چون یک نشونه قدرت (SOS) قیمت سهام رو به‌طور دائمی از محدوده تجمیع خارج میکنه. سپس متوجه میشن که خرید یا پوشش دادن فروش‌های کوتاه بسیار دشوارِ چون عرضه کمی وجود داره. هر پوشش با قیمت‌های بالاتری انجام میشه. این یک مثال از ارزش زمینه وایکوفِ. به عنوان مثال، فازهای D و E در تجمیع تصویر بعدی سناریوی فروش کوتاه کاذبی رو برای سفته‌بازان ایجاد میکنه بعد از کمپین‌های موفق فروش کوتاه در فازB این استراتژی در فازهای D و E به بدترین شکل ممکن تموم میشه، چون فاز افزایش قیمت آغاز شده. برای وایکوفی ها تنها نتیجه‌گیری اینِ که باید به سمت بالا خریداری کنن. این یک مثال از قدرت زمینه هست.



مدل تجمیع بعدی شرایطی رو نشون میده که قیمت با ایجاد یک کف بالاتر به جای یک اسپیرینگ (همانطور که در طرح شماره 1 نشون داده شده) به حمایت نهایی از منطقه تست می‌پردازه. این به عنوان نقطه آخر حمایت (LPS) شناخته میشه چون این نقطه قیمتیِ که در اون حمایت، کاهش قیمت رو متوقف میکنه در حالی که در تریدینگ رنج باقی میمونه. این کف بالاتر، توقف نهایی قبل از شروع یک رالی خارج از تریدینگ رنج و به سمت یک افزایش قیمتِ. منبع: هنک پرودن، سه مهارت معامله‌گری برتر، انتشار ویلی 2007 با تعدیلات و اصلاحات. نمودار توسط رومن بوگومازوف.



مقایسه AAPL با مدل انباشتِ اولی. به شباهت‌ها و تفاوت‌های بین این دو توجه کنید. قضاوت یک ویژگی ضروری در روش وایکوفِ. در هر مرحله اصولی وجود داره که در حال کار هستن و وظیفه ما اینِ که

با ویژگی‌های اونا به‌خوبی آشنا بشیم و بدین ترتیب تصمیمات تاکتیکی مناسبی اتخاذ کنیم.

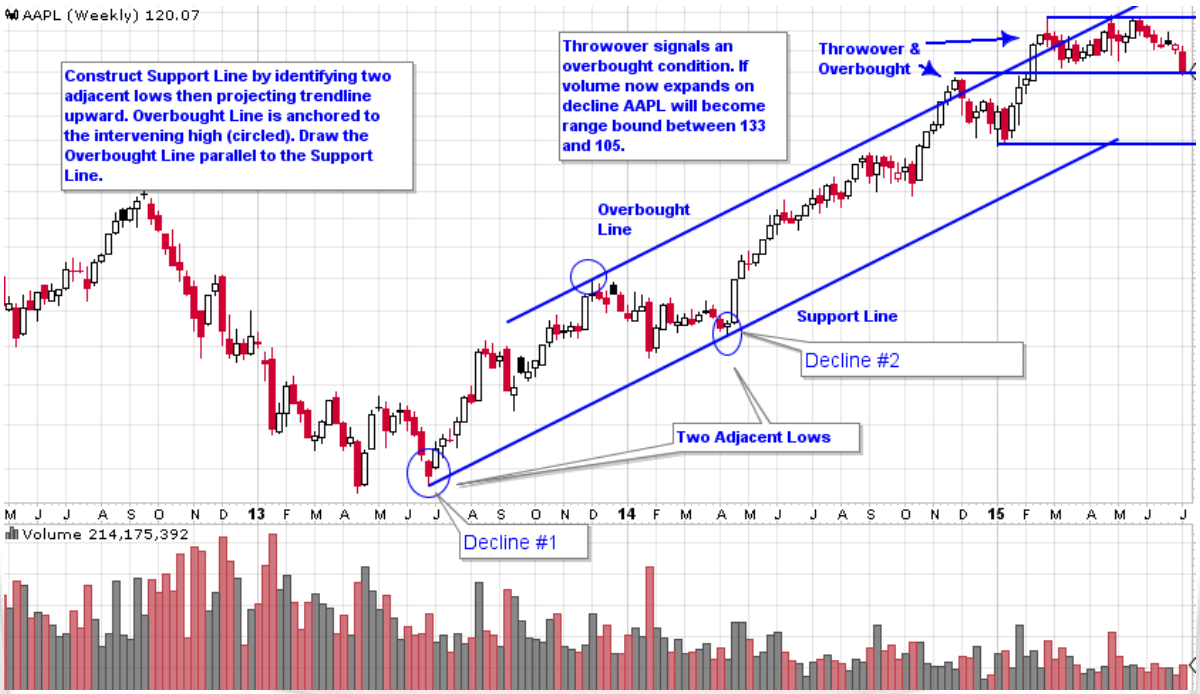
مقاله شماره 9

با روند دوست شوید



روش وایکوف در درجه اول یک سیستم پیروی از روندِ. هدف اصلی این روش، کشف و سرمایه‌گذاری در بهترین سهام‌های پیشرو برای بزرگ‌ترین و بهترین حرکت‌های قیمتیِ. جهش قیمت سهام از مرحله تجمیع و ورود به یک روند صعودی یک رویداد مهم محسوب میشه. آقای وایکوف یک رویکرد بسیار دقیق و سنجیده برای شناسایی و مدیریت روندهای صعودی و نزولی با استفاده از ابزارهای نموداری توسعه داده.

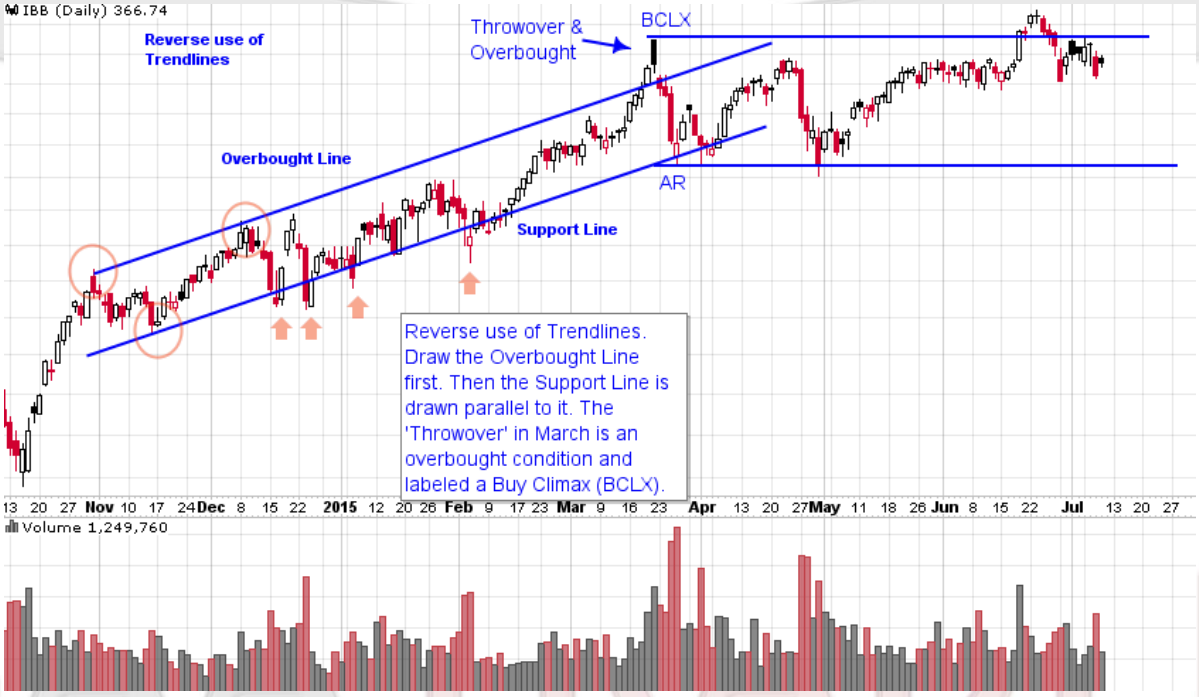
ما اخیراً مرحله تجمیع رو مطالعه کردیم. در این مقاله، برخی از تکنیک‌ها برای ارزیابی روندهای صعودی رو مرور میکنیم. روندهای صعودی و نزولی جایی هستن که بازده سرمایه‌گذاری به طور واقعی افزایش پیدا میکنه. همون‌طور که تجمیع در تحلیل وایکوف اهمیت داره، تحلیل روند ممکنِ مهارت مهم‌تری باشه. در یک روند صعودی، مکان‌های بسیاری برای ورود به جریان و کسب موفقیت و سود قابل توجه وجود داره.



گام یا Stride یک روند صعودی اغلب در اوایل مرحله رشد (فاز E) ایجاد میشه. سهام نرخ پیشرفت خودش رو نشون میده که این اطلاعات بسیار ارزشمندیِ. بعد روند تمایل داره که به این گام یا نرخ پیشرفت برای مدت زمان روند صعودی پایبند باشه. پایین‌ترین نقاط، که با دایره آبی مشخص شدن (به نمودار بالا نگاه کنید) در پایین ژوئن ۲۰۱۳ و پایین آوریل ۲۰۱۴، گام پیشرفت آینده AAPL رو تعیین می‌کنن. این خط روند رو رسم کنید که خط حمایت نامیده میشه. نقطه اوج مداخله‌گر در دسامبر ۲۰۱۳ تنها نقطه قیمتیِ که برای رسم خط موازی بیش از حد خریداری شده یا Overbought Line نیاز دارید. توجه کنید که قیمت با نرخی که با خطوط روند رسم شده سازگارِ، افزایش پیدا میکنه. این نرخ پیشرفت به عنوان گام یا Stride شناخته میشه. یک سال بعد، AAPL از خط بیش از حد خریداری شده عبور میکنه و در وضعیت "بیش از حد خریداری شده" قرار می‌گیره. یک اصلاح هشت هفته‌ای از هفته بعد آغاز میشه. دومین وضعیت بیش از حد خریداری شده در فوریه ۲۰۱۵

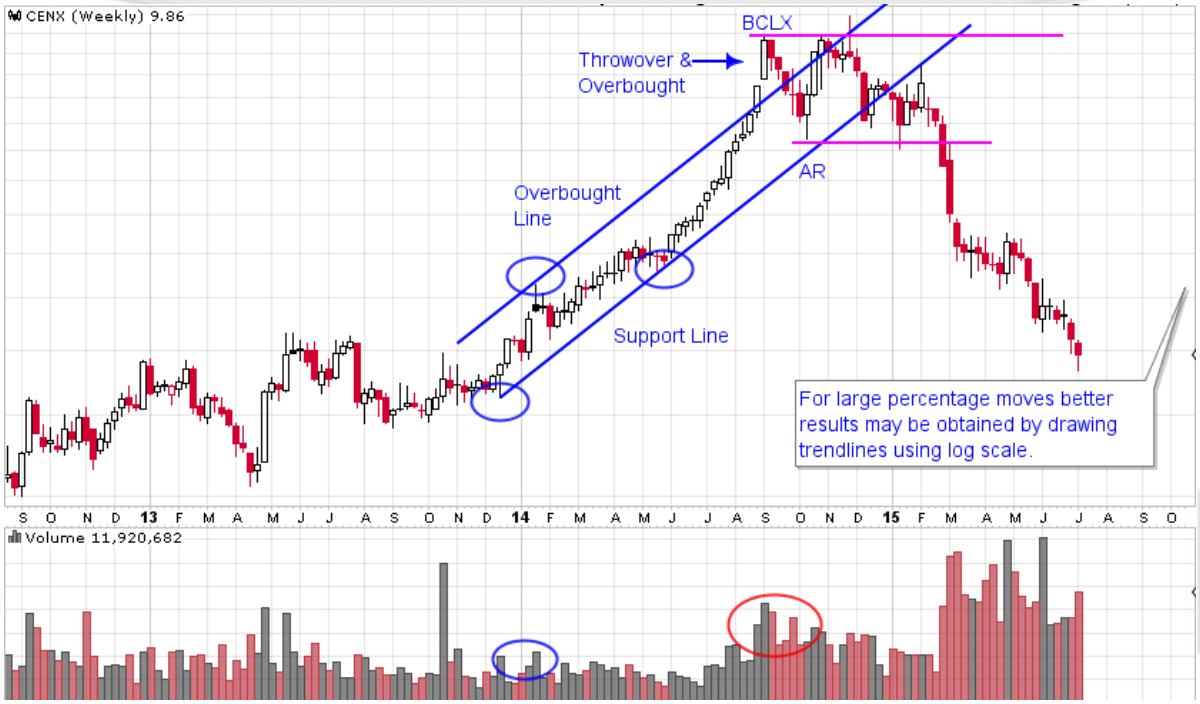
تشکیل شده و یک اقدام توقفِ که تا کنون پیشرفت AAPL رو برای ۴ ماه متوقف کرده.

روش کلی برای رسم یک کانال روند اینِ که دو اصلاح مجاور با مدت زمان تقریباً برابر (مدت زمان اصلاح) و میزان (مقدار کاهش) رو شناسایی کنید. کاهش شماره ۱ حدود ۹ واحد و ۷ هفته هست. کاهش دوم حدود ۸ واحد و ۱۹ هفته طول می‌کشه. به عنوان یک تمرین، سعی کنید خط حمایت رو با استفاده از کف فوریه ۲۰۱۴ که ۸ هفته طول کشید، رسم کنید، متوجه میشید که خط حمایت هم ارزشمندِ. اگر یک کانال روند بالقوه دیدید، اون رو رسم کنید!



استفاده معکوس از خطوط روند یک تکنیک مفید، اما کمتر شناخته شده برای رسم خطوط روند هستش. مواقعی وجود داره که روش کلاسیک وایکوف برای رسم خطوط روند امکان‌پذیر نیست. در چنین مواقعی سعی کنید از این روش استفاده کنید. دو قله قیمت مجاور

(دایره‌های قرمز) رو پیدا کنید و یک خط روند بکشید (نمودار بالا رو ببینید). بعد نقطه کف قیمتی رو پیدا کرده و خط روند موازی رو رسم کنید. توجه کنید که چگونه IBB چهار شرایط اشباع فروش (پیکان‌های قرمز) رو داره که برای شروع یا افزودن به یک پوزیشن طولانی مفید هستن. در پایان پیشرفت، یک شرایط اشباع خرید و عبور از بالا (BCLX) در نمودار به چشم می‌خوره، به طوری که خط بالایی کانال روند شکسته میشه. اصلاح بعدی (با برچسب AR) با حجم افزایش یافته و محدوده خارجی تریدینگ رنج رو تعیین می‌کنه. زمان نشون میده که آیا این تبدیل به توزیع میشه یا یک بازتجمیع برای یک پیشرفت دیگه هست (موضوع مقاله آینده).

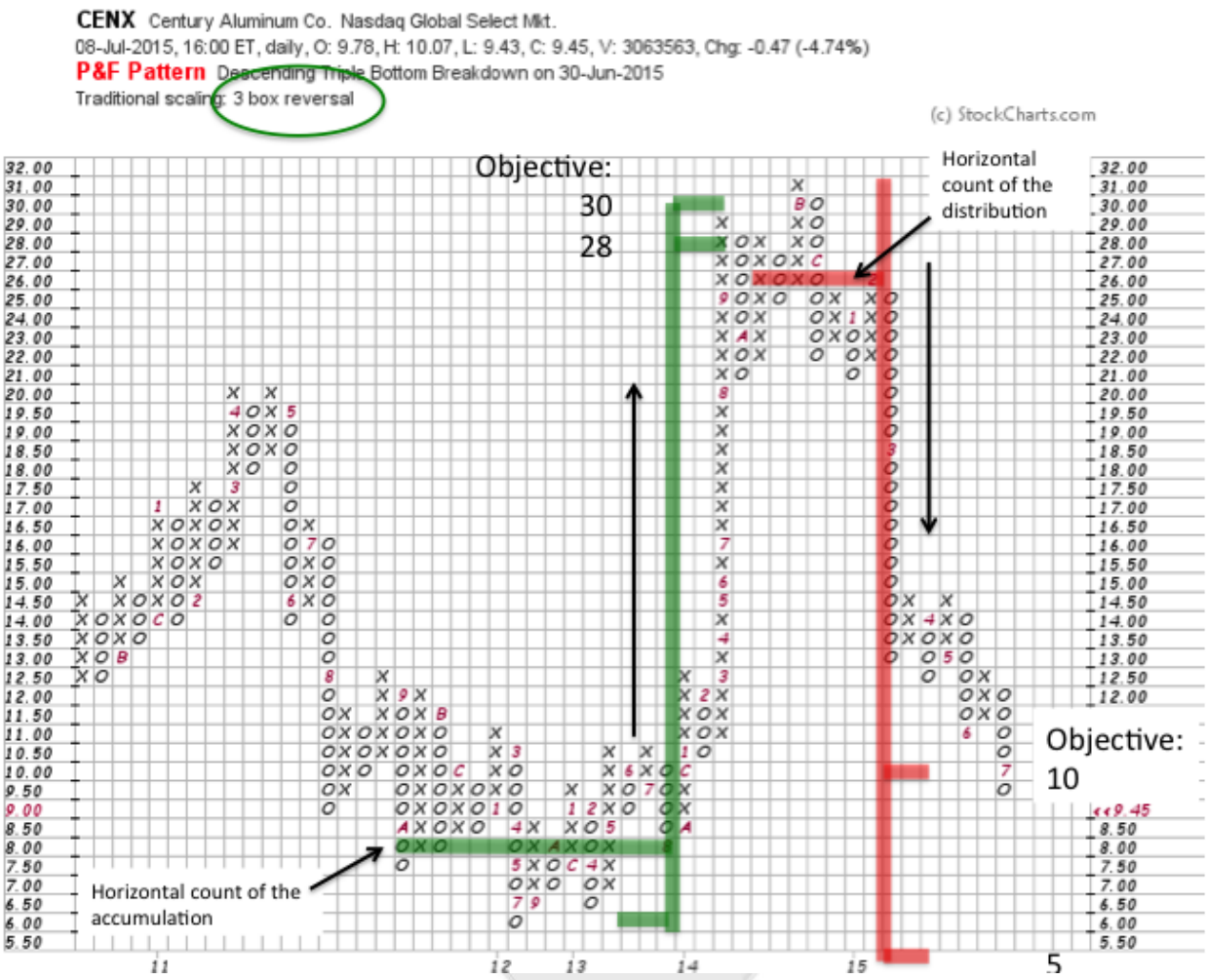


من همیشه به اون چیزی که قبل از پایان یک حرکت اتفاق افتاده و به پیشرفت یا کاهش کمک کرده، علاقه‌مند هستم. CENX یک رشد دینامیک به سمت بالای الگوی سر و شانه داشت. یک کانال روند

کلاسیک با یک وضعیت اشباع خرید تشکیل شد که به پایان رشد و شروع شکل‌گیری سقف منجر شد. در این مثال، CENX روی مقیاس لگاریتمی رسم شده. سعی کنید کانال روند رو رسم کنید. هنگام رسم خطوط روند سعی کنید بین دو مقیاس قیمت جابجا بشید تا ببینید کدومشون بهتر عمل می‌کنه. روندهای طولانی مدت معمولاً در مقیاس لگاریتمی بهتر ارزیابی میشن، اما هر دو رو بررسی کنید.

روندها ممکنِ بیش از حد به اوج برسن، اما این به معنای پایان روند صعودی نیست. اغلب یک تریدینگ رنج گسترده تشکیل میشه و سپس با یک روند صعودی جدید حل میشه. تریدینگ رنجی که به یک مرحله صعودی جدید منجر میشه به عنوان بازتجمیع شناخته میشه. در مورد CENX، یک سقف تشکیل میشه، روند به پایان می‌رسه و یک روند نزولی آغاز میشه. یک تحلیل‌گر وایکوف مهارت‌های لازم رو برای تمایز بین تشکیل توزیع و بازتجمیع به دست میاره. ما هر دو شرایط رو بررسی کرده و تفاوت‌های بین اونا رو مقایسه و تحلیل میکنیم.

BAATRADER



همچنین به خطر پیشی گرفتن از خودم (پیشاپیش عذرخواهی می‌کنم)، در اینجا یک نمودار نقطه و رقم (PnF) از CENX وجود داره. آقای وایکوف از نمودارهای PnF برای تخمین اهداف قیمتی بالقوه با استفاده از روش شمارش افقی استفاده می‌کرد. توضیح این تکنیک در محدوده این مقاله نیست (بیشتر در آینده توضیح داده میشه). CENX یک مطالعه موردی فوق‌العاده برای ترکیب تحلیل خط روند و اهداف قیمتی PnF هست. هدف از PnF تعیین پتانسیل قیمتی یک کمپین و سپس پیگیری پیشرفت روندِ. در اینجا، CENX یک شمارش پایه داره که اون رو از خط شمارش در 8$ به هدف قیمتی بالقوه 28$ تا 30$ می‌رسونه. در قیمت هدف، خستگی با اوج خرید و گذر از کانال روند

BAATRADER

(نمودار کندلی رو ببینید) تشکیل میشه. بعد از اون، یک سقف تشکیل میشه و یک شمارش نزولی PnF با پتانسیل کاهش به هدفی بین 5$ و 10$ ایجاد میشه. CENX زیر 10$ قرار داره و به هدف قیمتی بالایی رسیده. نقطه و رقم یک تکنیک بسیار قدرتمند و نه چندان شناخته شده. در این مثال، به خوبی تحلیل خط روند رو تکمیل می‌کنه.

مقاله شماره 10 :

زمزه گر چارت شدن



تحلیل روند با استفاده از خطوط روند (روش وایکوف) یکی از با ارزش‌ترین مهارت‌های یک وایکوفی هستش. ایده اصلی اینِ که یک سهام با یک «گام» یا نرخ پیشرفت معین افزایش پیدا میکنه. معمولاً (هرچند نه همیشه) گام می‌تونه به‌طور زودهنگام در پیشرفت شناسایی بشه و این می‌تونه به تاکتیک‌های ورود کمک کنه. در این مقاله، ما خطوط روند رو ترسیم میکنیم که می‌تونه یک فعالیت بسیار سودآور باشه. لطفاً مقاله قبلی رو مرور کنید. ماموریت ما در این هفته اینِ که نگاهی اضافی به روش‌های مختلف شکل گیری روندها بندازیم.



خط غالب در روند صعودی خط حمایتیِ. قیمت سهام بالای خط حمایتی نوسان میکنه. زمانی که قیمت به خط حمایتی برمی‌گرده، تقاضا به وجود میاد و روند صعودی از سر گرفته میشه. برای ترسیم این خط روند جدید، از دو اصلاح مجاور (دایره‌های سبز) استفاده میشه. اصلاحات باید به‌طور تقریبی مدت زمانی و میزان کاهش مشابهی داشته باشن. خط بیش‌خرید به‌طور موازی با خط حمایتی با استفاده از قله میانی (دایره سبز سوم) ترسیم میشه. در سال ۲۰۱۰، یک وقفه ۵ ماهه وجود داشت که به خط حمایتی نزدیک شد. یک خط موازی بر روی اون قله ترسیم میشه تا بررسی بشه که آیا قیمت به اون خط روند احترام میزاره (دایره صورتی) و این کار رو انجام میده. در تحلیل وایکوف، هدف ترسیم خط روند با بیشترین تماس‌ها نیست، بلکه درک نرخ دقیق پیشرفت قیمت‌ها برای آینده قابل پیش‌بینی هست.



قبل از اینکه IWM از مرحله بازتجمیع یا Reaccumulation خودش خارج بشه، خط پیشرفت یا Stride تعیین میشه (دایره‌های سبز). این روند برای نزدیک به چهار سال در حال فعالیت بوده. به دنبال خطوط روند درون روندهای بزرگتر باشید. در سال ۲۰۱۳، یک خط روند مفید در مقیاس کوچکتر شکل می‌گیره و قیمت به مدت نزدیک به یک سال به این پیشرفت احترام میزاره. توجه کنید که چطور خط بیش‌خرید یا Overbought Line پیشرفت رو محدود می‌کنه. زمانی که قیمت به‌طور قاطع زیر خط روند شیب‌دار می‌شکنه، ضعف رو نشون میده و سپس دوباره تلاش می‌کنه تا پیشرفت کنه، این خط روند به مقاومت تبدیل میشه. دو خط روند، پیشرفت رو متوقف کرده و IWM رو به سمت پایین می‌بره. کاهش بعدی، IWM رو به خط حمایتی اصلی بار میگردونه.

BAATRADER



توجه کنید که اولین higher low در مرحله تجمع GLW نمایانگر اولین نقطه لنگر یا anchor point برای خط پیشرفتِ. قیمت برای نه ماه به خط بیش‌خرید چسبیده قبل از اینکه به خط حمایتی برگرده، جایی که یک نقطه خرید مناسب رو در شکستن خط روند ایجاد می‌کنه. قیمت می‌تونه برای مدت‌های طولانی به خط بیش‌خرید بچسبه و این لزوماً به معنی شرطی برای فروش نیست. مقاله های بعدی به تحلیل توزیع میپردازم. GLW از کانال روند خارج شده و خط پیشرفت خودش رو از دست داده.

BAATRADER



در اینجا یک مطالعه موردی ارائه شده که در اون دو اصلاح مجاور پس از اولین مرحله صعودی در پیشرفت تشکیل داده.



خط روند ها می‌تونن برای هر تایم فریم ترسیم بشن. در اینجا، یک نمودار روزانه تحلیل شده. اصلاحات مجاور دایره‌گذاری شدن. توجه کنید که چگونه قیمت می‌تونه به طور موقت از کانال روند خارج بشه، اما

همیشه به داخل کانال برمیگرده. نمودارهای روزانه می‌تونن در نوسانات بیشتر دراماتیک به نظر برسند، اما اصول مشابهی رو دنبال می‌کنن. فرصت‌های زیادی برای معاملات نوسانی در این روند وجود داره.
چه چیزی از مطالعه نمودارها لذت‌بخش‌ترِ؟ زمانی رو به این مثال‌ها اختصاص دهید و سپس خط روند هایی روی نمودار های مورد علاقه‌تون رسم کنید.

مقاله شماره 11

افزایش قدرت با تریدینگ رنج بازتجمیع



در طول هر روند صعودی طولانی مدت، توقف‌هایی وجود داره. هر چقدر روند طولانی‌تر باشه، تعداد توقف‌ها بیشتر میشه. از نظر مدت زمان، این توقف‌ها می‌تونن به اندازه چند ماه یا به اندازه یک سال یا بیشتر طول بکشن. هدف از این توقف‌ها، آزار و اذیت دارندگان بلندمدت با دوره‌های طولانی خسته کننده هستش. مثل همه جنبه‌های چرخه قیمت، وایکوفی ها اصول حاکم بر پویایی تریدینگ رنج رو کشف کردن. در این مقاله، مفهوم بازتجمیع رو معرفی میکنیم.
وقتی که یک روند، بعد از مرحله تجمیع به وجود میاد، شروع به بالغ شدن میکنه و تغییرات داخلی رو تجربه می‌کنه. در ابتدای یک روند، اپراتورهای ترکیبی، صاحبان غالب هستن و تقریباً بلافاصله تریدر های کوتاه‌مدت به روند صعودی اضافه میشن و با اونا همراهی میکنن. این

نوع تریدرها سهام رو برای مدت طولانی نگه نمی‌دارن، بلکه مکرراً سودهای سریع می‌گیرن و در اولین نشونه‌ها از اون خارج میشن. اپراتور ترکیبی قصد داره در طول کل حرکت چند ساله در روند باقی بمونه. اونا انتظار دارن که در طول راه به نتیجه نهایی حرکت صعودی، توقف‌هایی در روند صعودی برخورد بکنن. اپراتور ترکیبی از این مراحل بازتجمیع برای افزودن به دارایی‌های خود استفاده میکنه. وایکوفی ها هم از این مراحل بازتجمیع برای شروع یک پوزیشن یا افزودن به یک دارایی موجود استفاده می‌کنن.

با ادامه روند به رشد، فعالیت‌ها بیشتر تحت تأثیر معامله‌گری قرار می‌گیره، در تضاد با سرمایه‌گذاری. برای مدتی، شتاب گرفتن در روند صعودی می‌تونه بسیار سودآور باشه. قیمت‌های شتاب‌گرفته دارای گسترش‌های قیمتی وسیع‌تر (روزانه و هفتگی) و حجم بالایی هستن. نوسان نشون‌دهنده مراحل پایانی یک روند و نشونه‌ای از خستگیِ. از مقاله‌های اخیرمون درباره روندها به یاد بیارید که یک سناریو معمول در پایان یک حرکت صعودی، پرتاب بالای کانال روندِ. پرتاب یک نشونه کلاسیک از خستگیِ و اغلب با اوج خرید که یک اقدام توقف قیمتِ، همزمان میشه. روند صعودی به حدی با حدس و گمان گرم میشه که یک حرکت قیمت انفجاری پایان حرکت صعودی رو رقم میزنه. اوج خرید شروع یکی از این دو سناریوِ: توزیع یا بازتجمیع. این مهمِ چون یک سناریو با از سرگیری روند صعودی (بازتجمیع) تموم میشه. دیگری پایان روند صعودی و اولین قدم در تشکیل یک سقف، معروف به توزیعِ.

آقای وایکوف می‌تونه به ما کمک کنه تا تفاوت مهم بین این دو سناریو رو تشخیص بدیم.

سناریو بازتجمیع و توزیع هر دو با یک اقدام و به همون شیوه شروع میشن. این اقدام متوقف‌کننده روند قبلیِ. بعد از اون، یک تریدینگ رنج بزرگ و اغلب طولانی تشکیل میشه.

پس از اوج خرید (BCLX)، یک واکنش خودکار (AR) تشکیل میشه که یک اصلاح بزرگ و نوسانیِ و بسیار بزرگ‌تر از اصلاحات در روند صعودی قبلیِ. این واکنش تأییدیه‌ای برای اوج خریدِ (BCLX)، حتی اگر قبلاً مطمئن نبودیم. ما BCLX و AR رو برچسب‌گذاری می‌کنیم و بلافاصله یک خط مقاومت در اوج BCLX و یک خط حمایت در کف AR میکشیم.

اگر این تکنیک آشنا به نظر میرسه، به این دلیلِ که ما از همین تکنیک پس از یک اوج فروش و یک رالی خودکار استفاده می‌کنیم تا مرزهای بیرونی تجمیع رو تعیین کنیم.

ما انتظار داریم که معاملات عمدتاً در محدوده خطوط حمایت و مقاومت برای هفته‌ها و ماه‌های آینده باقی بمونن. در این مدت، وایکوفی ها به مطالعه نشونه‌های قیمت و حجم می‌پردازن تا بفهمن آیا بازتجمیع در حال وقوعِ یا توزیع.

در ابتدا، به دنبال مجموعه‌ای از تست‌های ثانویه در ناحیه BCLX (مقاومت) و AR (حمایت) باشید. فعالیت قیمت به صورت ناگهانی و نوسانی با جهش‌های بزرگ به سمت بالای محدوده و واکنش‌هایی به سمت پایین تریدینگ رنج خواهد بود. دارندگان ضعیف سهام با این نوسانات شدید از بازار خارج میشن. AR تریدرهای کوتاه‌مدت رو با

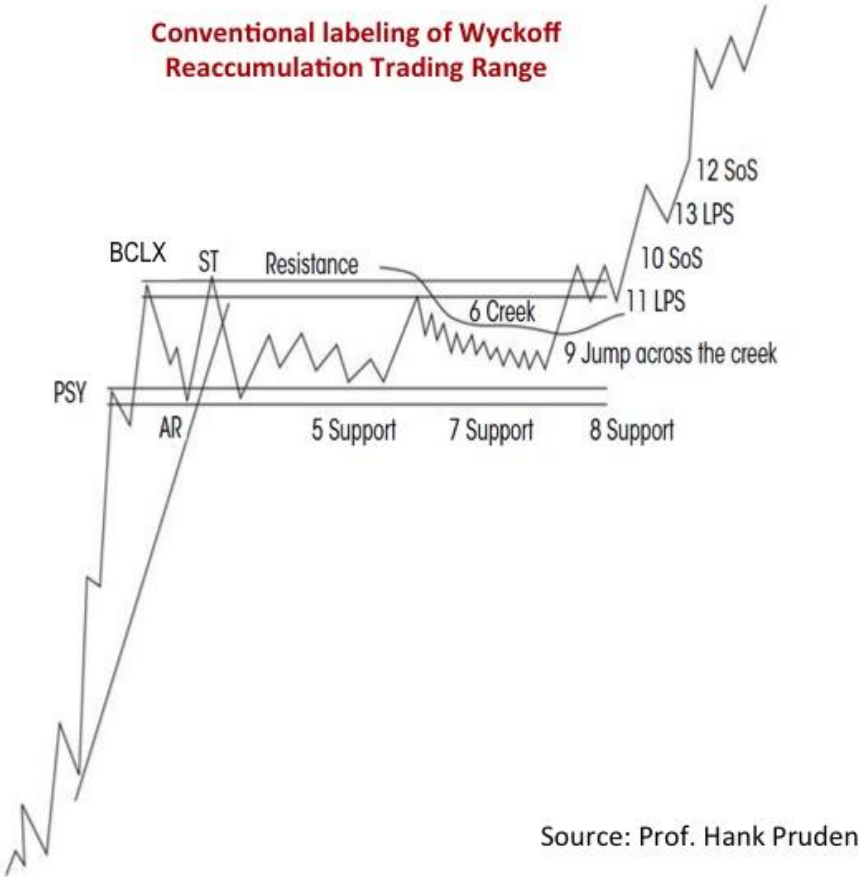
ضررهای بزرگی ترسونده و اونا رو از بازار بیرون می‌کنه. این همه چیز بسیار سریع اتفاق میوفته. اما بعد از اون، ناظران دقیق متوجه میشن که نوسانات در حال کاهشِ. کاهش‌ها به سمت حمایت مدت زمان بیشتری طول می‌کشه و حجم معاملات به طور کلی با هر واکنش متوالی به سمت پایین تریدینگ رنج کمتر میشه.

همونطور که محدوده معاملاتی طولانی‌تر میشه، بدبینی تریدرها هم افزایش پیدا میکنه. مومنتوم تریدر ها مدت‌هاست که از بازار خارج شدن و سفته‌بازان در بازارهای دیگه ای مشغول فعالیت هستن. گاهی اوقات، عامل وقفه یک خبر منفی یا گزارش سود فصلی ناامیدکننده هست که تریدرها رو نگران می‌کنه.

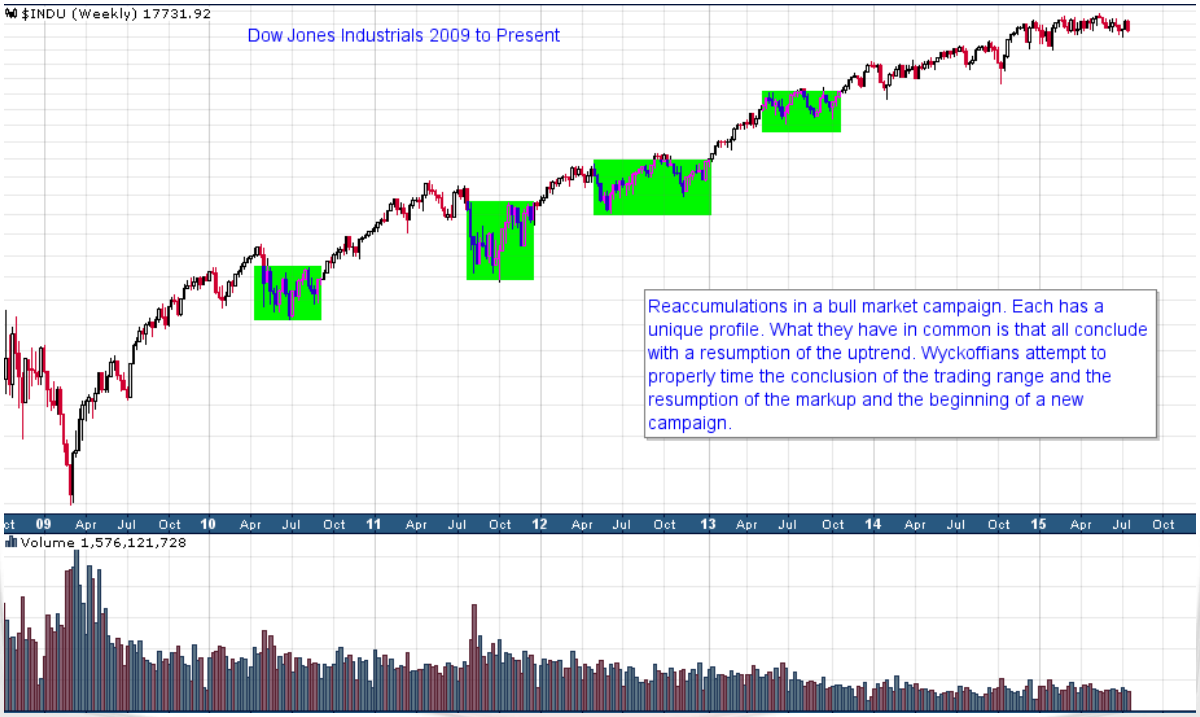
اپراتور از این شرایط برای آغاز تجمیع سهام استفاده می‌کنه. همونطور که در تجمیع اولیه، اپراتور به صورت سیستماتیک سهام رو جذب می‌کنه به طوری که با افت قیمت‌ها به سمت سطح حمایت، سهام رو خریداری می‌کنه و با افزایش قیمت‌ها به سمت سطح مقاومت، فعالیت خرید رو متوقف می‌کنه. برگشت قیمت به سطح حمایت دشوارتر میشه و این موضوع در نمودار کندلی با کاهش دامنه قیمت‌ها و کاهش حجم معاملات به طور کلی نشون داده میشه. اصول جذب در اینجا مشابه اصولیِ که قبلاً در تجمیع بحث کردیم.

یک اشتباه رایج که تریدرها در مورد بازتجمیع (Reaccumulation) مرتکب میشن اینِ که اون رو با توزیع (Distribution) اشتباه گرفته و یک کمپین فروش رو شروع می‌کنن. ما این موضوع رو به تفصیل بررسی میکنیم. در حال حاضر، نکات کلیدی که باید مطرح بشه اینِ که

در طول توزیع، نوسانات و حجم معاملات با پیشرفت تریدینگ رنج افزایش پیدا میکنه و برای یک روند نزولی آماده میشه. در طول بازتجمیع، عکس این اتفاق میوفته چون اصول جذب (Absorption) در کار هستن.



بازتجمیع می‌تونه به شکل‌های مختلفی ظاهر بشه و این یک مثال از اونِ. جذب در حالی که تریدینگ رنج پیش میره، اتفاق میوفته. با دیدن کاهش نوسانات و حجم معاملات در محدوده‌ی نهر (Creek)، میشه نتیجه گرفت که بازتجمیع در حال نزدیک شدن به پایانِ. پس از تکمیل جذب، حرکت جهشی (Jumping action) قیمت رو از تریدینگ رنج خارج کرده و به مرحله جدیدی از افزایش قیمت وارد می‌کنه. این همون جاییِ که وایکوفی ها شروع به افزودن سهام به سبد خودشون می‌کنن.



در آغاز یک روند صعودی بلندمدت، تنها یک مرحله تجمیع وجود داره، در حالی که مراحل بازتجمیع متعدد وجود داره که میشه بر روی اونا کار کرد. در مثال بالا از DJIA، تا کنون چهار مرحله بزرگ بازتجمیع در این بازار صعودی معلوم. وایکوفی ها به شدت از مراحل بازتجمیع در سهام هایی که معامله می‌کنن، آگاه هستن.



مراحل بازتجمیع در تمام بازار معاملاتی وجود دارن؛ از جمله سهام، کالاها، اوراق قرضه، ارزها و غیره. و در تمام بازه‌های زمانی تشکیل میشن؛ از جمله درون‌روز، روزانه، هفتگی، و ماهانه. در اینجا روند صعودی GLD (ETF طلا) در تایم فریم ماهانه نشون داده شده. مراحل بازتجمیع در این تایم فریم بزرگتر به وضوح قابل دیدن هستن.

در مقاله‌های آینده، ما به بررسی الگوهای مختلف بازتجمیع میپردازیم. برای اون دسته از شما که به دنبال تکلیف هستید، لطفاً به مطالعه طرح شماتیک فوق بپردازید و با اون آشنا شید. این تنها یکی از انواع مختلفیِ که یک وایکوفی ممکنِ با اون مواجه بشه. اما عناصر اصلی اکثر الگوهای بازتجمیع در این شماتیک وجود داره. تکلیف دوم اینِ که مقاله "کمپین بازار صعودی اپراتور" از نشریه Stocks and Commodities را مطالعه کنید.(احتمالا در آینده ترجمه میکنم)

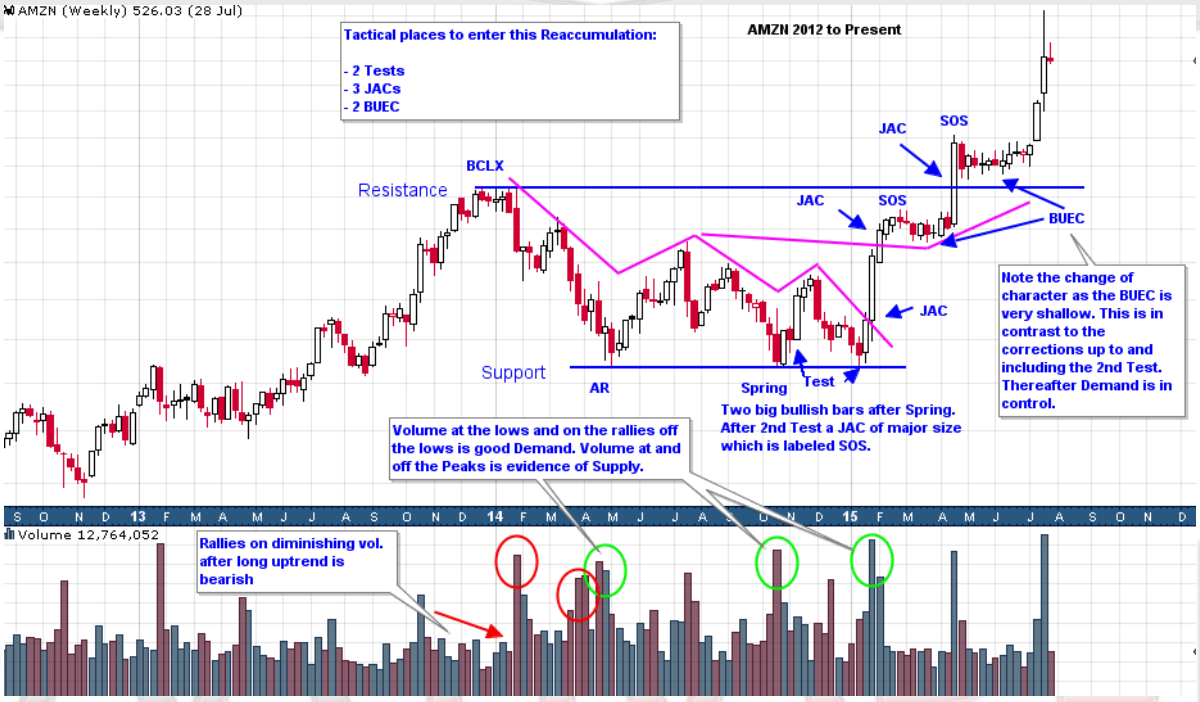
مقاله شماره 12

بررسی بازتجمیع



در این مقاله و چند مقاله بعدی، توجه ما بر روی الگوهای بازتجمیع متمرکزِ. این الگوها از جمله مفیدترین و قوی‌ترین ستاپ هایی که یک وایکوفی می‌تونه به تسلط بر اونا بپردازه. در این مقاله، بر روی نمودارها تمرکز میکنیم و با

تجمیع‌های مختلف در برخی از فرم‌های متنوع اونا آشنا میشیم. وایکوفی ها بر اصول پشت‌پرده حرکت قیمت تأکید می‌کنن. چون ما بر روی اصول تمرکز داریم، می‌تونیم ردپای اپراتور و انگیزه‌های پشت فعالیت‌های اون رو ببینیم. ساختارهای قیمتی مختلفی می‌تونن در حال شکل‌گیری باشن و وایکوفی همچنان قادرِ فعالیت‌ها و اهداف اپراتور رو شناسایی کنه. تجمیع، بازتجمیع، توزیع و بازتوزیع همگی ویژگی‌هایی دارن که انگیزه‌ها و اهداف اپراتور رو فاش می‌کنن. ما باید به زبان نمودارها (خواندن نمودار) مسلط بشیم تا بدونیم چه زمانی، در کجا و چگونه باید با اپراتور همراه بشیم.

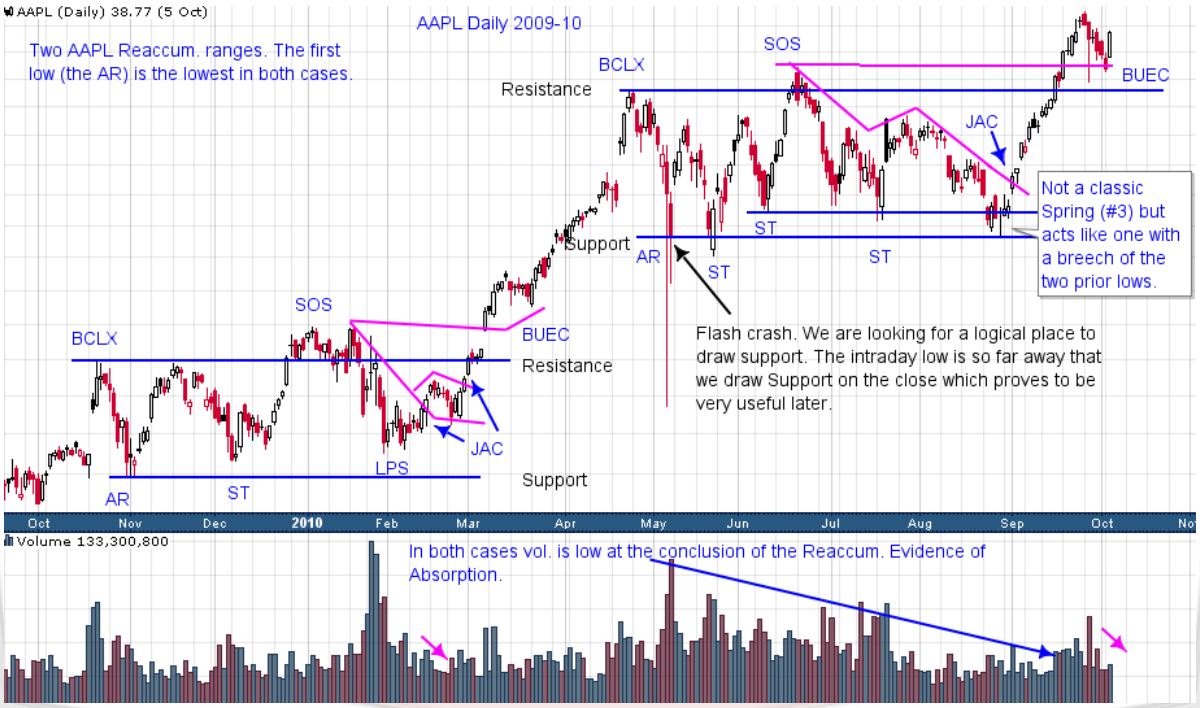


در مثال AMZN فوق، در نقطه BCLX شواهد کافی از خستگی وجود داره. این امر با افت طولانی و تدریجی به سمت واکنش خودکار (AR) تأیید میشه. در این مرحله دو سناریوی اصلی وجود داره: توزیع آغاز شده، یا ناحیه‌ای از بازتجمیع شکل گرفته. در هر دو حالت، توسعه اون

به ماه‌ها تا بیش از یک سال زمان نیاز داره. BCLX و AR به عنوان مقاومت و حمایت اولیه برای محدود کردن تریدینگ رنج عمل می‌کنن. بازتجمیع AMZN برای توسعه 15 ماه طول کشیده. توجه کنید که AMZN بیشتر زمان رو در نیمه پایین رنج بوده. زمانی که قیمت‌ها به طور مداوم به حمایت برمی‌گردن و قادر به صعود به مقاومت نیستن، تریدرها به شدت ذهنیت نزولی پیدا میکنن (اپراتور از تمایلات تریدرها و سرمایه‌گذاران متوسط بسیار آگاهِ).

قیمت تغییرات عمده‌ای در رفتار خودش نشون میده زمانی که به تست اسپرینگ می‌پردازه و سپس یک جهش عمودی بزرگ دنبال میشه. BUEC در حدود 375 دلار هم تغییر رفتار رو نشان میده، چون قیمت تنها یک توقف یا عقب‌نشینی بسیار کم‌عمق قبل از جهش از تمام دامنه بازتجمیع رو تجربه می‌کنه. BUEC دوم حتی به ناحیه مقاومت قبلی برنمی‌گرده. این یک توسعه صعودی است.

زمانی که حجم به طور قابل توجهی افزایش پیدا میکنه در حالی که قیمت به ناحیه حمایت برمی‌گرده، میشه به طور موقت نتیجه‌گیری کرد که این تقاضا توسط اپراتورِ. ولی همچنین نشون میده که عرضه کافی برای جذب وجود داره و قیمت احتمالاً به این سطوح حمایت باز هم برمیگرده تا زمانی که اپراتور خرید سهام رو دشوار بدونه (که با کاهش حجم در کاهش قیمت به ناحیه حمایت نشون داده میشه).



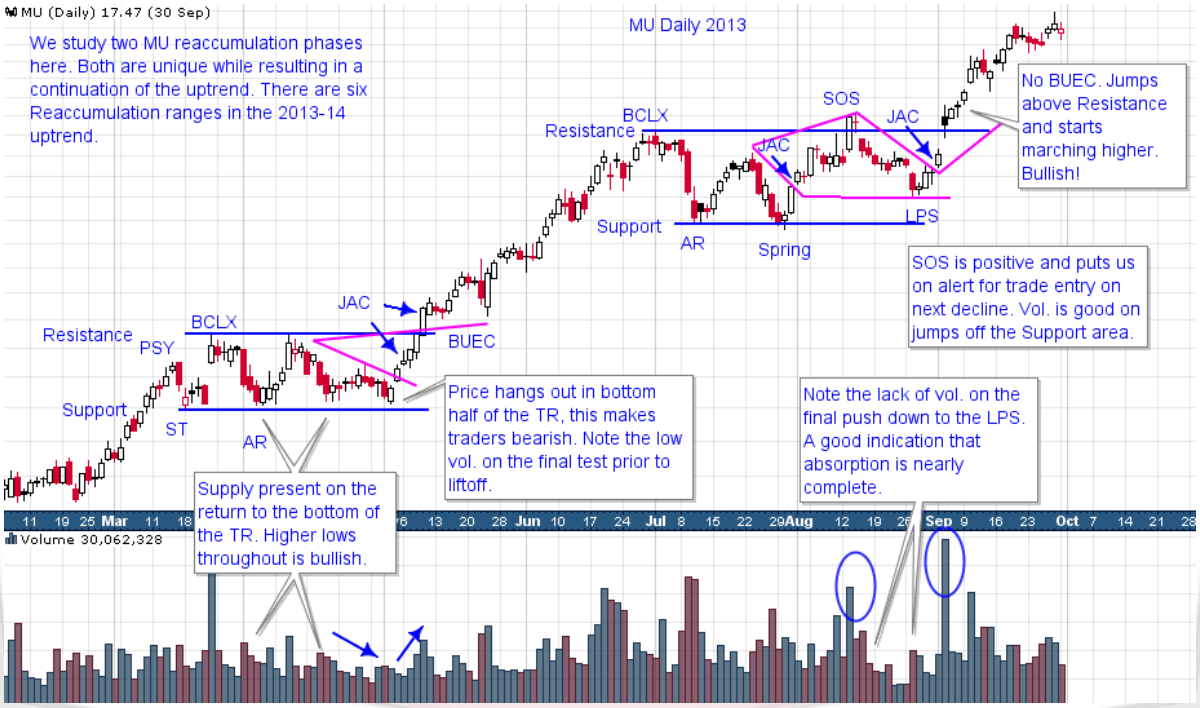
همونطور که در این مثال اپل دیده میشه، بازتجمیع می‌تونه یک دوره کوتاه باشه که در اوایل روندهای صعودی قوی تشکیل میشه و تنها چند ماه طول بکشه. در طول یک روند صعودی تهاجمی، اولین low که در بازتجمیع دیده میشه، معمولاً lowest هست، همونطور که در این دو مثال اپل دیده میشه. تریدر ها اغلب ممکنِ بازتجمیع رو با یک توزیع اشتباه بگیرن. به شباهت بازتجمیع دوم اپل به الگوی سر و شانه توجه کنید. حجم معمولاً در نیمه دوم بازتجمیع کاهش پیدا میکنه، در حالی که در طول کل شکل‌گیری توزیع، حجم معمولاً بالا باقی می‌مونه. زمانی که روند صعودی از سر گرفته میشه، حجم در زمان افزایش قیمت‌ها گسترش پیدا میکنه و در زمان توقف‌ها و بازگشت‌ها (LPS و BUEC) کاهش پیدا میکنه.

BAATRADER



در این مثال از پولاریس، یک اوج خرید (BCLX) با یک واکنش خودکار سریع (AR) دنبال میشه. حجم در واکنش خودکار در حال کاهشِ که نشونه اولیه‌ای از آغاز یک بازتجمیعِ. در این مثال، AR پایین‌ترین نقطه در تریدینگ رنجِ. زمان زیادی در نیمه پایین‌تر محدوده صرف میشه، اما قیمت نمی‌تونه به سطح AR برگرده. اپراتور از زمان زیادی که در بخش پایین‌تر محدوده صرف میشه، برای خرید هر چه بیشتر سهام استفاده می‌کنه. بعد از اون، یک صعود عمودی با وقفه‌های حداقلی دنبال میشه.

BAATRADER



زمانی که حجم در سطح حمایت در میکرون تکنولوژی (Micron Technology) افزایش پیدا میکنه، ما انتظار داریم که یک برگشت اتفاق بیوفته و بعد از اون، قیمت دوباره به سطح حمایت برگرده. حجم در سطح حمایت نشونه‌ای از ورود عرضه به بازار و جذب اون توسط اپراتورِ. تلاش‌های بعدی برای برگشت به سطح حمایت باید با حجم کاهش یافته همراه باشه که نشون میده فروشندگان در حال خسته شدن هستن و فروش پوزیشن‌های خود هستن و بنابراین جذب توسط اپراتور تقریباً تکمیل شده. همچنین، ما سعی می‌کنیم که Creek یا فشار عرضه‌ای که بر روی قیمت‌ها فشار میاره و اونا رو در محدوده معاملاتی نگه می‌داره، تجسم و ترسیم کنیم. در نهایت، این Creek میشکنه که نشونه مهمی از سرگیری روند صعودیِ (Markup).

BAATRADER

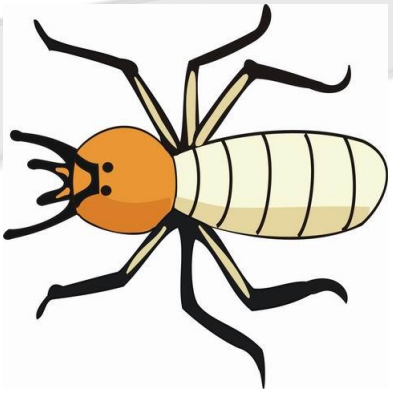


BOFI دارای یک افزایش قیمتی شدیدِ که با یک قله خرید (Buying Climax) دنبال میشه و سپس یک قله فروش (Selling Climax) تشکیل میشه. این وضعیت واقعاً جالبِ. اگرچه ما اون رو یک بازتجمیع (Reaccumulation) می‌نامیم، ولی بسیاری از ویژگی‌های یک انباشت (Accumulation) رو هم داره. این مرحله بازتجمیع تقریباً یک سال طول می‌کشه که احتمالاً نتیجه ی روند صعودی دو و نیم ساله‌ایِ که پیش از قله خرید تشکیل شده، هست. پایین ترین نقطه، یک اسپرینگ بود که دو سوم راه از مرحله بازتجمیع اتفاق افتاد. اسپرینگ باعث راه‌اندازی یک صعود به بالای بازتجمیع و بالاتر از اون میشه که به عنوان یک نشونه قدرت (Sign of Strength) علامت‌گذاری شده. در پشتیبانی (Back Up) قیمت از بالای خط مقاومت عبور می‌کنه. مقاومت قبلی تبدیل به حمایت جدید میشه.

بازتجمیع (Reaccumulation) در بازارها به طور مداوم در حال وقوعِ. روندهای صعودی در مسیر صعود خود دارای توقف‌های متعددی هستن که هر یک از این توقف‌ها فرصتی برای ورود به بازار و ادامه دادن به روند صعودی ارائه میده.

مقاله شماره 13

وقتی موریانه‌ها به روندهای شما وارد میشن



یک روند مثل یک خونه بر روی پایه ی چوبیِ. وقتی خونه نوسازِ، پایه قویِ. با گذشت زمان، موریانه‌ها به داخل اون نفوذ کرده و پایه رو خراب می‌کنن. خونه به نظر سالم میاد حتی اگه موریانه‌ها پایه‌های اون رو تضعیف کرده باشن. یک دفعه، یک روز پایه‌ها فرو می‌ریزن و خونه خراب میشه. یک روند با پایه‌ای قوی از مالکیت شروع میشه، اما با گذشت زمان، روند با صاحبان سهامی که پایه‌های روند رو تضعیف می‌کنن، خراب میشه. در نهایت، روند با سقوط ناگهانی قیمت‌ها معکوس میشه و فرایند ترمیم شروع میشه. این بازسازی پایه مالکیت "بازتجمیع" اسم گذاری میشه. وایکوفی‌ها بازرس های روند هستن. اونا به دقت روند رو برای شرایط تخریب و بازسازی بررسی می‌کنن. وقتی پایه دوباره قوی شد، وقتِ اونِ که دوباره وارد عمل بشیم.

BAATRADER

یک بازتجمیع نتیجه‌ی روند صعودی قبلیِ که نیاز به تثبیت داره. در طول روند صعودی، ترکیب مالکیت سهام تغییر می‌کنه. زمانی که یک روند صعودی آغاز میشه، سهام تحت مالکیت بسیار قویِ (اپراتور ترکیبی). به طور اجتناب‌ناپذیر میشه نتیجه گرفت که روندهای صعودی قوی نتیجه کنترل مالکیت توسط مالکان برترِ. در نقطه‌ای از روند صعودی، تعداد کافی از معامله‌گران وارد میشن و دارندگان بلندمدت آماده‌ی کسب سود هستن، که این فعالیت فروش روند صعودی رو متوقف می‌کنه. شرایط خرید بیش از حد در روند، در اوج خرید (Buying Climax)، ظاهر میشه و حرکت صعودی قیمت‌ها رو متوقف می‌کنه. به دلیل تغییر ماهیت کیفیت مالکیت، قیمت‌ها می‌تونن به سرعت ضعیف شن چون تریدرها به سمت بستن پوزیشن خود میرن. این منجر به یک افت سریع میشه که به عنوان واکنش خودکار (Automatic Reaction یا AR) نام گذاری میشه. فاز بازتجمیع شروع شده. بقیه این مقاله به مشاهده‌هایی درباره پدیده بازتجمیع اختصاص داره که در طول سال‌ها مطالعه و آموزش در این موضوع جمع‌آوری کردیم. از همکاران معلم و بسیاری از دانشجویان برای مشارکت‌های درخشان در این موضوع و تمام چیزهای مرتبط با وایکوف سپاسگزاریم.

گرایش‌هایی که در اینجا مرور می‌کنیم، کلیات و شرایطی هستن که تمایل دارن در زمان‌ها و تحت شرایط خاصی به وجود بیان. هروقت امکانش باشه، سعی می‌کنیم از دانش این گرایش‌ها بهره ببریم. اما

بازار قادرِ در هر زمانی هر کاری انجام بده. همیشه احتیاط زیادی مورد نیازِ.

یک روند قوی با قدرت نسبی بالا نشون‌دهنده و نتیجه‌ی مالکیت غالب بر سهم‌ها توسط اپراتور ترکیبیِ. مراحل بازتجمیع اثر پاکسازی دارندگان کوتاه‌مدت از روندِ. اپراتور ترکیبی (به مقاله های قبلی مراجعه کنید) در حال کمپین کردن و نگه‌داری برای مدت طولانی در طول روند صعودی چند ساله هستش. بنابراین از توقف‌های موجود در روند صعودی برای جمع آوری سهام بیشتر با قیمت‌های مناسب استفاده می‌کنن. به این ترتیب، یک روند صعودی خوب اغلب پیش‌بینی‌کننده یک روند صعودی بزرگ در آینده هست (با چندین مرحله بازتجمیع در طول مسیر). روندهای صعودی بیشتر باعث ایجاد روندهای صعودی دیگر میشن. با درک این موضوع، پدیده بازتجمیع برای ما وایکوفی ها از نظر تاکتیکی بسیار ارزشمند میشه. هدف ما شناسایی پایان بازتجمیع و ظهور روند صعودی بعدی و اضافه کردن به پوزیشنِ.

وقتی که دستان قوی هنوز مالکیت سهام شناور رو در پایان یک روند صعودی دارن، فاز بازتجمیع معمولاً کوتاه‌ترِ. همچنین lowest low قیمت تمایل داره در نیمه اول فاز بازتجمیع تشکیل بشه (اغلب در یک‌سوم اول کل زمان بازتجمیع). تعیین این وضعیت نتیجه مهارت بالای خواندن نمودارِ. اغلب واکنش خودکار یا آزمایش ثانویه lowest low قیمت خواهد بود. از اون به بعد، تمام تلاش‌های باقی‌مونده برای برگشت به پایین با خرید با کیفیت خوب مواجه میشه که در نمودارها

با higher low نشون داده میشه. ما می‌تونیم نتیجه بگیریم که اپراتور کنترل غالب بر عرضه سهام داره و تقاضای خوب پیشنهادها رو کمی بالاتر از قیمت‌های پایین قبلی قرار میده.

اغلب، بازتجمیع با مدت زمان طولانی‌تر (یک سال یا بیشتر، که غیرمعمول نیست) نشون‌دهنده اینِ که تمام سهام‌های موجود در تجمیع قبل از روند صعودی جذب نشدن و زمان برای جمع‌آوری این سهام‌های موجود نیازِ. فازهای بزرگ بازتجمیع می‌تونن با روش افقی نقطه و شکل (Point and Figure) شمرده بشن تا هدف قیمتی صعودی برآورد بشه (این تکنیک رو بررسی خواهیم کرد). صبر فضیلتیِ که وایکوفی ها یاد می‌گیرن در خودشون پرورش بدن هنگام انتظار برای نتیجه نهایی بازتجمیع‌های بزرگ (همونطور که اپراتور هم انجام میده).

اگر تعداد زیادی سهام در بازار باشه (در دست تریدرهای کوتاه‌مدت) انتظار میره که قیمت‌ها بارها به کف، منطقه حمایت، سقوط کنن. چنین ضعف قیمتی تمایل داره تا سهام‌ها رو از دست تریدرها خارج کنه و توسط دارندگان قوی‌تر و صبورتر جذب بشه. اگر عرضه همچنان ادامه پیدا کنه (که با حجم بالا در افت از مقاومت به حمایت سیگنال داده میشه)، انتظار فعالیت نوع Spring در اطراف منطقه حمایت رو داشته باشید. Spring استراتژی اپراتورِ برای خارج کردن آخرین سهام‌های موجود از دست تریدرها و دیگر دارندگان ضعیف. Spring معمولاً در انتهای بازتجمیع تشکیل میشه و با یک حرکت جهشی قوی به سمت منطقه مقاومت دنبال میشه. به یاد داشته باشید که Spring

یک شکست قیمت پایین‌ترین سطح تریدینگ رنجِ. به طور کلی، Spring بیشتر در دوره بازتجمیع در روند صعودی قدیمی بازار تشکیل میشه. این موضوع قابل درکِ وقتی ترکیب مالکان یک روند قدیمی رو با یک روند جدید مقایسه می‌کنیم. ماهیت مالکیت در یک روند قدیمی نشون میده که Spring یک ابزار مفید برای خارج کردن سهام قبل از یک فاز جدید مارک‌آپ یا صعودِ. برای مرور انواع مختلف Spring به مقاله ی شماره 6 مراجعه کنید.

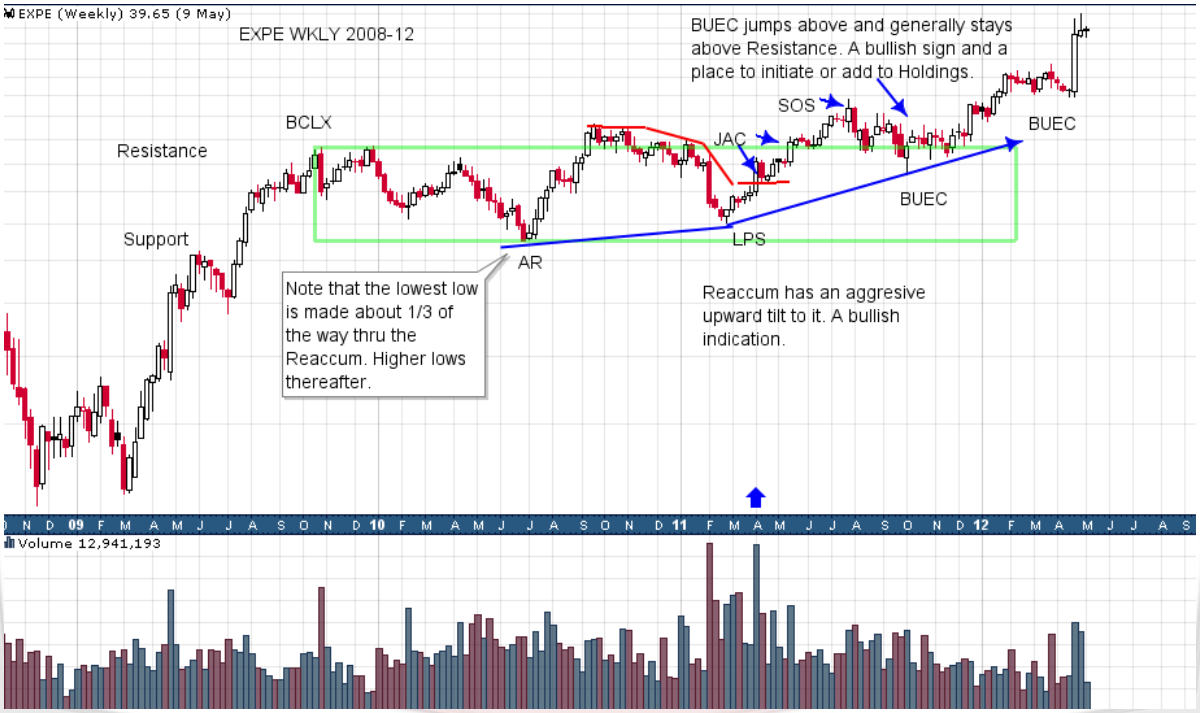


WDC یک مرحله بازتجمیع سه‌ساله داشته. حتی در چنین مقیاس زمانی بزرگی، ویژگی‌های اساسی بازتجمیع رو نشون میده. تست Spring #2 اولین نقطه ورود تاکتیکیِ. بعد از اون، دو JAC و دو LPS که با BUEC دنبال میشن، مکان‌های با کیفیت برای ورود یا اضافه کردن به پوزیشن ها هستن. مقداری وقت صرف مطالعه‌ی فرم‌های کوچکتر بازتجمیع که با دایره‌های آبی مشخص شدن، کنید.



همیشه مطالعه‌ی تایم فریم بزرگ‌تر برای درک بهتر شرایط ارزشمندِ. در اینجا نمودار ماهانه‌ی WDC رو می‌بینیم. واضحِ که بازتجمیع بررسی شده در نمودار قبلی تحت تأثیر بالاترین قیمت تاریخ در سال ۱۹۹۷ بوده. در این منطقه‌ی قیمتی، مقاومت شدید به مدت پنج سال قیمت‌ها رو مهار کرد، تا اینکه در نهایت قیمت‌ها به بالاترین حد خود رسیدن و یک روند صعودی جدید و قوی شکل گرفت. در این نمودار تعدادی الگوی کلاسیک وجود دارد که ممکنِ بخواید روی اونا زوم کنید و مطالعه کنید.

BAATRADER



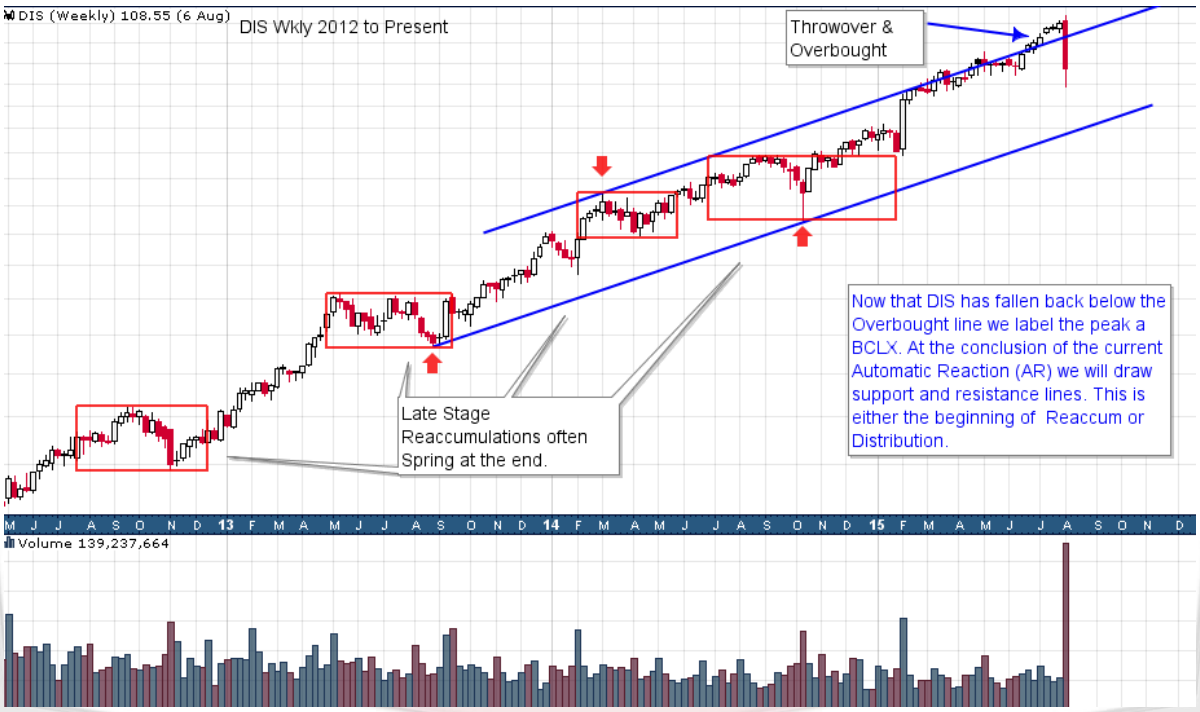
EXPE در دستان قوی قرار داره. اولین کف، پایین‌ترین نقطه محدوده هستش و از اون به بعد هر کف بالاتر از قبلیِ. این به این معناست که در طی بازتجمیع به شدت در حال خریداریِ. همچنین هر قله هم بالاتر از قله قبلیِ. نقاط ورود عالی شامل LPS، دو JAC و BUEC هستن. بازگشت به لبه‌ی نهر (BUEC) دارای تصحیح کم‌عمق در روند صعودیِ که از LPS به SOS شروع شده. تصحیح کم‌عمق در روند صعودی و خروج از تریدینگ رنج بسیار مثبتِ. به پرش‌ها بعد از BUEC توجه کنید؛ این پرش‌ها شروع روند صعودی رو نشون میدن.

BAATRADER



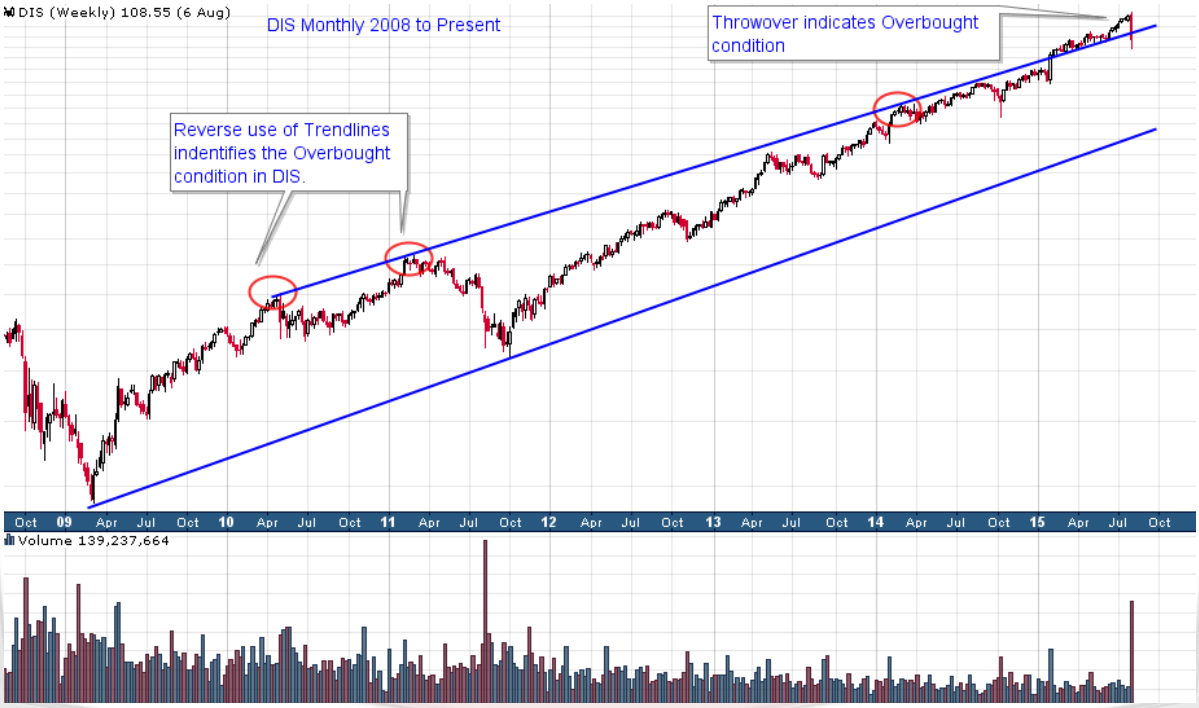
AZO در یک روند صعودی بالغ قرار داره. ترکیب بزرگ‌تری از تریدرها احتمال نیاز به نوعی از پرش که به نام Spring شناخته میشه و از ناحیه حمایت عبور می‌کنه، رو برای خاتمه بازتجمیع افزایش میده. هر دو مثال نشون‌دهنده Spring هستن که میشه بلافاصله خریداری کرد، چون اونا از نوع شماره ۳ هستن.

BAATRADER



فعالیت‌های اخیر در DIS بر ارزش تحلیل خط روند تأکید می‌کنه. در نمودار هفتگی، یک خط روند در دو قله مجاور (پیکان‌های قرمز) کشیده شده. در نقطه اوج مداخله، یک خط موازی برای وضعیت بیش از حد خرید (Overbought) ترسیم شده. به یاد داشته باشید که خط روند دچار "پرتاب" (Throwover) و وضعیت بیش از حد خرید شده. با شکست اخیر به داخل کانال روند، انتظار داشته باشید که یا فعالیت‌های بازتجمیع (Reaccumulation) یا احتمالاً توزیع (Distribution) صورت بگیره. در هر دو حالت، این یک change of character از روند صعودی به فعالیت در تریدینگ رنجِ.

BAATRADER



استفاده معکوس از خطوط روند در نمودار ماهانه DIS همون داستان رو با استفاده از روشی متفاوت و بلندمدت بیان می‌کنه. در استفاده معکوس از خطوط روند، ابتدا خط وضعیت بیش از حد خرید (Overbought) با استفاده از قله‌های مجاور (دایره‌های قرمز) ترسیم میشه. در سال ششم این روند صعودی، بالاخره خط روند دچار "پرتاب" (Throwover) شده و به وضعیت بیش از حد خرید میرسه. نمودارهای ماهانه می‌تونن ابزارهای بسیار مفیدی باشن.

BAATRADER

مقاله شماره 14

در دو راهی قرار گرفتن



وقتی عمل متوقف‌کننده، قیمت یک سهام (کالا، ETF و غیره) رو متوقف می‌کنه، یک دو راهی پیش روی ماست. به عنوان یک وایکوفی، با شرایطی مثل بازتجمیع (Reaccumulation) یا توزیع (Distribution) مواجه میشیم. عمل متوقف‌کننده منجر به یکی از این دو حالت میشه. بازتجمیع یک وقفه در روند صعودی جاریِ، در حالی که توزیع پایان اون روند صعودیِ. هر کدوم از این دو مسیر که انتخاب کنیم، پیامدهایی داره.

به طور غیرمنتظره، توزیع با همون ویژگی‌های اولیه بازتجمیع شروع میشه. انگار توزیع، «دوقلوی شیطانی» بازتجمیعِ. خوشبختانه، با کمی تمرین، میشه تفاوت بین این دو رو تشخیص داد!

عمل متوقف‌کننده با عرضه مقدماتی (Preliminary Supply یا PSY) شروع شده و با افزایش قیمت که به اون اوج خرید (Buying Climax یا BCLX) گفته میشه، به پایان میرسه. اوج خرید، شتابی کوتاه و پویا در قیمت‌ها با حجم بالاست. کندل های قیمتی پهن و نوسان‌دار هستن. این شتاب قیمت‌ها اغلب با «خبر خوب» همراهِ (اما این ضروری

نیست). قیمت‌های در حال صعود (و اخبار) باعث جذب خریداران عمومی و مومنتوم تریدرها میشه. احساس عمومی مثبت نسبت به شرکت و چشم‌انداز آینده اون وجود داره. چنین اخباری به سرمایه‌گذاران و تریدرها جسارت خرید میده. این عمل اوج‌گرفته در واقع یک عمل متوقف‌کننده هست و منجر به بازاری با نوسانات محدود میشه.

اوج خرید و واکنش خودکار (AR) معمولاً مرزهای خارجی (مقاومت و حمایت) تریدینگ رنج برای مدت زمانی هستن. در طول این تریدینگ رنج طولانی، شرایط برای ادامه روند صعودی یا کاهش به بازار نزولی فراهم میشه. ما فعالیت‌های بازتجمیع رو در مقاله های قبلی مطالعه کردیم. به طور خلاصه، جذب سهام فعالیت اصلی در بازتجمیعِ. در هنگام توزیع، برعکس این اتفاق میوفته، یعنی تخلیه سهام به امید یک روند نزولی عمده. اپراتور تمامی سهام‌های خودش رو می‌فروشه.

توزیع تمامی سهام‌های نگهداری شده توسط اپراتور کار پیچیده‌ایِ. این کار نیازمند مهارت و صبرِ. اپراتور در حال خرید عمده (در دوره تجمیع) و فروش خرده (در دوره توزیع) هست. اونا زمانی که اخبار بدِ، خرید می‌کنن و زمانی که اخبار خوبِ، می‌فروشن. این ممکنِ متناقض به نظر برسه اما با بررسی دقیق‌تر منطقی هستش. اپراتور زمانی خرید می‌کنه که می‌تونه و زمانی میفروشه که باید. ما دینامیک‌های تجمیع رو مطالعه کردیم و حالا باید به توزیع بپردازیم.

چه کسانی باید سهام رو از اپراتور خریداری کنن؟ متأسفانه، عموم مردم هستن که باید سهام رو خریداری کرده و اونا رو در طول نزول بعدی

نگه دارن. برخی از خریدهای عمومی در طول روند صعودی انجام میشه و به شدت در اطراف بالاترین قیمت‌ها صورت می‌گیره. وقتی میگیم که اپراتور در حال فروش خرده هست، به این معنیِ که اونا باید سهام رو به صورت دسته‌های کوچک به عموم بفروشن. این در اثر افزایش حجم معاملات به وضوح نمایان میشه. اپراتور مقدار زیادی سهام برای فروش داره و این کار زمان‌برِ. مقدار زیاد سهام که بر بازار فشار میاره باعث میشه قیمت‌ها کاهش پیدا کنه. بنابراین سهام باید به طور دقیق و آروم آزاد بشه و فقط به مقداری که عموم قادر به هضم اون هستن، عرضه بشه. این نیاز به مهارت داره.

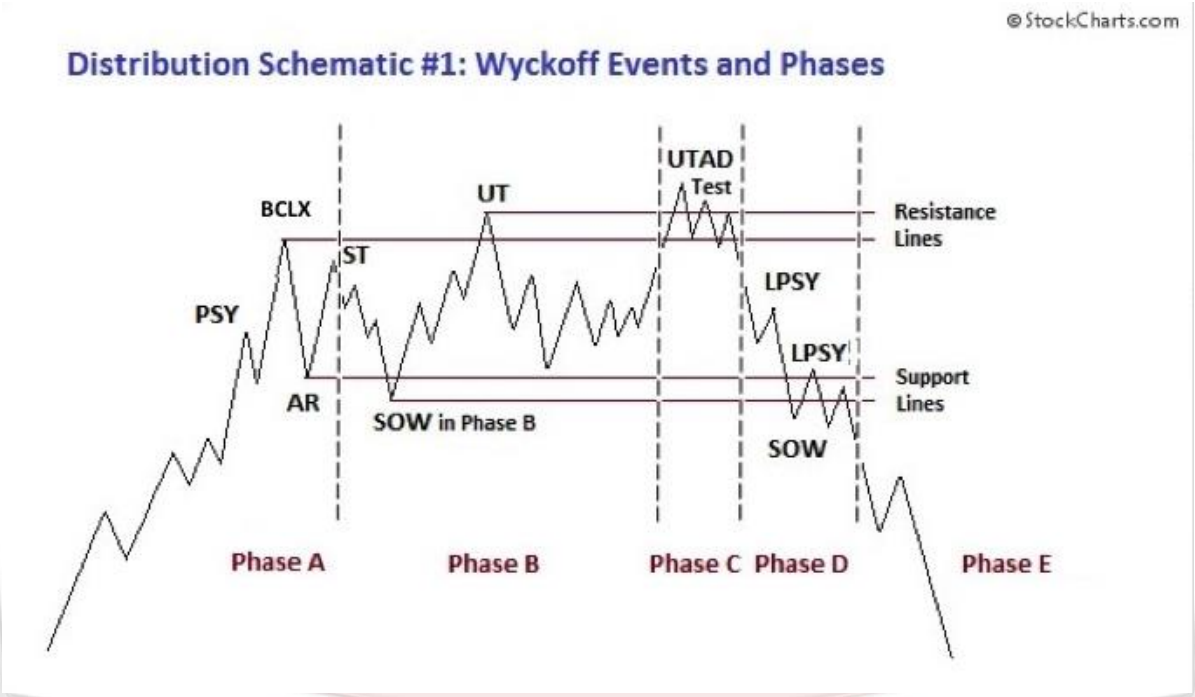
بازتجمیع هنر تکان دادن سرمایه‌گذاران از دارایی‌های سهامی اونا با استفاده از "اسپرینگ‌ها" و "شک ها" هستش که قیمت‌ها رو به زیر سطح‌های کلیدی میبرن. توزیع هنر نگه داشتن قیمت‌ها در تریدینگ رنج برای تشویق خرید توسط عموم مردم بی‌اطلاعِ. استراتژی اپراتور برای این کار اینِ که سهام‌ها رو در طول مراحل صعودی توزیع و نزدیک به بالاترین نقاط تریدینگ رنج بفروشن. بعدش وقتی که قیمت‌ها به سمت پایین تریدینگ رنج سر می‌خورن، فروش رو متوقف کرده و حتی ممکنِ خریدی برای حمایت از قیمت در نزدیکی پایین محدوده انجام بدن. این کار به صورت مکرر در طول فرآیند توزیع ادامه داره. اپراتور همیشه در یک مسابقه هستش چون چندین اپراتور با قصد مشابه فروش در بازار وجود دارن. در اوایل فرآیند توزیع تعداد فروشندگان بزرگ نسبتاً کمِ، اما با گذشت زمان، بیشتر و بیشتر از این فروشندگان بزرگ

نهادی متوجه فعالیت‌های موجود در نمودار میشن. این زمانیِ که مشکلات برای قیمت سهام می‌تونه شروع بشه و روند نزولی بازار شروع میشه.

اپراتور معمولاً یک نهادِ، اما همه نهادها اپراتور نیستن. بنابراین، وقتی یک اتاق پر از فیل‌های بزرگ تلاش می‌کنن همزمان خارج بشن، می‌تونه یک ازدحام ایجاد بشه. این منجر به کاهش پی‌درپی قیمت‌ها میشه.

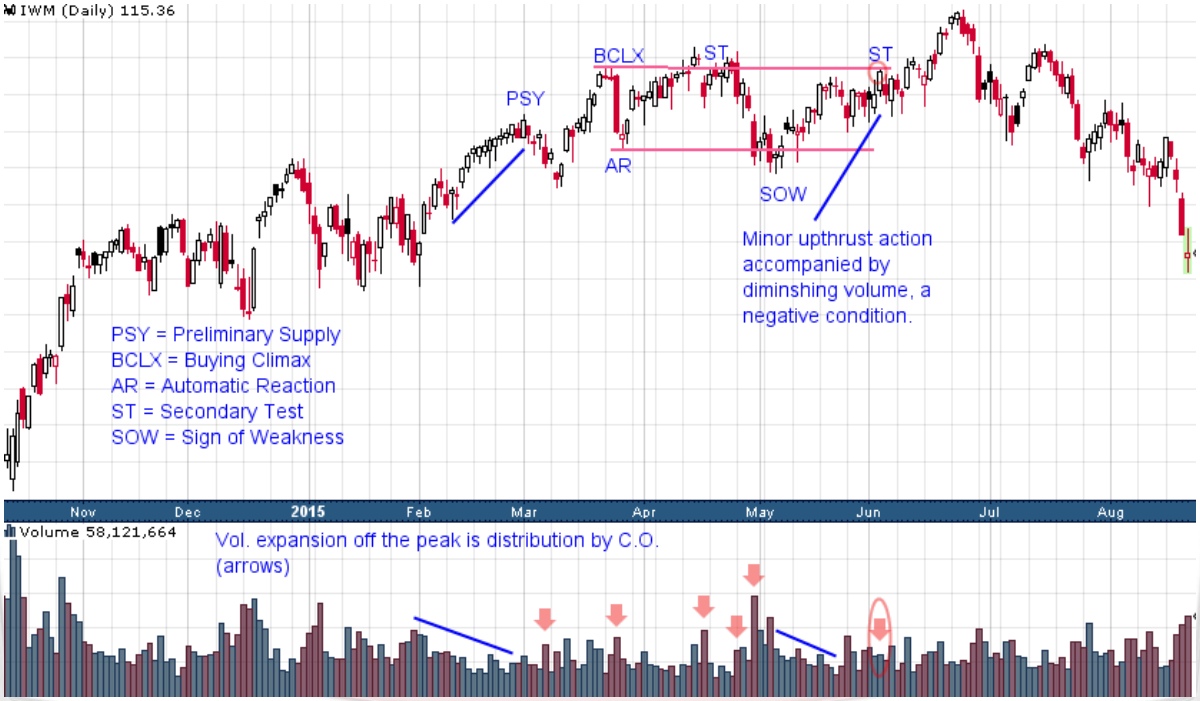
در طول چند مقاله بعدی، ما فعالیت‌های مختلف توزیع و تاکتیک‌های مناسب برای عمل در داخل اونا رو توضیح میدیم. در همین حین، نمودار رو مطالعه کنید تا با ویژگی‌های اساسی اون آشنا شید. همون‌طور که انتظار داریم، توزیع در اشکال و اندازه‌های مختلفی تشکیل میشه. چیزی که بین اونا مشترکِ، فرآیند فروش توسط منافع بزرگ و مطلع هست. امضاهای قیمت و حجم اونا در ذهن ما حک شده.

BAATRADER

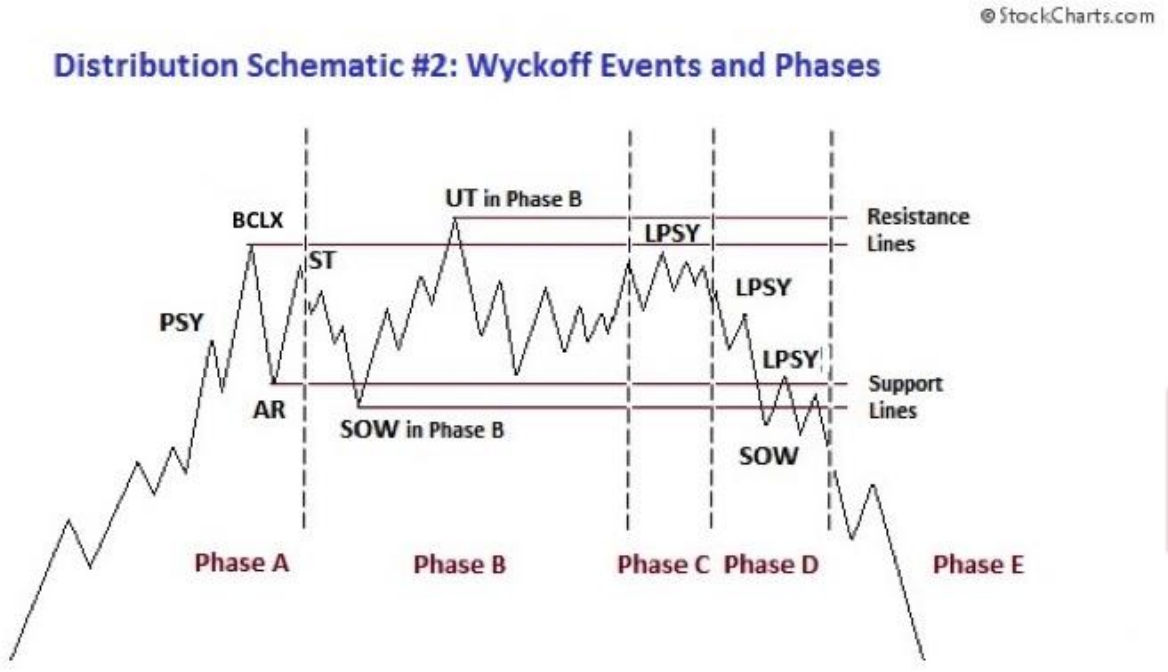


در نمودار شماره یک، یک ویژگی برجسته "صعود پس از توزیع" (UTAD) هست. UTAD مثل یک "اسپرینگ" به صورت معکوسِ، به این صورت که یک حرکت نهایی و موقت به یک اوج جدیدِ که پایدار نیست. اون چیزی که در بعدش تشکیل میشه بازگشت سریع به سمت منطقه حمایتِ با گسترش قیمت و حجم. به UTAD به عنوان یک سوال فکر کنید؛ چقدر قدرت خرید در اوج قیمت‌های جدید وجود داره؟ یک هجوم تقاضای جدید قیمت رو از اوج قبلی (UT) دور کرده و به ادامه روند صعودی میبره. یک شکست باعث میشه که اپراتور نتیجه‌گیری کنه که قدرت خرید ضعیفِ و اونا سهام‌ها را به تدریج به سمت حمایت می‌فروشن. منبع: هنک پرودن، سه مهارت برتر معامله‌گری، انتشارات وایلی ۲۰۰۷ با تغییرات و اصلاحات. گرافیک توسط رومن بوگومازوف.

BAATRADER



این نمودار IWM اول در مقاله شماره 5 منتشر شد. به عنوان تکلیف، تحلیل رو با استفاده از نمودار بالا به‌روز کنید.



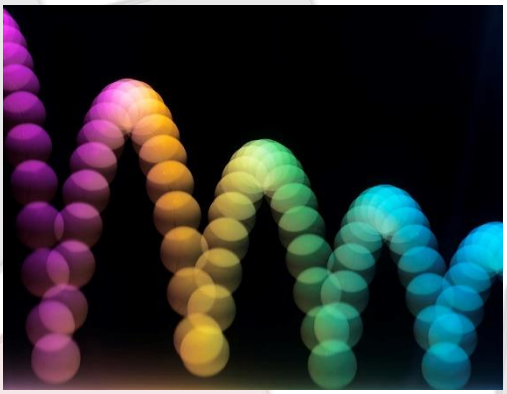
در نمودار شماره ۲، رالی نتونسته یک قله جدید بسازد و به عنوان آخرین نقطه تأمین (LPSY) برچسب‌گذاری میشه. رالی LPSY با کاهش دامنه قیمت و عموماً حجم پایین مشخص میشه، که نشونه‌ای از کمبود تقاضاست. هر رالی که به قله پایین‌تری برسه به عنوان LPSY برچسب‌گذاری میشه، چون اون قله نشون میده که رالی نمی‌تونه بیشتر از اون بالا بره و فاز نزولی (markdown) شروع میشه. منبع: هنک پرودن، سه مهارت برتر معامله‌گری، انتشارات وایلی ۲۰۰۷ با تغییرات و اصلاحات. گرافیک توسط رومن بوگومازوف.



این نمودار $INDU هم اول در مقاله شماره 5 منتشر شده بود. برای کسب امتیاز اضافی، سعی کنید برچسب‌گذاری این نمودار $INDU رو کامل کنید تا به روز بشه.

مقاله شماره 15

دنبال کردن توپِ جهنده



در سال 1965، شرکت Wham-O محصولی به نام Super Ball روانه بازار کرد. این توپ کوچک، تقریباً به اندازه یک آلو، از جنس لاستیک سخت بود و واقعاً شگفت‌انگیز بود. وقتی روی سطح سختی انداخته میشد، میگفتن که تا 92% به عقب جهش داره. وقتی محکم به زمین زده میشد، می‌تونست از یک ساختمان دو طبقه بالاتر بپره. برای کودکان، این توپ منبع بی‌پایانی از سرگرمی و البته خطر بود. فعالیت‌های اخیر بازار من رو به یاد Super Ball انداخت، و نه تنها به خاطر جای کبودی‌هایی به اندازه آلو که روی بدن (و پورتفوی) خودمون ایجاد شده بلکه به خاطر نوسانات اخیر بازار که ضربه‌ای داره که می‌تونه دردناک باشه. وقتی توپ رو به دیوار می‌زنیم، انتظار نداریم که با شدت به سمت ما برگرده و ما رو بزنه، اما این اتفاق میوفته.

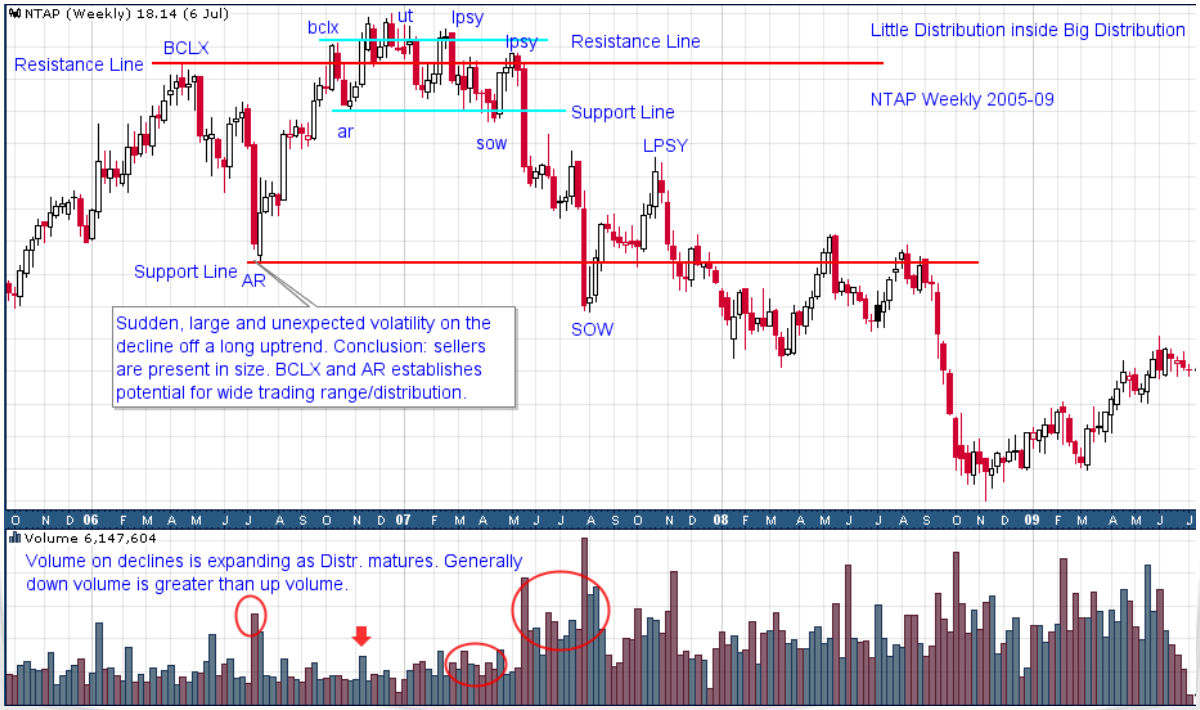
توزیع (Distribution) کمی شبیه به گذاشتن توپ Super Ball روی میز آشپزخونه هست. در حالی که به نظر میرسه در حال استراحتِ، اون توپ، مثل یک سهم، در حالت پتانسیل توزیع قرار داره. نیاز به یک محرک داره تا توپ رو به لبه میز ببره (در این مثال، عامل تحریک کننده توسط یک خواهر یا برادر کوچک‌تر بازی میشه). وقتی میز تکون

می‌خوره، توپ به لبه میز می‌غلته. اگرچه توپ به نظر در حال استراحتِ، اما پتانسیلی در اون نهفته هست که با غلتیدن از لبه میز آزاد میشه. با یک ضربه کوچک، توپ از لبه میز پایین میوفته و با سرعت بالا به سمت پایین شتاب می‌گیره. افت ناگهانی و غیرمنتظره هست. وقتی توپ به زمین برخورد می‌کنه، به صورت وحشیانه‌ای به بالا برمیگرده و بخش زیادی، اما نه همه، از افت رو برمیگردونه. ناگهان دوباره به سمت پایین حرکت می‌کنه و دوباره از زمین برمی‌گرده. شما تصویر رو دریافت می‌کنید. توپ Super Ball همچنان به برگشتن ادامه میده، هر بار به کمی ارتفاع کمتر. نوسانات در ابتدا بیشترِ و با گذشت زمان کاهش پیدا میکنه (به جذب فکر کنید).

توپ Super Ball در حالت استراحت روی میز آشپزخونه و یک سهم در حالت توزیع ویژگی‌های مشترک زیادی دارن. انرژی نهفته‌ای وجود داره که به دنبال آزاد شدنِ. حالت به ظاهر بی‌حرکت، فریبنده هست چون این تصور رو ایجاد می‌کنه که بی‌خطرِ، در حالی که اینجوری نیست. بی‌عملی به سرعت به فعالیت تبدیل میشه و پاسخ دادن به اون دشوارِ. بخشی از این به این دلیلِ که سهامدار به حالت بی‌توجهی فرو رفته. چنین حالت ذهنی باعث میشه پاسخ مناسب به بازار دشوار بشه وقتی سهام از حالت توقف به حالت افت تغییر میکنه. شنیدم که افت بزرگ بازار مانند رعد و برق توصیف میشه. وقتی رعد را می‌شنوید، صاعقه قبلاً آسیب خودش رو وارد کرده.

بنابراین، به عنوان یک وایکوفی، ما یاد می‌گیریم که هنگام آشکار شدن شرایط توزیع در نمودار قیمت، هوشیارتر بشیم. بعد از توزیع، مرحله کاهش قیمت‌ها (Markdown) اتفاق میوفته که قیمت مثل توپ Super Ball که از لبه میز آشپزخانه میوفته، سقوط می‌کنه. وقتی قیمت‌ها در حالت سقوط آزاد قرار می‌گیرن، استراتژی و تاکتیک‌ها تغییر می‌کنن. اونا دشوارتر میشن. وقتی یک سهام در حال سقوطِ، تمام راه تا پایین که اوج فروش نهایی (Selling Climax) دنبال میشه توسط یک برگشت خودکار (Automatic Rally) به صورت بسیار نوسانی باقی میمونه (اولین برگشت). به عنوان وایکوفی، ما صبر می‌کنیم تا نوسانات از سهم خارج بشه (بعد از اینکه توپ Super Ball از جهیدن دست بر میداره اون رو برمی‌داریم) قبل از اینکه به خرید فکر کنیم. در آینده زمانی رو صرف مرحله Markdown میکنیم. فعلاً بزارید به مطالعه شرایط و نکات فرایند توزیع با مثال‌های نموداری ادامه بدیم. ببینیم آیا می‌تونیم تشخیص بدیم که سهام چه زمانی به لبه میز نزدیک میشه.

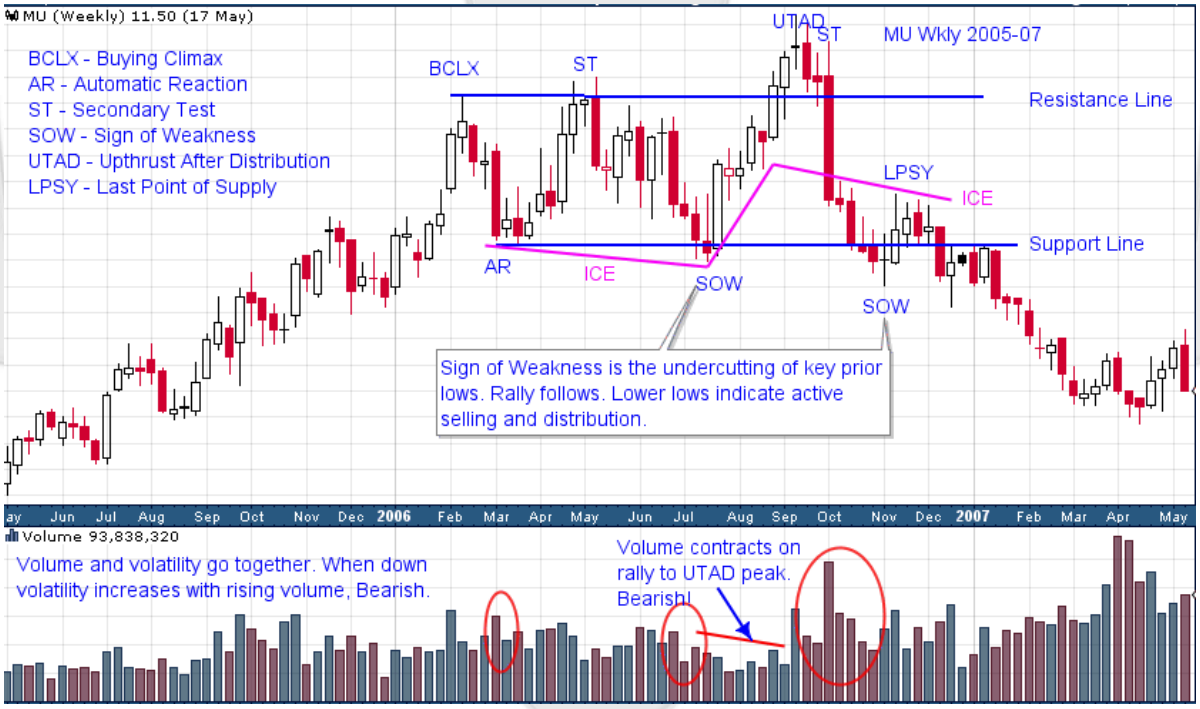
BAATRADER



توزیع همیشه نامرتبِ. نوسانات در ابتدا تشکیل میشن و معمولاً در طول زمان افزایش پیدا میکنن. به یاد داشته باشید که اپراتور در حال رقابت با دیگران برای فروش کل پوزیشنِ. توجه کنید که چطور NTAP برای ماه‌ها در بالاترین قیمت‌های BCLX باقی می‌مونه. قیمت‌های نزدیک به اوج‌ها برای سرمایه‌گذاران (عموم مردم و مؤسسات) آرامش‌بخشِ در حالی که زمان برای اپراتور فراهم میشه تا به تدریج نقد کنه و شاید حتی پوزیشن فروش ایجاد کنه. تمام ویژگی‌های توزیع در smaller top قابل مشاهده هست. در همین حال، یک mega top در اطراف smaller top در حال شکل‌گیریِ. یک همکار وایکوفی دوست داره این رو big top نام گذاری کنه.

توجه کنید که چطور توپ به لبه می‌غلته در آخرین نقطه (LPSY) دوم. وقتی که از روی میز میوفته، همه چیز به هم می‌ریزه. پاسخ به چنین نوسانات ناگهانی نزولی می‌تونه بسیار دشوار باشه. این یکی از دلایل

اصلیِ که باید توزیع بالقوه رو بسیار جدی گرفت. بعدش ما روی یک کف کلیدی قبلی، در این مورد AR، تمرکز می‌کنیم برای برخی از عملیات توقف. شکست زیر AR منجر به نشونه ضعف (SOW) میشه. این باعث راه‌اندازی یک رالی به LPSY از توزیع بزرگ‌تر میشه. در مقاله‌های آینده، مکان‌های ورود و تاکتیک‌ها رو بررسی میکنیم.



MU یک نمونه کلاسیک از UTAD هست. به حجم کم روی رالی به اوج UTAD توجه کنید. در این رالی حمایت وجود نداره. حجم بالا روی کندلی که اوج‌های BCLX و ST رو تست می‌کنه، نشون‌دهنده فروش توسط منافع بزرگِ. دو میله بعد، روی میله UTAD، بیشترین حجم تاکنون در نمودار مشاهده میشه. دوباره در اوج نهایی فروش بیشتری وجود داره. در اینجا ما مفهوم ICE رو معرفی می‌کنیم که شبیه به مفهوم Creek هست، اما برعکس. ICE یک جریان شناور از تقاضاست. در آینده زمان بیشتری رو به این ایده مفید میپردازیم. توجه کنید که

چطور ICE پس از افت قیمت به زیر اون، از تقاضا به عرضه تبدیل میشه. قیمت بعد از اون مستعد کاهش مداومِ. این امر در مورد خط حمایت هم صدق می‌کنه، وقتی که قیمت از بالای حمایت به زیر اون میره.



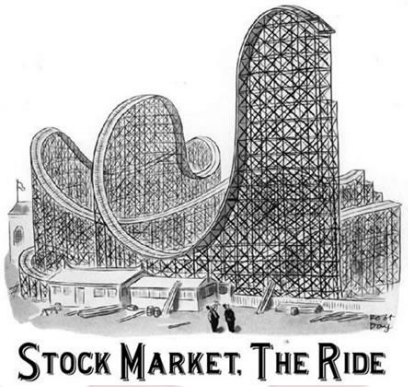
پس از یک روند صعودی طولانی، TXN به سمت یک BCLX کلاسیک با سرعت میره و سپس وارد توزیع وسیع و نوسان‌دار میشه. این نمودار روزانه هست و پس دیدگاه اضافی از نمودار هفتگی می‌تونه مفید باشه. دو خط حمایت رسم شده و هر دو بعداً مفید واقع میشن. نوسانات در طول کاهش‌ها قابل توجهِ و با حجم بالا همراهِ (دایره‌گذاری شده). زمان بزارید و تمام این نمودارها رو در مقیاس زمانی بزرگ‌تر بررسی کنید تا به عملکرد قیمت پیش از توزیع و اون چیزی که بعد از اون اتفاق افتاده، پی ببرید. آخرین نقطه عرضه (LPSY) بالاترین نقطه‌ایِ که قیمت می‌تونه به اون برسه قبل از اون که فروش، سهام رو دربرگرفته و اون

رو به سمت پایین برگردونه. یک LPSY در آینده نیست، تنها قله‌های پایین‌تر در پیشِ. بنابراین، یک LPSY مکان مناسبی برای فروش سهامِ. ممکنِ چندین نقطه LPSY وجود داشته باشه، هر کدام در اوج‌های پایین‌تر.

توزیع موضوعی بسیار جالبیِ و قبل از اینکه به موضوع بعدی بپردازیم، زمان بیشتری رو به اون اختصاص میدیم.

مقاله شماره 16

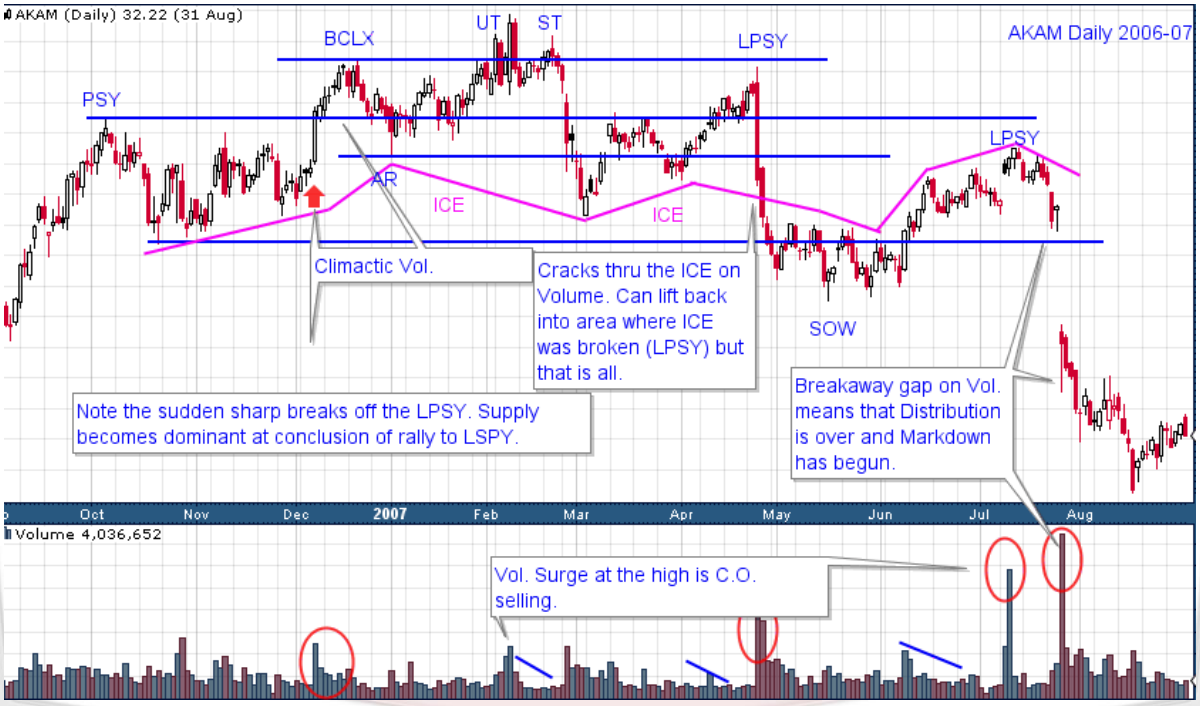
فقط نمودارها



یک نمودار به اندازه هزار کلمه ارزش داره. بنابراین، بیاید به مطالعه برخی نمودارها بپردازیم. ما به بررسی توزیع ادامه میدیم و چندین مثال اضافی رو مرور میکنیم. هدف ما تسلط بر خوندن نمودارهاست. توانایی دیدن تغییرات قیمت در زمان واقعی هدفی مهم در درازمدتِ. این امر نیاز به زمان، تمرین و تعهد داره. یکی از ویژگی‌های این مهارت، توانایی شناسایی و اقدام در مقاطع مناسب بر روی نمودارِ. ما وقت زیادی رو صرف آشنایی با چرخه سرمایه‌گذاری کلاسیک (تجمیع، افزایش، توزیع، کاهش) کردیم. درک رفتار قیمت در هر یک از این مراحل تأکید ما بوده. مقاله‌های آینده توجه بیشتری به بهترین مکان‌های تاکتیکی برای

ورود به معاملات و قرار دادن استاپ‌ها داره. خوندن نمودار یک تمرین در تصمیم‌گیری در مواجهه با عدم قطعیتِ. ما همیشه در "مه" بازارها فعالیت می‌کنیم. به عنوان یک وایکوفی، ما در حال قضاوت در مورد موقعیت کنونی و جهت آینده محتمل قیمت سهام هستیم. مأموریت ما اینِ که بازده رو به حداکثر رسونده و ریسک رو در تلاش برای کسب سود از حرکات قیمت سهام کاهش بدیم. همچنین، به عنوان وایکوفی، ما به دنبال شناسایی بهترین کاندیدای سهام از میان لیستی از ایده‌های بالقوه هستیم. سهامی که آماده است تا بیشترین و سریع‌ترین حرکت رو داشته باشه، همون چیزیِ که ما می‌خوایم بر روی اون تمرکز کنیم.

این مهارت‌های تسلط از طریق ساعت‌های بی‌شمار مطالعه و تمرین به دست میاد. من راه دیگری برای رسیدن به تسلط و غلبه بر مشکلات اجتناب‌ناپذیر در سفته‌بازی سهام نمی‌شناسم، جز از طریق این تلاش‌ها. هدف من اینِ که سفر شما در این مسیر تسلط رو با توضیح اصول روش وایکوف و ارائه مثال‌های آموزشی تسریع کنم. شما به شدت تشویق میشید که به اندازه زمان ممکن، نمودارها رو بررسی کنید تا درک عمیق‌تری از روش‌شناسی به دست بیارید. تجربیات شما در این مسیر برای من بسیار جالبِ و ممکنِ برای دیگران هم ارزشمند باشه. بازخوردها مفید هستن، چون بسیاری از دیگران ممکنِ نظرات و افکار مشابهی داشته باشن. هرگاه ممکن باشه، مثال‌های clarifying به سوالات و نظرات شما اضافه میکنم. امیدوارم از شما بشنوم. حالا بیایید به نمودارها بپردازیم.



AKAM مدت زیادی رو در حال بالا رفتن از سطح حمایت به مقاومت و بعد به سرعت پایین اومدن گذرونده. اپراتور به صورت تدریجی سهام رو می‌فروشه. قیمت‌های همپوشان با حجم عمومی پایین، نشونه‌ای واضح از این رفتارِ (به پیشرفت ماه آوریل توجه کنید). افزایش قیمت‌ها، هرچند که بی‌جونِ، اعصاب تریدرها رو آروم می‌کنه (و این درخواست توجه و احتیاط وایکوفی ها رو روشن میکنه). هدف اپراتور اینِ که قیمت‌ها رو به دلیل فعالیت‌های فروش خود پایین نندازه. به همین دلیل، قیمت‌ها به آرومی بالا میرن. توجه کنید که چقدر سریع قیمت‌ها به سطح حمایت برمی‌گردن. این نشون‌دهنده تقاضای کم و فروشندگان بزرگ فعالِ. همچنین، در نزدیکی قیمت‌های بالا در منطقه مقاومت، افزایش‌های زیادی در حجم مشاهده میشه که نشون‌دهنده وجود عرضه هست. شکست قیمت در ماه مه برای بسیاری از دارندگان بزرگ روشن‌کننده بود. ما این رو به عنوان شکست ICE نام‌گذاری می‌کنیم به

BAATRADER

خاطر شدت کاهش قیمت. انتظار میره که قیمت‌ها به سختی بالا برن چون تعداد بیشتری از دارندگان بزرگ به فروش سهام‌های خودشون می‌پردازن بعد از چنین کاهش در حجم بالا. این منجر به ایجاد نقطه آخر عرضه (LPSY) میشه که یک lower high هست و در این چرخه قیمتی دیگر به اون نمیرسه.



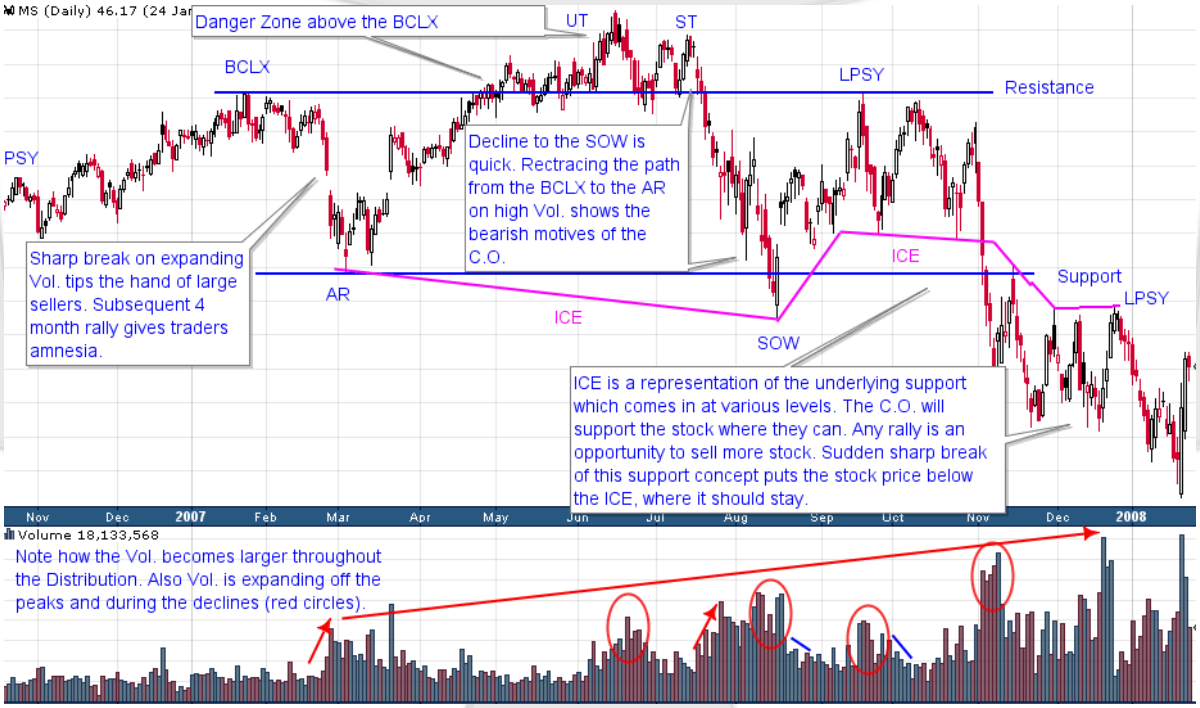
ISRG نشون میده که توزیع می‌تونه اشکال مختلفی به خودش بگیره. مأموریت وایکوفی ها شناسایی نشونه‌های واضح فروش پوزیشن های بزرگ به‌صرف‌نظر از ظاهر الگوی نمودارِ. وایکوف به اصول خوندن نمودار قیمت به‌صورت کندل و حجم مربوط میشه. حتی اگر توزیع می‌تونه در اشکال و اندازه‌های مختلف ظاهر بشه، وایکوفی همچنان می‌تونه طبیعت اساسی شکل‌گیری و انگیزه‌های اپراتور رو تعیین کنه. در اینجا، شاهد شکست‌های شدید از مقاومت و بعد حرکت قیمت به سمت پایین هستیم (به فوریه، مه-ژوئن و اوت ۲۰۰۸ توجه کنید). دوره‌های طولانی

که در اونا سهام می‌تونه فروخته بشه. بالاترین قیمت در Upthrust (UT) ثبت میشه و بعد از اون lower high ایجاد میشه. بعد از UT، تلاش‌های بعدی برای بازگشت به اوج UT به عنوان تست‌های ثانویه (ST) برچسب‌گذاری میشه. حجم در روزهای نزولی معمولاً بیشتر از روزهای صعودی در طول توزیعِ.



GMCR به‌طور نسبی یک قله با مدت زمان کوتاه تشکیل میده. یک جهش شدید قیمت به سمت BCLX بر روی یک شکاف نشون‌دهنده پایان روند صعودیِ. در استفاده معکوس از خطوط روند، می‌تونیم مشاهده کنیم که یک «پرتاب» (throwover) وجود داره که به‌عنوان یک وضعیت خرید بیش از حد (overbought) محسوب میشه. یک Buying Climax (BCLX)، یک تست (UT) و بعد یک Last Point of Supply (LPSY) اوج‌های توزیع رو تشکیل میدن. شکست شدید از UT به Sign of Weakness (SOW) بسیار سریع و شدیدِ. این وضعیت شبیه به

شکستن ICE هست و ما را به حالت آماده‌باش میبره. افزایش ناچیز در حجم رو به کاهش به سمت LPSY یک نشونه بزرگ از پیشرفت توزیعِ. قله (PSY) Preliminary Supply تقریباً به اندازه قله LPSY هست، که معمولاً مقاومت رو فراهم می‌کنه و در اینجا هم اینجوریِ.



ما برچسب BCLX رو به‌دلیل واکنش خودکار (AR) انتخاب می‌کنیم که نشون‌دهنده ورود اپراتورِ. Sign of Weakness یکی از ویژگی‌های مهم توزیعِ. معمولاً در ساختار توزیع، lower high و lower low مشهودِ. اگه کف زودتر از تریدینگ رنج ظاهر بشه و بعد higher low به‌طور طبیعی در حال تکمیل تریدینگ رنج پدیدار بشه، احتمال بیشتری وجود داره که یک Reaccumulation در حال شکل‌گیری باشه. مقاله‌های قبلی به این تمایز اختصاص یافته و در مقاله‌های آینده به اون برمی‌گردیم. به MS توجه کنید که حجم به‌طور گسترده‌ای در حالی که توزیع به بلوغ میرسه، افزایش پیدا میکنه. ICE مفهومی از حمایتِ که در سطوح

مختلف قیمتی ظاهر میشه. ICE معمولاً با یک شوک شکسته میشه، همانطور که در اینجا دیده میشه. با شکستن ICE، انتظار میره که هر تلاش برای صعود بعدی کم‌رنگ شده و قادر به برگشت به سطوح بالای قبلی قیمت نباشه. قیمت سهام به‌طور قابل توجهی در معرض کاهش‌های بیشتر هنگامی که زیر ICE هست، آسیب‌پذیرِ.

قله خرید (Buying Climax) نقطه قیمتی بسیار حساسیِ که به اوج و خستگی کل روند صعودی قبلی اشاره داره. تمام تلاش‌های آینده برای بالا رفتن از بالای BCLX با فروش در اطراف خط مقاومت مواجه میشه. حتی سهام‌هایی که در نهایت به قیمت‌های بالاتری میرسن هم باید بعد از BCLX دوباره تجمیع بشن. به همین دلیلِ که ما خط مقاومت رو در قله قیمت BCLX رسم می‌کنیم. در MS، توجه کنید که Up Thrust و Secondary Test مکان‌های کلاسیکی هستن که اپراتور سهام رو به مقدار زیاد می‌فروشه. بعد از اون، یک کاهش بزرگ و تدریجی به(SOW) Sign of Weakness نشون میده که فروش در اون قله‌ها چقدر زیاد بوده. به سادگی هیچ تقاضای اپراتور برای نگه داشتن MS وجود نداره و قیمت به خط حمایت میوفته و از اون عبور می‌کنه.

مدتی رو صرف مطالعه حرکات قیمتی کنید که به مرحله توزیع (Distribution Phase) میپردازه.

مقاله شماره 17

زمینه پادشاه هست



طرح‌های تجمیع و توزیع مثل نقشه‌های راه هستن(مقاله شماره 14 رو مرور کنید). اونا مسیر رو نشون و چگونگی رسیدن به مقصد رو توضیح میدن. این نقشه‌ها مثل نقشه‌های راه هستن که فاصله تا پیچ بعدی رو نشون نمیدن. برای هیجان بیشتر، هر بار که یک وایکوفی از طریق تجمیع یا توزیع سفر می‌کنه، فاصله (زمان) تا هر تقاطع تغییر میکنه. هیچ دو سفری شبیه به هم نیستن. با اینکه این موضوع به نظر مفید نمیاد، اما بهترین چیزیِ که میشه انجام داد و این ارزشمندِ. این طرح‌ها فراهم‌کننده‌ی زمینه هستن که برای معامله‌گر با تجربه بسیار مهم. وایکوف به‌خوبی نسبت به هر روش دیگه زمینه رو فراهم می‌کنه.

بیاید فرآیند توزیع رو به گونه‌ای جمع‌بندی کنیم که وضوح بیشتری داشته باشه. ما داستان تریدر برتر معروف به اپراتور رو بیان می‌کنیم. اپراتور عملیات بازار رو در مقیاسی بزرگ انجام میده که در مقایسه با اون، تریدر مثل آشغال‌هایی در جریان کمپین‌های بزرگ اون هستن. هنگامی که اپراتور یک کمپین رو انجام میده، این کار رو به صورت منطقی و با یک توالی منطقی از ابتدا تا انتها دنبال میکنه. نمودارها

استعاره‌های بصری برای آشکار شدن فعالیت‌های معاملاتی اون هستن. نمودارها زمینه‌ای رو فراهم می‌کنن که نشون‌دهنده پیشرفت اپراتور در کمپین خودشون برای جمع‌آوری یا توزیع یک موقعیتِ. وایکوفی‌ها یاد می‌گیرن که معاملات خودشون رو هماهنگ با فعالیت‌های اپراتور انجام بدن، در حالی که بیشتر سفته‌بازان به طور ناخودآگاه در مقابل این عملیات بزرگ پولی عمل می‌کنن.

مراحل تغییر ساختاری رفتار قیمت رو نشان میدن چون توزیع به نتیجه میرسه. هر مرحله کیفیت ظریف و منحصر به فردی داره. با درک ویژگی‌های قیمت و حجم در هر مرحله، وایکوفی‌ها بهتر می‌تونن بفهمن که توزیع چه زمانی و چطور تموم میشه و کاهش قیمت (Markdown) شروع میشه. تحلیل مراحل، همان زمینه هستش. پنج فاز وجود داره؛ از A تا E و با توسعه توانایی دیدن تفاوت‌های اونا، وایکوفی‌ها بهتر می‌دونن که چه کاری رو انجام بدن و چه زمانی اون رو انجام بدن.

اپراتور دارای پوزیشن بزرگیِ که باید توزیع بشه و این نیاز به زمان و صبر داره. یک روند صعودی بزرگ و پایدار به عنوان نتیجه عملیات فروش اپراتور متوقف میشه. مرحله A با توقف روند صعودی شروع میشه.

فاز A: عمل توقف

هدف: توقف روند صعودی قیمت‌ها.

رویدادهای کلیدی: عرضه اولیه (PSY): اوج اولیه که در اون قیمت به شدت کاهش پیدا میکنه. اوج خرید (BCLX): اوج روند صعودی که معمولاً با گستردگی زیاد قیمت‌ها و حجم بالا همراهِ. واکنش خودکار (AR): افت ناگهانی و شدید قیمت که نشون‌دهنده حضور فروشندگان بزرگِ. تست ثانویه (ST): بازگشت به سمت اوج BCLX، تستِ اینکه آیا روند صعودی می‌تونه ادامه پیدا کنه.

فاز B: ایجاد علت

هدف: ایجاد تریدینگ رنج بدون روند بین BCLX و AR.

ویژگی‌ها: تریدینگ رنج بدون روند: قیمت‌ها در یک رنج تعریف‌شده نوسان می‌کنن. حجم و نوسان: معمولاً در نزدیکی خط مقاومت (BCLX) بالاترِ. اوورتراست (UT): شکست‌های کوتاه و نادرست بالای مقاومت که ضعف بالقوه رو نشون میده. تست های ثانویه (ST): بازگشت‌های مکرر در محدوده، فرصتی برای اپراتور جهت فروش.

فاز C: آزمایش نهایی

هدف: تأیید پایان فاز توزیع.

رویدادهای کلیدی: آخرین نقطه عرضه (LPSY): آخرین تلاش برای برگشت که معمولاً ضعیف با کندل های باریک و حجم کمِ. اوورتراست پس از توزیع (UTAD): شکست نادرست بالای مقاومت که به سرعت شکست می‌خوره و خریداران رو به دام می‌اندازه.

فاز D: آغاز کاهش

هدف: شروع کاهش قیمت‌ها با تکمیل توزیع.

ویژگی‌ها: افزایش نوسان: قیمت‌ها با گستردگی بزرگ و حجم بالا کاهش پیدا میکنن. شکست ICE: افت قابل توجه زیر سطح حمایت که نشون‌دهنده پایان حمایت از سوی اپراتورِ. LPSY های متعدد: lower high هایی که فرصت‌های فروش کوتاه مدت رو فراهم می‌کنن.

فاز E: کاهش کامل

هدف: روند نزولی بزرگ به عنوان فاز نزولی بازار.

ویژگی‌ها: کاهش پایدار قیمت با مقاومت کم.

کاربرد عملی برای وایکوفی‌ها :

فازهای A و B: تمرکز بر فروش در سقف ها (UT ،ST ،BCLX) برای حداکثر بازدهی قبل از روند نزولی.

فازهای C و D: ایجاد پوزیشن های کوتاه مدت که تست های نهاییِ پایان توزیع و شروع کاهش رو تأیید می‌کنن.

فاز E: ادامه روند نزولی، نگهداری پوزیشن‌های کوتاه مدت تا زمانی که نشونه‌های تجمیع ظاهر بشن.

استادی در روش وایکوف شامل شناخت این فازها و تفاوت‌های ظریف اوناست. با درک رفتار قیمت و حجم در هر فاز، وایکوفی‌ها می‌تونن

استراتژی‌ها و تاکتیک‌های مناسب رو برای هر مرحله از تجمیع، افزایش قیمت، توزیع و کاهش قیمت شناسایی کنن.

مقاله شماره 18

فقط یک فاز دیگر



بیایید بحث خودمون رو درباره فازها از مقاله قبلی ادامه بدیم و مستقیماً به تحلیل نمودارها بپردازیم.
لطفا مقاله ی قبلی رو به خوبی مرور کنید.



یک BCLX کلاسیک با یک AR دنبال میشه که تریدینگ رنج توزیع برای AKAM رو تعیین می‌کنه. توجه کنید که چطور صعودها به BCLX، ST، UT و LPSY هر کدوم کمتر از قبلی‌ها قوی هستن. زمان صرف شده برای افت از قله‌های UT و LPSY افزایش پیدا میکنه. این نشون‌دهنده وجود فروش فعال در مقیاس پایین از قله‌هاست. فاز A توقف روند صعودی قبلیِ. پایان ST در نزدیکی BCLX نشون میده که روند قبلی به پایان رسیده. فاز B معمولاً یک تریدینگ رنج طولانی و بدون روندِ که در اون سهام به مقدار زیاد توسط اپراتور فروخته میشه. ادامه تست مجدد در ناحیه قیمت بالا به سهامداران آرامش میده، هرچند که به زیان اوناست. فاز C تست نهایی و مختصرِ که شکست می‌خوره و یک higher low مهم رو تشکیل میده که در این مورد LPSY هست. یک تست از اون قله معمولاً در عرض چند روز از قله LPSY انجام میشه. تست LPSY یک مکان کلاسیک برای ورود فروشندگان کوتاه‌مدت وایکوفی به معامله و قرار دادن توقف بالای قله LPSY هست. فاز D ادامه کاهش از دامنه توزیعِ که روند نزولی آغاز میشه (فاز E).

BAATRADER



توقف ST در BCLX روند صعودی CVX رو متوقف میکنه. تریدینگ رنج نوسانی و وسیع نشون‌دهنده تغییر شرایط برای سهامِ. SOW که زیر AR میره، نشونه‌ای دیگر از وجود توزیعِ. فاز A روند رو متوقف میکنه و فاز B به فروش فعال اختصاص داره. در این مورد، فاز C یک UTAD هست که برای 9 هفته بالای قله BCLX معلق می‌مونه. حجم قله UTAD نشونه‌ای از فروشندگان فعالِ. فاز D دارای یک Stepping Stone Redistribution (SSR) هست. در اینجا قیمت برای مدت طولانی در روند نزولی متوقف میشه و هیچ ظرفیت برای بازگشت به قله دامنه توزیع نداره، که نشونه‌ای معنادار از مشکلات پیش‌روِ. CVX به شدت از توزیع خارج میشه و وارد فاز E میشه. این نقطه به عنوان پایین‌ترین نقطه نزول ثابت میش و سپس 5 ماه بعد پس از یک SSR دیگه، اون نقطه پایین تست میشه. توجه کنید که چطور UTAD یک شکل‌گیری

BAATRADER

قیمت سریع و ضعیف رو تنظیم میکنه که در اون فروش به تسلط در فاز D و وارد شدن به روند نزولی فاز E ادامه داره.



KLAC در سپتامبر و اکتبر یک رویداد بزرگ فروش داره که به دنبال اون توزیع معمولی نمیاد. بعدش قیمت به صورت عمودی بالا میره و وارد توزیع مشخص‌تری میشه. PSY در سطح قله سپتامبر تشکیل میشه و با یک وقفه کم‌عمق دنبال میشه و بعد به BCLX و AR در فاز A میرسه. اولین تست جزئی رو به عنوان پایان فاز A علامت‌گذاری می‌کنیم و AR دنبال میشه. این یک تصمیم قضاوتیِ چون پروتکل معمولی اینِ که به دنبال ST پس از پایین AR باشید و این پایان فاز A هست.

در فاز B، UT با یک کاهش سریع به سمت SOW دنبال میشه. این به ما هشدار میده که توزیع در حال پیشرفت سریعِ. حتی اگر یک صعود سریع به سمت LPSY شکل بگیره، SOW به ما هشدار میده که KLAC

به طور ذاتی ضعیفِ و باید استاپ ها رو اگه سهام رو در دست داریم، تنگ کنیم. LPSY تست نمی‌شود چون مستقیماً به سمت SOW میوفته و بعد از توزیع کوتاه مدت خارج میشه، جایی که یک SOW دوم تشکیل میشه. یک صعود سه هفته‌ای با کیفیت پایین و حجم کم قیمت‌ها رو به سمت LPSY دیگری بالا میبره. این LPSY تست میشه و یک فروش کوتاه مدت بالای خط حمایت تنظیم میکنه. توجه کنید که BCLX تقریباً با LPSY برابرِ و PSY تقریباً با LPSY دوم برابرِ. وقتی توازن قیمت در این سطوح شکل می‌گیره، وایکوفی ها توقف می‌کنن، نگاه می‌کنن و برای معکوس شدن‌ها آماده هستن. فاز D طولانی و کشیده شده و یک SSR بزرگ در فاز E شکل می‌گیره. زمان بزارید تا پیامدهای این مثال‌ها رو بررسی کنید.



مطالعه مورد NFLX نمونه‌ای از نوعی توزیع به‌ویژه دشوارِ. در آخرین مرحله از روند صعودیِ که اپراتور در حال توزیع سهامِ. شناسایی و

ارزیابی توزیع در مقیاس صعودی و در روند صعودی، چالش‌برانگیزِ. به محض تکمیل روند صعودی، یک کاهش سریع و شدید آغاز میشه. تحلیل فاز دشوارِ چون همه چیز بسیار سریع اتفاق میوفته. نشونه‌های اولیه بزرگ شامل کاهش‌های طولانی در روند صعودیِ که نشون‌دهنده فروشندگان بزرگ و فعالِ. همچنین، پرتاب به بالای BCLX نشونه ی ارزشمندیِ. شکستن خط روند حمایتی (خط تقاضا) هشداردهنده هست که همه چیز به خوبی پیش نمیره. دو LPSY در خط حمایت آخرین جزئیات برای تکمیل فاز D و آغاز کاهش قیمتِ. شواهدی از هیپودرمیک‌ها در مراحل نهایی پیشرفت NFLX وجود دارد (هیپودرمیک‌ها همین زیر مورد بحث قرار می‌گیرن).



PCLN در حال توزیع در حالی که در یک الگوی صعودیِ. توجه کنید که چطور آخرین مرحله صعود به سمت بالا و دور از خط روند حمایتی تسریع میشه. ویژگی‌های توزیع در طول این روند مشهودِ (PSY، BCLX،

ST، UTAD). چیزی که مشهود نیست، نشونه‌های ضعف قیمت در مسیر صعودیِ Higer low به‌طور قابل توجهی بالاتر به سمت UTAD ساخته میشه. این باعث میشه که روند صعودی به نظر سالم به نظر بیاد، در حالی که در واقع به شدت در حال رسیدن به قله هست. تمایل وجود داره که تریدر ها بر روی روند صعودی تمرکز کنن و نشونه‌های توزیع را نادیده بگیرن. وایکوفی ها هم ممکنِ به این اشتباهات دچار بشن و بنابراین از خطوط روند به عنوان مکان‌هایی برای تعیین استاپ های متحرک و فروش سهام استفاده می‌کنن.بعد از شکستن خط روند، یک صعود قیمتی اون را از زیر تست میکنه (LPSY = PSY) و این مکان به‌طور استراتژیک برای فروش کوتاه مدت مناسبِ.



در دوران ریچارد وایکوف، شتاب و خستگی قیمت در آخرین مرحله صعود به عنوان هیپمودرمیک شناخته میشد. FXI نمونه‌ای از این پدیده در زمان‌های اخیرِ (NFLX و PCLN فوق نیز ویژگی‌هایی از رفتار

هیپودرمیک رو در صعود نهایی خود دارن). اگرچه نسبتاً نادرِ، هنوز هم شکلی از توزیعِ که وایکوفی ها باید از اون آگاه باشن. نمودار روزانه زیر، صعود نهایی شدید قیمت به سمت قله رو جدا می‌کنه. در زیر نمودار، توصیف بسیار خوبی از هیپودرمیک توسط دکتر پرودن آمده.



«در پایان یک صعود بازار، بازار با یک سری تزریق‌های دوره‌ای مصنوعی که قیمت‌ها و حجم رو به سرعت بالا می‌بره، ولی به سرعت محو میشه، حفظ یا احیا میشه. این تزریقات می‌تونه یک روند صعودی تقریباً مرده رو برای مدتی روی پا نگه داره. اخبار خوب، نظرات تحلیلگران، علاقه عمومی و تبلیغات کمک می‌کنه تا یک داروی کشنده ایجاد بشه. از اون جایی که تزریقات به سرعت از بین میرن، صعود شدید رها میشه و بازار به طور نامنظم ترید می‌کنه و به عقب برمی‌گرده. اپراتور ترکیبی چندین بار این تحریک رو تکرار می‌کند تا یک روند صعوی قدیمی رو دوباره به حرکت دربیاره. اهداف اون تقریباً محقق شده. نتیجه یک

BAATRADER

UTAD با قله‌های نزولی در یک سقوط سریعِ، چون تزریقات مکرر قدرت خودشون رو از دست میدن و روند صعودی شکسته میشه.» – دکتر هنک پرودن.

در نمودار روزانه FXI، پس از PSY، قیمت تلاش می‌کنه تا به سمت بالا و دور از خط روند حمایتی شتاب بگیره. این «افزایش سریع» به مدت کوتاهی ادامه پیدا میکنه و قیمت‌ها به سرعت به خط روند برمی‌گردن. شکستن زیر خط روند، حتی به طور موقت، باید به عنوان نشونه ضعف و هشدار از ضعف ذاتی و فروش فعال در روند قدیمی در نظر گرفته بشه. عمل قله‌ای نوعی در BCLX و ST مشهودِ. مراحل به سختی تعریف میشن، اما برخی از نشونه‌های مهم مسیر رو روشن می‌کنن. این صعود تندِ و نمیشه انتظار زیادی برای هشدار تغییر روند داشت. BCLX یک عمل توقفیِ که نشون‌دهنده فاز A هست. تست ثانویه (ST) ممکنِ قله نهایی باشه و به طور موقت به عنوان مرحله B یا C برچسب‌گذاری میشه. ما انتظار داریم که شکستن خط روند شروع کاهش به پایین ناحیه توزیع باشه که در سطح قیمت PSY هست. این مرحله D و بعد از اون مرحله E هست. بنابراین، کار با مراحل به ما راهی برای تفکر یا برنامه‌ریزی اون چیزی که ممکنِ اتفاق بیفته، میده.

در نهایت، تأکید بر خط روند حمایتی ارزشمند و مهمِ. همونطور که در این مثال‌ها می‌بینیم، وقتی که گام‌های صعودی شکسته میشه، روند بازار می‌تونه به سرعت تغییر کنه. خطوط روند اغلب به عنوان آخرین

خط دفاعی مهم عمل می‌کنن که جاییِ که استاپ‌ها سرمایه رو محافظت کرده و سود کمپین‌های موفق رو قفل می‌کنن.»

BAATRADER



BAATRADER

BAATRADER.COM

T.ME/BAATRADER

BAATRADER